START

REEL 108

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

AIIM

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

MS303-1980

Centimeter

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 mm

1 2 3 4 5

Inches

1.0 1.1 1.25 1.4 1.6 1.8 2.0 2.2 2.5 2.8 3.2 3.6 4.0 4.5 5.0 5.6 6.3 7.1 8.0 9.0

MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 110

(Richter-Bernburg No. 93)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefāʾī"

Title: [Qarābāẕīn]

200 fols., 210 x 155 mm

Text on fore-edge
filmed at end of manuscript

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN



بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

الحمد لله الحكيم العليم والصلوة على من اوتي الحكمة والكتاب الكريم

وليشفي بلفظ السقيم وانه لعلى خلق العظيم واله الهادين الى الصراط المستقيم

اما بعد پوشیده نماند که فقیر حقیر مظفر بن محمد الحسینی الشفائی

در مدت مدید ترکیبی چند که در معالجات امراض ازان گریزی نیست

کرده بود خواست که در سلک ترتیب در آورد بعضی از مرکبات مجرب

معقول علیها حکماء متقدمین و متاخرین منتخب و مترجم نموده منتظم

کرده تا کتاب جامع و مغنی از سایر قرابادینات باشد و بترتیب حروف تهجی

مرتب ساخت مامول از کرام آنکه چون بشرف اطلاع یابند برقم شفقت اصلاح

فرمایند و این کمینه مع قلة البضاعة والاعتراف بالعجز والجهالت معذور دارند

والله الولي الهداية والتوفيق من عنده وبه الاعانة باب الالف انوشدارو

اعضاء رئیسه را قوت دهد و خفقان و تفرق را نافع بود و فرح آورد و لون را

نیکو گرداند و بوی دهن و عرق خوش کند و اشتهای طعام آورد و بسیار

از طعام و بیشتر از طعام توان خورد صفت گل سرخ شش درم سعد کوفی

پنج درم قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم فاقله صغار و

کبابه و زرنب و بسباسه جوزبوا قرفه زعفران از هر یک دو درم املج مقشر یک رطل قند

و عسل مصفا صد و هشتاد مثقال املج در شیر خر بخیسانند یک شبانروز پس

بشویند و در سه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از دیگ فرو آورده صاف کنند و بقند

و عسل بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بدان بسرشند انوشدارو بروی مروارید

محلول بانه مروارید ناسفته لعل یاقوت کهربا بسد یشب عود قماری سعد کوفی

گل گاوزبان زرشک اذخر مکی قرنفل فرنجمشک هلیله یونانی یا دربخویه درونج

عقربی پوست پسته پوست اترج صندل سفید گل سرخ از هر یک دو مثقال

عنبر اشهب مشک از هر یک نیم مثقال ورق طلا پنجاه عدد ورق نقره

صد عدد سنبل الطیب ساذج طباشیر ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال

مصطکی پنج مثقال زعفران شش مثقال املج منقی شصت مثقال قند

دو برابر اجزا عسل یک برابر شربتی دو مثقال انوشدارو کوکبی تقویت قلب

کند و معده و دماغ را قوت دهد صفت مروارید ناسفته بسد یشب

سعد کوفی از خرا از هریک دو مثقال عود خام سه مثقال و نیم طباشیر
درج سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هریک سه مثقال زعفران
دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال نیزه املج سی و مثقال عسل و قند
سه وزن ادویه ترکیب کنند ارسطو گفته نافعست از جهت سل و وجع بطن
وحمی مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم و برودت بدن صفت افیون
مصری چهار درم اقاقیا فلفل از هریک ده درم عاقرقرحا سه درم حما
بیست درم سیخم چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم
عسل صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته چنانکه رسمست معجون
سازند شربتی یکمثقال انقرد یا نافعست از جهت فالج و استرخا و لقوه و
دماغ را از خلط ردیه پاک کند و ذهن را تیز پاک کند و عقل را زیاد کند
صفت سنبل صلیخه سادج هندی مورد زعفران درم ترکی افیون
تفاح اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هریک دو درم حب البان
مغشر نیل از هریک یکدرم مصطکی و عسل بلادر فوه از هریک سه درم
غاریقون دو درم صبر سقوطری ده درم امدی بیست درم پنج

سه شبانه روز

سه شبانه روز در سرکه خیسانند و بعد از سه چهار جوش از آتش باز گیرند
وان سرکه را صاف کرده با سه رطل و نیم عسل مصفی باتش نرم بجوشانند تا قوام
اید و ادویه را کوفته بان ممزوج سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
یکدرم باب نیم گرم بیاشامند انقرد یا کبیر فالج و لقوه و صرع و نسیان
وجمیع امراض بلغمی را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و باه را زیاد کند
صفت عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دار فلفل وج از هریک ده درم سنبل
حنطیانا حلتیث زراوند مدحرج حب الغار جند بیدستر شطرج هندی
خردل از هریک پنج درم عسل بلادر چهار درم و نیم داروها کوفته و بیخته
بروغن گردکان چرب کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه عسل صاف
نیز سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال انقرد یا صغیر
منافع ان قریب بمنافع کبیر است صفت هلیله پوست بلیله امله مقشر از
هریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل عسل
بلادر از هریک پنجدرم داروها کوفته و بیخته بروغن گردکان چرب
کنند و با عسل بلادر سه وزن ادویه عسل صاف نیز سرشند و بعد از

اتقردیای دیکر

ششماه استعمال کنند ... از غایت نافع باشد صفت پوست هلیله
کابلی پوست بلیله آمله مقشر کشنیز خشک اسطوخودوس از هر یک پنج
درم عود خام زنجبیل مقشر عسل بلادر از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن
ادویه برسم معهود معجون سازند اسهال سپل جگر و بیرم اسهال دارد و سده بگشاید
بول براند و سنگ آنکرده پاک کند و در ابتداء استسقا نافع باشد صفت بر کرمان
دو قو عود بلسان اسید قرد مانا فقاح اذخر عم کرفس از هر یک یک درم قسط
فلفل دار فلفل هر یک نیم درم مرصافی سه درم حب الغار ده درم وج زعفران
از هر یک ده درم کوفته و بیخته بعسل ابیر شند شربتی مقابل یک فندق در آب گرم
نافع بود اطریفل سیاه اوجاع کبد و طحال و معده و اسهال بلغم و سعال مزمن
وقی الدم و عسر ... وجع کلیه و مثانه و بر بواسیر را نافع باشد و بادها
و دردها تسکین دهد صفت افیون زعفران جند بید ستر بنج قسط فرد نا
خشخاش غافث شاخ راست بزعرق جکرکان خشک کرده مجموع مساوی انچه کو
بکوبند وانچه کداختنی در شراب بکدازند و با عسل مصفی معجون سازند و بعد
ششماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب اطریفل صغیر

منافع ان

صفت
منافع ان قریب بمنافع کبیر است صفت ... زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از
چهار درم عصاره غافث ... درم اصل السوس ده درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
اطریفل کبیر
شربتی مقدار یک فندق در نسخه دیگر عود بلسان ... از هر یک چهار درم ...
اطریفل کبیر بواسیر را نافع بود و لون را نیکو کند و باه را زیاده کند و معده و امعا
صفت
قوت دهد طعام را هضم کند صفت هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله کابلی
مقشر فلفل دار فلفل از هر یک سی درم زنجبیل ... بوزیدان شطرج هندی
شقاقل تودری سرخ تودری زرد لسان العصافیر حب القلقل کنجد مقشر
سفید بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک ده درم کوفته بروغن بادام یا روغن
اطریفل صغیر
گاو چرب کنند و بعسل بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند اطریفل صغیر از هاو ...
صفت
و بواسیر را نافع بود و ذهن را نیکو کند و لون را صافی کرداند صفت پوست هلیله کابلی
بلیله پوست هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر هر ثانی کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند
اطریفل کشنیزی
و باده ... عسل بسرشند شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد درد سر
صفت
و درد چشم و درد گوش را که سبب آن از بخار باشد نافع بود صفت پوست هلیله کابلی

پوست بلیله هلیله سیاه امله منقی کشنیز خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کرده باسه مقدار آن عسل بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند
اطریفل مقل جهت بواسیر عظیم نافع بود صفت پوست هلیله زرد امله منقی پوست بلیله
ده درم مقل سی درم آب کنند تا بگدازد و شصت مثقال عسل اضافه کنند
و بجوشانند تا بقوام آید و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند اطریفل مقل نافع ملین
نرم کند و بواسیر را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه امله
افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم مقل و فلوس خیار شنبر از هر یک
سی درم مقل و فلوس را در آب کنند تا حل شود و با عسل بقوام آورند و دارو
وها کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کنند و معجون سازند اطریفل کرمانی دیدان
خورد و بزرگ و حب القرع را بکشند صفت برنک کابلی ده درم تربد حب النیل قسط
تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی
خربق تخم حنظل سقمونیا از هر یک سه درهم کوفته و بیخته با روغن
از عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار بحسب مزاج نافع

اطریفل مقل نوع دیگر است پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه امله منقی از هر یک پنج درم تربد سفید هفت درم
مصطکی سه درم مقل ازرق و روغن بادام از هر یک بیست د
درم عسل نیم من آب کنند تا بقدر حاجت مقل را در آب حل سازند
و با عسل بقوام آورند و معجون سازند شربتی هر شب دو مثقال
اطریفل افتیمون بیماریهای سوداوی را عظیم نافعست و سیاه موی را
نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله
هلیله زرد پوست بلیله امله از هر یک ده درم سنا مکی تربد
سفید افتیمون از هر یک پنج درم شاهتره هندی سه درم بسفایج
فستقی درمی انیسون و نمک هندی از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال تا چهار درم توان خورد اطریفل خناق و خنازیر عددی
زیر اسود دارد صفت هلیله سیاه پانزده درم بلیله امله تربد سفید
غددی که در گردن گوسفند می باشد خشک کرده از هر یک پنج درم
افتیمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس سنا مکی از هر یک هفت

درم شطرج تربد غاریقون نوشادر از هر یک سه درم انیسون
مصطکی جوزبوا سنبل از هر یک دو درم کوفته و بیخته با عسل سرشته
شربتی پنج درم قوت دهد اطریفل و بهق سفید و برص را و سودا را و ماهان
سیاهی موی را نگاه دارد و امراض بلغمی را نافع باشد صفت پوست بلیله
کابلی بیست درم پوست بلیله املج مقشر از هر یک ده درم برنگ کابلی
مقشر پانزده درم شطرج هندی سعد زنجبیل از هر یک سه مثقال
سادج پنج درم بسفایج اسطوخودوس از هر یک ده درم غاریقون
شش درم قسط سه درم جوزبوا حنظل دار فلفل نانخواه مصطکی
کندر افتیمون انیسون از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی از سه تا چهار درم اطریفل بکر عرق مدنی اسود و اکر روغن دارد
بیاپی استعمال نمایند مداوا این علت را پاک کرداند صفت پوست بلیله کابلی
پوست بلیله آمله مقشر تربد سفید زنجبیل قنبیل اسارون کوفته و
بیخته بروغن بادام چرب کنند و با عسل سرشته شربتی سه درم
اطریفل صغیر نیفل اعضاء غذا را پاک کند و فضول از دماغ فرود آورد

ولقوه و کرانی

11

6

ولقوه و کرانی کوش و زبان و استرخاء مثانه و مقعده و سایر اعضا
و انجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد صفت سنبل دارچینی عود بلسان
سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی جرسقوطریون وزن
ادویه شربتی دو درم بعسل قلب کرم ایارج صرع و مالنخولیا و فالج و سکته لوغاذیا
و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و
و صداع شقیقه و دوار و صمم و شهوت کلبی و عسر النفس و درد کرده
و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد کوش و داء الثعلب
و داء الحیه و ریشهای امن بدن را نافع بود و حیض بکشاید و این
مبارکست و اسهال او برحمت باشد صفت شحم حنظل پنج درم پیاز
عنصل مشوی غاریقون اسقمونیا خربق سیاه اشق سقوردیون
از هر یک چهار درم و نیم افتیمون کمادریوس مقل از هر یک سه درم
حاشا هوفاریقون سنادج هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل
جاوشیر مرصاف جندبیدستر فطراسالیون زراوند طویل عصاره
افسنتین فرفیون سنبل حمایا زنجبیل دو درم جنطیانا اسطوخودوس

از هر یک یک درم و نیم کوفته بعسل برشند شربتی چهار مثقال یک
وعسل بعد از شش ماه استعمال نمایند تا چهار سال استعمال توان
نمود ایارج لوغاذیا دیگر منافع هر دو قریب بیکدیگر است صفت شحم حنظل
سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم بصل الفار هشت درم افیمون
غاریقون خربق سیاه از هر یک ده درم خانشاد و درم فراسیون
سبفایج سلیخه از هر یک هفت درم فلفل سیاه دار فلفل سنبل
عفران دارچینی مرقطرا اسارون از هر یک چهار درم جاوشیر سک
بیج عصاره افسنتین اسطوخودوس کمادریوس اسطوخودوس
از هر یک پنج درم زنجبیل جند بیدستر زراوند طویل قطریا
روسی از هر یک سه درم کوفته وبیخته بعسل برشند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی چهار درم یا یک درم غنک طعام در
طبخ افیمون ایارج جالینوس نفع این از لوغاذیا بیشتر است لقوه وفالج
و تشنج واسترخاء مثانه وامراض بلغمی وسوداوی را نافع باشد و ثقل
باز دارد واخلاط غلیظ ولزج را از بدن پاک کند صفت شحم

حنظل

7

غاریقون بصل الفار اشق سقمونیا خربق سیاه فرفیون از
هر یک پانزده درم سبفایج کمادریوس افیمون سلیخه از هر یک
هفت درم مرسکبینج زراوند طویل و مدحرج فلفل ابیض و فلفل
سفید و دار فلفل و دارچینی جاوشیر جند بیدستر فراسالیون
از هر یک چهار درم کوفته بعسل برشند شربتی چهار مثقال:
ایارج لوکادیا جرب را وسبل را وشرناق وضعف باصره را نافع است
صفت توتیای کرمانی شسته شیح محرق مغسول از هر یک ده درم
مروارید ناسفته شش درم نبات پنج درم صلایه کرده
استعمال نمایند اکتحال که قرحه و موی سرج را نافع است صفت
سفیداب ارزیر هشت درم اقلیمیا نقره صمغ عربی از هر یک چهار
درم نشاسته وافیون از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال
نمایند [illegible] که دمعه را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتها
طعام آورد صفت نانخواه کرم در کوزه آب ندیده بکنار زند تا تر
شود و بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب بکنار زند تا

و سرکه بر بران میریزند و ده روز دیکر بهد و شاب خمرانرا تازه کنند و
روز دیکر شیره انکور خمیرانرا تازه کنند و بعد از ان ادویه کرم کوفته
و بیخته بر بران ریزند چون خواهند ابکامه رقیق بکیرند از این
خمر مقدار یکمن بکیرند و سه من سرکه کهنه بر بران کنند و کیسه
پر دارویی کرم دران اندازند و چهل روز در افتاب بکذارند و
بعد از ان استعمال نمایند باب الاباء هجر برودت معده و جکر و رحم
و احتباس طمث را نافع بود و ریاح غلیظ را دفع کند و سده
جکر و سپرز را بکشاید صفت زنباد و درونج عقرب انیسون چند
بید ستر عاقر قرحا فلفل دار فلفل سلیخه هوم المجوس بنج
قسط البری جاوشیر زعفران از هریک شش درم با ...
از هریک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم عسل ... ازان
و به بطریق متعارف معجون سازند ... شیخ ابو علی
زکام و نزله را نافع بود و جماع را ساکن کرداند و طمع ...
رقیق کنه صفت فلفل سفید بنج از هریک بیست مثقال ...

وشونیز د

8

ده مثقال زعفران بنج مثقال سنبل الطیب عاقر قرحا فرفیون از
هریک یکمثقال کوفته و بیخته باسه چندان عسل بسرشند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند بنادق ... حرقة البول و قروح کلیه و
دمه البول را نافع باشد صفت مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار
پنج درم مغز تخم کدو بنج درم مغز تخم خرفه تخم خطمین و مغز
بادام مقشر کثیرا نشاسته رب السوس خشخاش سفید کل از
تخم کرفس از هریک دو درم بکوبند و بنادق سازند ... درم
بشراب خشخاش ... قواسهال معده را نافع و مفت
مثانه و سبزه کیدر کنده و کرمارج از هریک بنج درم افیون
چهار درم حب الاس ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند ...
وجع قولنج بادرا تسکین کند ... بید ستر شونیز ناخواه
افیون مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند هریک دو دانک
بنادق مقعص و وجع قولنج مرار برا ساکن کند صف تخم کاهو
خرفه افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا مرشته بنادق

سازند هر یکی دو دانگ بیش از ترکیب حکمای هند است و از جهة
جذام عظیم النفع است صفت هلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک
دو درم فلفل پنج درم بیش سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته و
بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
بزرگی این ترکیب نیز از هند یافته است و همان خاصیت دارد صفت هلیله سیاه
امله شیطرج از هر یک چهار درم جوز بوا زرنباد قسط [illegible] کندر
موقوف از فلفل دار فلفل [illegible] عاقرقرحا اسقیل سادج از
هر یک نیم مثقال بیش از چهار مثقال کوفته و بیخته بعسل
معجون کنند شربتی یک مثقال [illegible] درد [illegible] و [illegible] و [illegible]
وسیل [illegible] نافع باشد صفت [illegible] کرمانی مقسول ده درم
پوست هلیله زرد زنجبیل زرد جوبه از هر یک پنج درم دار فلفل
[illegible] از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته
بیخته [illegible] روز [illegible] قوره [illegible]
خشک کنند و دیگر باره بکوبند و بزنند [illegible] نافع

بود
صفت بنفشه کثیرا خشک بریان کرده صمغ عربی کثیرا از هر یک درمی [illegible]
سه درم کوفته و بیخته پنج نوبت در [illegible] و دیگر باره [illegible]
[illegible] بیخته استعمال نمایند [illegible] که قرحه [illegible] نافع بود
صفت سفیداب ارزیز پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی هفت
درم و نیم شادنج مغسول [illegible] سوخته [illegible] افیون از هر
یک [illegible] درم صلایه کرده استعمال نمایند [illegible] استخوان هلیله
کابلی سوخته درمی نمک اندرانی [illegible] از هر یک یک د
رم و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند [illegible] قوت باصره بیفزاید
و محافظت چشم کنند صفت توتیا مرقشیثا اقلیمیا نقره از هر یک پنج د
رم سنبل سادج زعفران از هر یک یک درم مروارید ناسفته د
و درم کافور دانگی مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
[illegible] را خشک گرداند و سوزش باز دارد صفت شادنج مغسول
ده درم روی سوخته پنج درم مروارید ناسفته یک مثقال و دو دانگ
نبات یک درم صلایه کرده استعمال نمایند [illegible] دمعه را باز دارد

وبیاض برد صفت سرمه وتوتیای مغسول از هر یک دوازده در
م مروارید ناسفته دو درم شادنج هندی یک درم زعفران نیم در
م مامیثا هشت درم مشک وکافور از هر یک دانکی صلایه
کرده استعمال نمایند باسلیقون کبیر او بکی چشم وابتدای آب ودمعه و
جرب وسبل وظفره وشرناق را نافع باشد صفت کحل دیا اقلیمیا القره
از هر یک ده درم نمک اندرانی سادج هندی سفیداب ارزیز
فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک ده درم
نمک هندی قرنفل دواله از هر یک یک درم صبر سقوطری عصاره ما
میثا مس سوخته از هر یک پنج درم مامیران چینی مر ونوشادر زرد
چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و
بیخته بحریر استعمال نمایند باسلیقون صغیر قریب بمنافع کبیر است صفت
اقلیمیا القره پنج درم روی سوخته ده درم ونیم سفیداب ارزیز نمک اندرا
نی نوشادر جعده فلفل از هر یک نیم درم کوفته وبیخته استعمال نمایند بنفشی
تاریکی چشم را ودمعه وجرب وحکه را نافع باشد صفت شادنج مغسول

دو درم دم الاخوین دانکی روی سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک
نیم درم سادج هندی دو دانک قاقله ومشک از هر یک دانکی کافور
دانکی کوفته وبحریر بیخته استعمال نمایند بر بیاض رمد را نافع باشد وضربان را
بنشاند ودرد ماده کند وچشم را هم درو زبا صلاح آورد صفت شیاف
مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کتیرا یک درم زعفران دو درم
افیون نیم درم کوفته وبحریر بیخته بآب باران بسرشند ودر وقت بسفیده تخم
مرغ حل کنند واستعمال نمایند بخوری که زکام ونزله را باز دارد صفت
کندر ملیعه بابسه مر وقسط سنبل وورس مساوی کوفته وبیخته گلولها سازند
وبر آتش نهند ودخان آن بدارند بخوری که نزله وزکام حار را نافع باشد
صفت سبوس گندم آرد جو باقلا صندل سفید گل سرخ بنفشه گل کدو از
هر یک نیم درم کافور دانکی کوفته ودر سرکه خیسانیده وخشک کنند
دیگر باره کوفته وبیخته بگلاب بسرشند وحب سازند ودر وقت حاجت
بر آتش گذارند وبخار آن دارند بخوری که مقوی ذهن و
دماغ است وخفقان وغشی وضعف حواس را نافع است صفت عود

هندی قسط شیرین صندل سفید از هر یک یک درم مشک و کافور از هر
یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و گلولها ساخته بخور کنند
بخوری که بالبتنی معین باشد صفت میعه سایله با زر دحب اغار مساوی
کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز یک
درم از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نماید بخوری که بران همین خاصیت
دارد صفت سداب مشک کوفته با موم گداخته و به پشم خرگوش سرشته
بخور کنند بخوری که مشیمه و بچه مرده را بیرون آورد صفت مر بازرد جاوشیر
مساوی کوفته و بیخته زهره گاو بسرشند و گلولها سازند و زیر طغار
سوراخ کرده دود کنند و فرج را بر آن سوراخ نهد بیخته جوشیر برودت
معده و جگر و وجع ظهر و مفاصل و قولنج ولقوه ونسیان و وجع کلیه را
نافع بود و لون را صافی کند و بوی دهن را خوش کند و معده و باه را قوت
دهد و حفظ را زیاده کند و بول را براند و بادها بشکند صفت آب اکل
و سنبله صندل من گوشت تعلی فربه بخته بیست من عود خام ده درم جو
زبوا زعفران مصطکی خولنجان از هر یک نیم درم سلیخه یک درم جبلی

کبابه زرنباد قرنفل سعد کوفی لبابسه از هر یک سه درم زنجبیل دا
دجلینی سنبل الطیب عاقرقرحا از هر یک یک درم عسل ده رطل کوفته
اجزا را در کیسه کنند و سر کیسه را نوم به بندند و در آن اندازند و هر
مخلله بدست بمالند و یک رطل گلاب اضافه نمایند و صاف ساز
ند و در خم ریزند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و اگر خواهند مرغ و
کبوتر و کبک بخته و امثال اینها اضافه نمایند و از گوشت گوسفند چربی
کم کند باب الثانی تریاق فاروق و آنرا تریاق کبیر گویند مضرت
گزیدن افعی و عقرب و رتیلا و سگ دیوانه و همه جانوران ز
هر دار دفع کند و منزل همه زهرهای کشنده است و جذا
م و فالج و رعشه و صرع و سکته ولقوه و مالیخولیا و ضیق النفس و
خناق سودای و بلغمی واستسقا و یرقان سدی و دوار و صدا
ع و قولنج بلغمی و درد گرده و مثانه را سود دارد و سنگ گرده
و مثانه را بو براند و سده جگر و سپرز بگشاید و حیض براند و بواسیر
و بادهای غلیظ که در احشا بود دفع کند و ورم صلب و جگر و سپرز

را تحلیل دهد وهیضه را باز دارد وحب القرع را دفع کند وشهوت
وشهوت کلبي وناقص وحميات بلغمي وسوداوي وجميع امراض سودا
وي وبلغمي را نافع باشد وحرارت غريزي را افزوند وروح را قوت
دهد وباه را برانگیزد اما مقدار شرب ترياق کبير از هر مرض آنست
که دو سرفه بجهة درد سينه وپهلو که سبب آن باد غليظ باشد مقدار
يک ترمس با ماء العسل دهند واز جهة گزيدن مار وعقرب وسگ
ديوانه ورتيلا مسقالي در شراب دهند وزنبور گزيده را در سرکه
حل کرده بر موضع مالند واز جهة دفع مضرت ادويه سميه مثل افيون
وشوکران وفرفيون وذراريح وامثال ان در شراب دهند ودر ترياق
سدي يک ترمس در طبيخ اسارون دهند ودر استسقا يک فندق
بس که ممزوج دهند واز جهة فالج ولقوه ورعشه در ماء الاصول د
ماء هند واز جهت جذام در ماء الجبن دهند وخداوند حب القرع در طبيخ
قيسوم دهند ودر ناقص وحميات بلغمي وسوداوي يک ترمس با آب گرم
يا شراب دهند ودر قولنج ونفخ معده ومغص ريحي وسقوط الشهوت و

ودبو وانقطاع صورت وبرص يک ترمس با ماء العسل يا شراب دهند
ودر ضيق النفس سکنجبين عسلي ودر صرع وصداع شقيقه يک ترمس در آب
گرم دهند وخداوند هيضه را دو دانگ با شراب سيب دهند و
از جهة احتباس واخراج جنين مست در طبيخ ابهل با مشکطرامشيع با سداب
دهند ودر جميع امراض اندک اندک يک طسوح ولبسيار ان يک مسقال باشد
صفت اقراص عنصل جهل هشت مسقال اقراص اندروخون زرواند
افعي فلفل سياه افيون دارچيني از هر يک بيست چهار مسقال ورق گل
سرخ تخم شلغم بري ثوم بري ابرساغا ريقون رب السوس روغن بلسان از
هر يک دوازده مسقال مرمکي زعفران زنجبيل ريوند چيني جنطيانا
فوتنج قرال سيون فطرا ساليون قسط فلفل سفيد اسيطوخودوس دار فلفل
مشکطرامشيع کندر فقاح اذخر صمغ البطم سليخه سنبل جعده از هر يک شش
مسقال لبني تخم کرفس سيسالیوس حرف کماذريوس کمافيطوس ناخواه
عصاره لحيه التيس ناردين سلاجه مرفو دارشيشعان گل مختوم زاج محرق حاما
دج حب بلسان هيوفاريقون مرغ مرئ قردمانا انيسون اقاقيا از هر يک چهار

مسقال جند بید ستر دو تو قه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق زرا
وند میج سکنج از هر یک دو مسقال عسلی که از کل حاشا باشد دو رطل
شراب ریحان هشت رطل بو زن بغداد که هر رطلی از ن نود مسقال
باشد صمغها و عصاره ها را و اقراص را در شراب خیسانند و عسل بر سر ان
بر بندند و یکشبانه روز بگذارند و بعد از ان ادویه کوفته و بیخته بروغن
چرب کند و بیکدیکر بسرشند و بعد از چهار ماه بلکه شش ماه استعمال کند
و بعضی کفته اند پیش از پنج سال استعمال نباید کرد و بعضی کفته اند بعد
از دوازده ماه استعمال باید کرد از زمان در غایت خوبی و قوت باشد تا
سی سال و چون از سی سال کذشت تا شصت روز و شصت سال قوت
ان باقیست و بعد از ان حکم ان معاجین کبار باشد از جهة جمیع امراض
مذکوره نافعست الا دفع سموم و کزیدن جانوران تریاق مختوم کسی را که
زهر داده باشند این تریاق بدهند قی آورد و اکر نداده باشند بنا ورد
صفت کل مختوم حب الغار ابرسا مساوی کوفته و بیخته بروغن کاو چرب کند
و بعسل بسرشند شربتی مقابل فندق تریاق اربعه دفع کزیدن جانوران ز

زهرناک کند و بادها بشکند و قولنج بکشاید و اخراج حیض و
تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت جنطیانا
حب الغار زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربت یکمسقال در آب کرم تریاق ثمانیه بعد از تریاق اربعه
ساخته اند و منافع او بیشتر از منافع اوست صفت زراوند طویل ریوند
چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر ساف قسط جنطیانا زرد چوبه
مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون سازند شربت یکمسقال
تریاق سرطان کزیدن کلب را نافع باشد صفت سرطان محرق ده درم
کند رجنطیانا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمسقال تریاق عسکری جهت کزیدن عقرب نظیر ندارد پوست بیخ کبر جنطیانا
زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته بوزن دو درم
از ان سفوف سازند تریاق دیکر که همین منفعت دارد صفت
تخم سداب زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین ز
رد چوبه بیخ حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیکر

که همین خاصیت دارد صفت مغز کردکان وبیر از هر یک دو درم سداب
٥ حلتیت مر از هر یک یک درم کوفته وبیخته باانجیر معجون سازند شربتی
سه درم بشراب تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفع تمام دارد
صفت جنطیانا زراوند حب الغار مر مکی قسط فودنج سداب
جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته بعسل
بسرشند شربتی مقابل یک جوز بشراب تریاق دیگر که همین فایده
دارد صفت زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم
کوفته وبیخته باشراب بیامیزند وبندشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن
رتیلا نافعست صفت شونیز ده درم دوقو زیره کرمانی از هر یک
پنج درم سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی
جنطیانا تخم جند قوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته وبیخته بعسل
بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز بشراب کهنه تریاق دیگر که همین
در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است صفت افیون ده درم
فلفل سفید سه درم زراوند مدحرج وجند بیدستر از هر یک نیم

نیم درم

نیم درم کوفته وبیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل جوزی
تریاق دیگر که گزیدن عقرب را نافع باشد صفت ریوند چینی زراوند
طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته شربتی یک درم نقد
سازند تریاق دیگر که دافع افیون وبیش است صفت حلتیت جند بیدستر ابهل
فلفل مساوی کوفته وبیخته بعسل معجون سازند شربتی مقابل فندقی در
شراب کهنه نافع باشد تریاق ورد صفت مروارید ناسفته
مرجان کهربا عقیق یشب عاج طباشیر طرا نیث کشنیز خشک بریان کرده
صندل سفید بهمن سرخ وسفید فوفل سفید زیره کرمانی مصطکی
کربا مازوی ببن گل ارمنی شادنج عدس صمغ عربی آرد کنار آرد
سنجد حب الاس غذبه دانه عناب بریان کرده پوست بیرون
پسته عجم زرنب از هر یک سه درم ورق نقره یک درم تخم خرفه بریان
کرده خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هر یک پنج درم عود خام
بذر البنج از هر یک دو درم رب به شیرین رب سیب رب مورد
مساوی کوفته وبیخته معجون سازند تریاق المعده تریاک کرده یکی

درس که بپخته عسل مصفی بکن و بپنج درم تخم حماض هشت مثقال حب الاس
ده مثقال مصطکی شش مثقال مغز هل شش مثقال مغز قاقله کبار
شش مثقال پوست بیخ و ن پسته ده مثقال فلفل سفید سه مثقال
دار فلفل شش مثقال آمله مقشر ده مثقال زنجبیل سه مثقال کرد سماق
بانند ده مثقال تخم کرفس هفت مثقال نانخواه هفت مثقال پوست
ترنج پنج مثقال قرنفل دو مثقال عود قماری پنج مثقال زعفران سه مثقال
کوفته و بپخته معجون سازند باب الثاء ثنیادریطوس اوجاع کبد و
معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و دبور صداع و جذام و
صرع و برص و علت فالج و جمیع امراض عتیقه مرضیه و انواع سوء المزاج بارد
و رطب را نافع بود و قولنج را بگشاید و استسقاء که از سردی بود و ضعف
باشد زایل کند و اسهال ان بی مشقت باشد و ادرار البول و حیض
کند و سنگ مثانه و گرده پاک کند و سده جگر و سپرز بگشاید و رنگ را
نیکو سازد صفت صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران
دارچینی وج مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی یک درم

عود بلسان فرفیون فلفل سفید و سیاه دار فلفل مرجنطیانا حب بلسان نعنا
ع اذخر مغز حمام از هر یک دو درم کمادریوس قسط انیسون از هر یک چهار درم
اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش مثقال سنبل الطیب سه درم و نیم ادویه
کوفته و بیخته بروغن بلسان چرب کند و باسه چندان عسل بسرشند شربتی
چهار مثقال و قوت این معجون تا چهار سال باقی باشد ثنیادریطوس دیگر
منفعت آن قریب بمنفعت اول است صفت صبر سقوطری سی درم غاریقون
بیست درم زعفران وج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم
کمادریوس فلفل ابیض اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلفل سیاه جنطیانا
از هر یک چهار درم ریوند چینی مغز سنبل از هر یک یک درم عسل سه وزن ادویه
شربتی چهار درم بآب گرم باب الجیم جوارش شهریاران سردی جگر و معده
قولنج و عسر البول را نافع باشد صفت قرفه قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز
بوا هل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا
سه درم و نیم تربد سفید حب النیل از هر یک هشت درم قند سفید بوزن
ادویه کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال تا هفت مثقال

ثنیادریطوس

باب گرم دهند جوارش اترج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد
بوی دهان را خوش کند صفت پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل
جوزبوا دارفلفل قرفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یک درم مشک دو دانگ
کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود بادها بشکند و خفقان و دل تنگی
زایل کند صفت عود هندی رازیانه تخم کرفس وج سنبل از هر یک سه درم
درم بسباسه نارمشک سعد قرنجشک زرنب زرنباد از هر یک مثقالی
دارچینی زنجبیل فلفل مصطکی از هر یک دو درم گاوزبان پنج درم کافور دانگی
و نیم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود نوع دیگر معده و جگر
و دل را قوت دهد و بیشتر مرافق باشد صفت عود خام قرنفل سادج زنجبیل
قاقله قرنجشک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران یک مثقال کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش عود نسخه دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتهای
طعام آورد و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت قرنفل سه درم قاقله کبار و
صغار از هر یک دو درم عود پانزده درم زعفران یک درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش عود نوع دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای

طعام

طعام آورد و هاضمه را قوت دهد صفت قرنفل دو درم سنبل یک درم عود
پنج درم نبات یک من نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند فرو گیرند
و داروها را کوفته و بیخته بر آن پاشند و بر روی سنگ ریزند جوارش
عود نوع دیگر معده را با صلاح آورد و اشتهای طعام پیدا کند صفت عود
خام پنج درم پوست ترنج دو درم مصطکی یک مثقال نبات یک من بان دستور
بریزند جوارش عنبر خفقان را و سردی معده را و بدی هضم را و جماع هم
را نافع است و از برای پیران بغایت نافع بود صفت قاقله کبار و صغار بسباسه
دارچینی از هر چهار درم زنجبیل دارفلفل از هر یک ده درم دواله و
مصطکی عنبر از هر یک دو درم قرفه قرنفل زعفران از هر یک ده درم
جوزبوا مشک یک درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال جوارش
عنبر نوع دیگر سردی معده و جگر را نافع بود و بلغم را دفع کند آب ذقن از دهن
باز دارد صفت عنبر یک مثقال قند سفید یک من قند را بقوام آورند و فرو
گیرند و عنبر را در آن حل کنند و بر زنند و بر روی سنگ ریزند جوارش

جالینوس این جوارش را خاصیت بسیار است همه اعضا را قوت دهد و بوی
دهان خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز دارد
و باه را قوت دهد و دیوانگی و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قوباه
و حصاه کلیه و مثانه را نافع بود و سیاهی موی را محفظ کند و
گفته‌اند هر که بیست روز بدین جوارش مداومت کند از جمیع امراض
مذکور ایمن شود صفت سنبل سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل
سیاه قسط بحری عود بلسان اسارون تخم هوه قصب الذریره زعفران از هر یک
دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته و بیخته با دو چندان
عسل بسرشند شربتی دو مثقال تا سه مثقال پیش از طعام و پس از طعام
توان خورد و بعضی اطبا جنطیانا تا پنج درم اضافه میکنند این جوارش تمری
قولنج و عسر البول را بگشاید صفت زبیب کرمانی مدبر بوره ارمنی نطرون اصل السوس
زنجبیل فلفل از هر یک دو درم و نیم سقمونیا مشوی پنج درم خرما دانه بیرون
کرده مغز بادام مقشر بریان کرده از هر یک ده مثقال و ورق سداب ده درم
پیم خرمای ملک در سرکه خیسانند یکشبانه روز بگذارند و از غربال بیرون کنند

عسل کف گرفته سه وزن ادویه برسر تمر کنند و بجوشانند تا بقوام آید
و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال
باب گرم جوارش مشک خفقان و باه و بواسیر را نافع بود و بادهای معده را
دفع کند صفت خیربوا قاقله زنجبیل دارفلفل از هر یک ده درم مشک
خالص یک مثقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش کافور اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند
صفت زرشک ده درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا فوفل از
هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هشت درم حب الآس شش
درم پوست سیب ده درم پوست عنب ده درم انار دانه بریان کرده هشت
درم زعفران شاه بلوط از هر یک پنج درم لب لباب حماض بسرشند شربتی
دو درم جوارش کندر اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند صفت
کندر شش درم فلفل دارفلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان
از هر یک دو درم قرنفل جوزبوا از هر یک پنج درم مشک نیم درم قند
سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم جوارش

خوردن طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و سبزی زبکذارد و کسی که بیم
استسقا بود نافع بود و ادرار البول کند صفت قسط قرنفل سنبل حب بلسان
سلیخه از هر یک درمی جوزبوا فاقله کبار قرنفل انیسون اکلیل الملک مشک تار
از هر یک چهار درم بسباسه درونج عقرب از هر یک سه درم ریوند
چینی زراوند مدحرج اشنه از هر یک پنج درم هلیله سیاه پوست هلیله
کابلی بروغن زیت بریان کرده از هر یک بیست درم بلیله ده عدد و
حب الاس بوزن همه ادویه نبات دو وزن ادویه در کلاب بکذارند
و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بان بسرشند و بعد از دو ماه
استعمال نمایند جوارش طباشیر تب و اسهال صفرایی را نافع باشد صفت
طباشیر سفید حب الاس کل سرخ از هر یک ده درم تخم حماض صمغ عربی از هر یک
هفت درم کلنار سماق عصاره لحیه التیس از هر یک شش درم زعفران
و انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بکلاب و شراب بسرشند شربتی
سه درم جوارش سماق اسهال صفرایی را باز دارد صفت سماق بیست درم
حب الاس ده درم خرنوب سی درم صمغ عربی کلنار نار دانه از هر یک پنج درم

ادن

کوفته و بیخته با مویز منقی دیگر باره بکوبند شربتی سه درم جوارش انجدان
قولنج بگشاید و بادها دفع کند و مبتلا حامضه را نافع باشد صفت فلفل دار
فلفل از هر یک پنج درم ابرسا زنجبیل از هر یک شش درم انیسون مصطکی
رازیانه نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم انجدان پانزده درم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم کند و قولنج
را بگشاید صفت جوزبوا یک درم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نارمشک
قرنفل از هر یک سه درم فلفل پنج درم زنجبیل شش درم سقمونیا بیست درم
نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یک درم تا سه درم
جوارش دیگر که اسهال صفرا کند بی مشقت صفت عود خام مصطکی از
هر یک یک درم تربد سفید چهار درم سقمونیا پنج درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی پنج درم جوارش لبباسه بواسیر و سردی معده و بدی هضم
را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت لبباسه قرنه قاقله صغار
زنجبیل دارفلفل دارچینی اسارون از هر یک درمی قاقله کبار پنج درم
فلفل دو درم قرنفل یک درم و نیم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل

بسرشند شربتی یکمثقال جوارش مغلیاثا زحیر و مغص و بواسیر را نافع باشد
صفت تخم ترتیزک بریان کرده زیره کرمانی مدبر از هر یک یکدرم مصطکی
شش درم هلیله کابلی بروغن گاو بریان کرده ده درم کوفته و بیخته بگلاب
بسرشند جوارش تخم معده را قوت دهد و شهوات ردیه زنان حامله
را دفع کند و رنگ نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم کنجد مقشر ده درم کند
زنجبیل فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر سه درم شکر طبرزد نود مثقال
کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارش که حفظ زیاد کند صفت زنجبیل
نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل تنقیه معده و دفع فضلات
کند صفت تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند سفید پانزده درم
شربتی سه درم جوارش شهریاران به نسخه دیگر قولنج بگشاید و فضلات ردیه
دفع کند و معده را قوت دهد صفت فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب
بوره ارمنی خولنجان قرنفل از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا ده درم عسل چهار درم

شربتی یکدرم و نیم تا سه درم جوارش دارچینی ضعف گرده و مثانه و معده
را نافع بود و بادهای غلیظ بشکنند و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت
دارچینی عود هندی راسن از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعناع
هشت درم خیربوا قرنفل از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه سلیخه
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش حب الاس هیضه و
اسهال معده را نافع باشد وقتی که از بلغم رطوبت باشد باز دارد
صفت حب الاس نود مثقال هلیله سیاه بلیله آمله طالیفر از
یک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی
قردمانا کرفویا انیسون زیره کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط از هر یک
شش درم جوزبوا تخم کرفس نانخواه از هر یک پنج درم ساذج هندی
حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش اسقف
قولنج و لقوه و بادبواسیر و بادها که در معده باشد سود دارد صفت
سقمونیا تربد سفید از هر یک پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی آمله قرنفل بسفایج جوزبوا از هر یک دو درم و نیم قند

سفید نود درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال جوارش
هندی اوجاع مفاصل ونقرس ووجع ظهر وقولنج را نافع باشد صفت
سقمونیا ده درم جوزبوا قاقله دارچینی زنجبیل قرنفل نارمشک ترنفل از هریک
پنجدرم تربد سفید صد درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند جوارش زنجبیل
ضعف معده وامعاء وهیضه را نافع باشد وطعام را هضم کند وبادها
بشکند واسهال باز دارد صفت زنجبیل بیست درم صمغ عربی جوزبوا از
یک ده درم قرنفل دارچینی از هریک پنجدرم جوزبوا یکدرم زعفران یکدرم
نشاسته چهل درم شکر طبرزد نود مثقال جوارش قیصر ابیت قولنج را
ونقرس را نافع باشد واخلاط غلیظ لزجه را دفع کند صفت دارفلفل زنجبیل
هلیله زرد سقمونیا تربد سفید از هریک دوازده درم تخم کرفس نانخواه
عاقرقرحا نمک طبرزد از هریک شش درم قند سفید شانزده درم
کوفته وبیخته بعسل بسرشند جوارش فواکه معده ودل وجگر واحشا را قوت
دهد وقی باز دارد وصفرا دفع کند ومنع خمار کند صفت آب انار ترش
آب لیمو آب سیب وآب به امرود وغوره آب زرشک آب سماق

آب لیمو

آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند تا بر نصفی قرار گیرد وقند بقوام زیاده آرد
وقند وزن همه در بزنند وآب هابرآن میریزند چندانکه بر دی سنگ
دبند دباب الکا حب ایارج دماغ واعضای رئیسه را از
فضول واخلاط بلغمی پاک کند وصرع وسکته وامراض عفن را نافع باشد
ایارج فیقرا تربد سفید از هریک درمی حب النیل غاریقون انیسون از
هریک پنجدرم شحم حنظل نمک هندی از هریک دانگی ونیم کوفته وبیخته
باب رازیانه بسرشند وحب کند حب صبر اوجاع مفاصل ونقرس وفالج و
لقوه را نافع باشد صفت صبر سقوطری یکمثقال تربد سفید دو درم ونیم حب
النیل غاریقون از هریک دانگی شحم حنظل درمی نمک هندی قدری مقل
کثیرا از هریک دانگی کوفته وبیخته باب کرفس حب سازند حب سورنجان
مفاصل ونقرس وعرق النساء را نافع باشد صفت صبر سقوطری ماهی
زهره از هریک درمی سورنجان تربد سفید از هریک مثقالی
کثیرا دانگی حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی دانگ ونیم کوفته
وبیخته باب کرفس حب سازند حب سورنجان بنسخه دیگر است

که همین خاصیت دارد صفت ایارهٔ فیقرا تربد سفید ماهی زهره از هر یک
درمی سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون انیسون از هر یک درمی سقمونیا
کتیرا شحم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب را زیانه حب سازند.
حب شبیار صفت صبر یک درم پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک
نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگ نیم تخم کرفس نمک هندی از هر یک
دانگ باب را زیانه حب سازند حب سورنجان درد معده را
نافع باشد قوت باصره دهد و درد سر و تاریکی چشم ببرد. صفت صبر
سقوطری سه درم پوست هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید
از هر یک درمی سقمونیا درمی کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال
در وقت خواب فرو برند حب قوقایا صداع و درد چشم و فضلات
غلیظ را از بدن فرود آرد صفت صبر سقوطری عصاره افسنتین مصطکی
از هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته باب
کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون سده را بکشاید
و استسقاء و امراض کبد را نافع باشد صفت افتیمون صبر سقوطری از

هر یک شش درم غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس
دو تو از هر یک دو درم کوفته سقمونیا یک درم کوفته و بیخته باب خالص حب
سازند شربتی دو درم حب غاریقون دیگر همین خاصیت دارد و طغ
را نرم کند چون هر شب از آن را یک درم بنوشند صفت غاریقون ده درم
عصاره غافت دیوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم کوفته
و بیخته باب عسل بسرشند و حب سازند حب اصطیقون بدن را از سودا
و بلغم و اخلاط غلیظ پاک کند صفت پوست هلیله کابلی شش درم آمله
افسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک
دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون پنج درم ایارهٔ فیقرا نه درم
قرنفل یک درم فانید چهار درم فانید را در آب بکدازند و دو درم سقمونیا
در آن حل کنند و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند.
حب ذهب صداع و درد چشم را نافع باشد صفت صبر سقوطری بیست درم
هلیله زرد ده درم کتیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق
گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم حب دیگر

که داء الثعلب را نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم را دفع کند صفت افتیمون چهار
مسقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو مسقال تربد دوازده
ده مسقال کوفته و بیخته بآب خالص حب سازند شربتی سه درم حب شبیار
که تنقیه تمام بدن را کند خصوصا دماغ را به تجربه رسیده صفت صبر سقوطری
گل سرخ هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک
چهار مسقال سقمونیا مشوی شحم حنظل کتیرا سفید مصطکی از هر یک شش
مسقال زعفران سه مسقال تربد مجوف محکوک ده مسقال کوبیده و بیخته بر
روغن بادام چرب نموده حب سازند بقدر نخودی وقدر شربت ان
دو مسقال در اخر شب فرو برده و از عقب ان یکپیاله آب بنوشند
حب هلیله جهت رطوبات معده و متوجه دماغ صفت پوست هلیله زرد
چهار مسقال گل سرخ یکمسقال نبات دو مسقال کوبیده و بیخته حب سازند
شربتی یکمسقال حب دیگر هلیله سیاه سه مسقال گل سرخ یکمسقال نبات
دو مسقال حب دیگر هلیله سیاه پوست هلیله زرد سه مسقال گل سرخ
دو مسقال تربد مجوف محکوک یکمسقال ونیم بروغن بادام چرب نموده حب سازند [illegible]

[illegible]

حب هلیله نوع دیگر هلیله سیاه پوست هلیله زرد از هر یک سه مسقال
گل سرخ دو مسقال گل بنفشه دو مسقال ریوند چینی یکمسقال حب سازند بقدر
ماش دو دانه بخورند حب افتیمون ایارج فیقرا دو مسقال شحم حنظل غاریقون
حجر ارمنی افتیمون رومی مقل ازرق از هر یک دو مسقال تربد ابیض
هفت مسقال سقمونیا مشوی یکمسقال کوفته و بیخته شربتی یکمسقال ونیم بسیار
دیگر افتیمون بسفایج از هر یک پنج مسقال شحم حنظل سه مسقال تربد سفید
غاریقون از هر یک پنج مسقال کتیرا سفید سه مسقال رب السوس هفت
مسقال ایارج فیقرا پنج مسقال قند در شربت یکمسقال حب شبیار صبر سقوطری چهارده مثقال
پوست هلیله زرد چهار مثقال گل سرخ تربد مصطکی سقمونیا مشوی از هر یک چهار مثقال حب سازند
حب مقل مقل ازرق چهار مثقال هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر از
هر یک ده مثقال در آب گندنا نادو املای دیگر سا کوبیده و بیخته با او سرشته حب سکبینج
قولنج بگشاید و بادها بشکند و بادهای غلیظ را دفع کند صفت سکبینج تخم حنظل از هر یک ده درم
سقمونیا درم با آب حب سازند شربتی یکدرم حب دیگر که بادها بشکند و قبض را زایل
خصیه سود نافع باشد صفت تخم کرفس هزار اسفند انیسون مصطکی زعفران از هر یک

درمی پوست هلیله کابلی آمله سکبینج مقل از هر یک دو درم فطراسالیون
فودنه اذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر یک سه درم کو
فته وبیخته باب سداب حب سازند هر روز یک درم تناول فرمایند
حب مازریون استسقای زقی را نافع باشد صفت ریوند
عصاره غافث تخم کرفس از هر یک سه درم غاریقون پنج درم مازریون
مدبّر نه درم کوفته وبیخته حب سازند شربتی دو درم حب دیگر
که همین خاصیت دارد صفت تخم مازریون مغز بادام از هر یک پنج درم
سکبینج یک درم ونیم کوفته وبیخته حب سازند حب ضیق ان خنازیر و
غدد وسلعه را نافع باشد صفت ایاره فیقرا سه درم غاریقون دو
درم ونیم شحم حنظل یک درم ونیم انزروت چهار درم تربد هفت
درم جاوشیر بکسقال نوشادر دو درم سقمونیا مصطکی کوفته وبیخته باب
کنند تا حب سازند شربتی هر روز یک درم حب واصلی که همین خاصیت
دارد صفت سنبل سلیخه حب بلسان اسارون عود بلسان مصطکی
دارچینی زعفران از هر یک یک درم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخو

اسطوخودوس

اسطوخودوس شحم حنظل از هر یک پنج درم تربد سفید هفت درم
نمک هندی دو درم سقمونیا چهار درم حب شطرج عرق النسا واوجا
ع مفاصل ووجع ظهر را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد ده درم
صبر سقوطری پوست دو درم فلفل دارفلفل درمی خردل سه درم شیطرج
نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هر یک دو درم فانید بحری چهار درم
باب کرم حب سازند شربتی سه درم حب غافث برقان دو درم
جگر را سود دارد صفت غافث صبر سقوطری پوست هلیله زرد مساوی
کوفته وبیخته باب کرفس حب سازند شربتی دو درم حب دیگر که
بهق وبرص وامراض سوداوی وصرع را سود دارد صفت ایاره فیقرا پنج درم
افتیمون ده درم لاجورد مغسول هفت درم سقمونیا شحم حنظل خربق سیاه
از هر یک ده درم سنبل انیسون از هر یک درمی کوفته وبیخته باب کرفس حب
سیاه
سازند شربتی دو درم ونیم حب شاهترج پوست هلیله زرد هلیله
از هر یک پنج درم صبر هفت درم سقمونیا دو درم ونیم کوفته وبیخته باب
شاهترج حب سازند شربتی دو درم حب مقل بواسیر را نافع باشد صفت

پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک پنج درم پوست بلیله کابلی
مقل از هر یک پانزده درم سکبینج پنج درم خردل ده درم مقل و سکبینج در
آب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند حب مقل نوع دیگر
شقاق را سود دارد و طبع را نرم کند و مرو را نافع موافق باشد صفت پوست هلیله کا
بلی بیست درم مقل ده درم کتیرا پنج درم انجبار سی عدد در آب بپزند
تا مهل شود بپالایند و مقل و کتیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته
بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب مقل به نسخه دیگر درد
معده و امعا و بواسیر را نافع باشد صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک
جزوی مقل برابر همه در آب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته
بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر سه شب متوالی
بخورند وجع بواسیر را تسکین دهد صفت پوست هلیله زرد پوست
هلیله سیاه آمله مقل از هر یک یک درم مقل چهار درم در آب کنند
تا حل سازند و ادویه کوفته و بیخته بدان بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر که چون سه شب متوالی بخورند وجع بواسیر تسکین

کند

کند صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک چهار درم نمک هندی
سعتر مصطکی سورنجان اشق که کندل خوانند هزار اسفند شیطرج تا نخواه
از هر یک درمی سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر
یک هفت درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج را در آب کنند تا بگذارد
باقی ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو مثقال
حب الافادیه بادها بشکند و دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج بگشاید صفت
زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دارفلفل نارمشک مصطکی از هر یک مثقالی
سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته و بیخته حبها سازند
هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع کند حب بجهت امراض اشتهای
کلی را نافع باشد صفت صبر سقوطری دوازده درم افتیمون شش درم سقمونیا
چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران
یک درم و نیم غاریقون سه درم حماما یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر بهق و برص را نافع باشد صفت ایارج فیقرا یک مثقال لاجورد
مغسول سنبل افتیمون شحم حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب

کرفس حب بیلوبند حب القرع ایارہ فیقرا نیم مثقال افیون اسطوخودوس بسفایج
نمک هندی غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد
شحم حنظل کثیرا اسقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرفس حب سازند
حب دیگر جهة صرع صبر سقوطری درمی غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ
سقمونیا دانگی مصطکی سنبل از هر یک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخودوس
بنوشند حب دیگر ایارہ فیقرا تربد سفید از هر یک درمی حب النیل
افیون از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة الثعلب از هر
یک نیم دانگ محموده دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر
جهت التنک صفت ایارہ فیقرا یکمثقال تربد سفید یک درم غاریقون لاجو
رد مغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک نیم درم اسقمونیا دانگی
دیک طوج افیون کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
حب هلیله جرب و حکه را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد هلیله
سیاه از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب حب سازند حب استرخا صرع را
مجرب است صفت ایارہ فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یک درم شحم حنظل

حب النیل سکبینج از هر دانگی و نیم اسطوخودوس بوزیدان ادیحنظل یک نیم درم کثیرا
دانگی کوفته و بیخته حب سازند حب فالج ایارہ فیقرا تربد سفید غاریقون
از هر یکی نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی محموده نیم دانگ باب رازیانه
حب سازند حب استسقا تربد سفید یک درم ریوند چینی نیم درم غاریقون
زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگی و نیم مقل الیهود شحم الجرو
از هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده داروها کوفته و بیخته
باب خالص حب سازند حب دیگر جهت استسقا صفت ایارہ فیقرا
تربد از هر یک یک درم غاریقون اسارون ریوند افسنتین درمی تخم الجرو
از هر یک نیم درم نمک هندی دانگی مقل دو دانگ رب رازیانه تخم کرفس
از هر یک نیم درم محموده دانگی و نیم باب خالص حب سازند حب صبر صفت
ایارہ فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر یک مثقالی حب النیل مثقالی شحم
حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم افیون درمی فلفل مصطکی کثیرا از
هر یک دانگی باب رازیانه حب سازند حب بهق تربد سفید یک درم
دو دانگی و نیم غاریقون ایارہ فیقرا افتیمون از هر یک چهار دانگی هلیله سیاه

شطرج عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل وانیسون
از هر یک دانگی باب حب سازند حب لقوه تربد یک درم و نیم ایاره فیقرا اه
افیقون از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شطرج عصاره افسنتین از هر یک
دو دانگ سقمونیا سه نخود مقل وانیسون از هر یک دانگی باب حب سازند
حب عنا تربد یک درم ایاره فیقرا وافتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان
نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانگ محموده مقل از هر یک دا
نگی باب حب سازند حب رعشه و تشنج تربد سفید یک درم پوست
هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم بوزیدان صبر چهار دانگ گل سرخ
دو دانگ مقل دانگی محموده نیم دانگ باب حب سازند حب رعشه و تشنج
نوع دیگر سفرجلی مسهل سه درم تربد یک درم و نیم سورنجان چهار دانگ
بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک دو دانگ حب سازند
حبی که درد نقرس در ساعت بنشاند صفت انیسون زیره کرمانی فلفل سفید
دارفلفل مغز حب القرع تخم کاجیره از هر یک دو درم سلیخه یک درم زنجبیل
فرفیون از هر یک چهار درم مصطکی ششدرم سورنجان بیست درم باب

دازیانه

دازیانه حب سازند شربتی دو درم باب زیره بخورند حب رجا تربد
یک درم و نیم غاریقون ایاره فیقرا از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق ماهی
زهره عصاره افسنتین از هر یک دو درم شحم حنظل سقمونیا از هر سه حبه
مقل وانیسون از هر یک دانگی باب دازیانه حب سازند حب اختلاج تربد
یک درم و چهار دانگ افتیمون نیم درم عصاره غافت و افسنتین از هر یک دا
نگی و نیم شحم حنظل مقل ازرق انیسون مصطکی از هر یک دانگی باب حب سازند
حب مفاصل تربد یک مثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک هندی
زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم ایاره فیقرا یک درم گل سرخ انیسون مصطکی از
هر یک یک دانگ کتیرا طوجبی باب خالص حب سازند حب ریوند تربد یک درم
ابرسا نیم درم ایاره فیقرا غاریقون از هر یک دو درم محموده دانگی مقل پنج دانگ
بنفشه نیم درم باب حب سازند حب رعشه ایاره فیقرا عاقرقرحا از هر یک پنج درم
جندبیدستر شطرج هندی بزرالبنج از هر یک چهار درم محموده دانگی و نیم غا
ریقون چهار دانگ عصاره غافت دو دانگ باب کاسنی حب سازند حب نافع
جهت نقرس حار صفت سورنجان یک درم محموده دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یک درم

باب خالص حب سازند حب دیگر که بلغم را از مفاصل وسر و تن جذب کند
صفت سعد سورنجان بوزیدان از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ
تربد چهار دانگ شحم حنظل دانگی ونیم فرفیون دانگی باب حب سازند حب
دیگر که وجع ظهر را نافع باشد صفت شحم حنظل سکبنج از هر یک دو درم صبر
چهار درم حنظل بدستی مقل ازرق از هر یک یک درم کوفته وبیخته باب حب
سازند شربتی دو درم حب بر بوما اوجاع مفاصل را در روز با صلاح آورد
صفت صبر سقوطری تربد سفید از هر یک هشت درم پوست هلیله زرد
بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم انیسون وسقمونیا از هر یک یک درم باب حب
سازند شربتی سه درم باب کرم حب لاجورد سودا را دفع کند وامراض سودا
وی را نافع باشد صفت لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هر یک
درمی غاریقون نیم درم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ایارج فیقرا شش درم
باب کرفس حب سازند شربتی درمی با ماء الجبن حب کوتوالی اعضای سر دماغ را
از اخلاط پاک کند وفالج ولقوه وداء الثعلب را نافع باشد وچون یک درم ازین حب
دیگر درم ایارج فیقرا حب کرده بخورند چشم را روشن کند ومانع نزول آب گردد

اخلاط فاسده را از بدن بیرون کند صفت صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره
افسنتین مصطکی از هر یک دانگی کثیرا نیم دانگ باب حب سازند حب العشره
لقوه ورعشه وفالج را نافع باشد صفت زنجبیل فلفل دارفلفل آمله سعد مصطکی
دارچینی سنبل سلیخه اسارون از هر یک دو درم صبر بیست درم باب کرفس حب
سازند شربتی دو درم حب الصدر سرفه کهنه وربو وضیق النفس وامراض
سینه را نافع باشد صفت غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم ایارج فیقرا
شحم حنظل اصل السوس انزروت از هر یک دو درم باب حب سازند شربتی
یک مثقال بماء العسل حب مسهل صبر نیم مثقال ریوند نیم مثقال مصطکی نیم
مثقال زعفران دو دانگ کثیرا دانگی سقمونیا دو دانگ پوست هلیله زرد دو
دانگ بادیان دو دانگ بگلاب حب سازند حب الملوک نافعست کسی را
که از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد ومسهل راقی کند صفت تربد
سفید یک درم چهار دانگ پوست هلیله زرد ومصطکی هلیله سیاه
از هر یک دانگی ونیم افتیمون نیم درم گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه محموده طباشیر
زعفران گل سرخ از هر یک دانگی کوفته وبیخته بگلاب حب سازند حب الملوک

دیگر قولنج بگشاید و بادهای غلیظ را دفع کند صفت صبر سقوطری پنج درم تربد
ده درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک
هندی دو درم مصطکی زعفران ساذج هندی قسط سلیخه ریوند چینی و
سنبل زنجبیل انیسون کرفس قرنفل فلفل خیربوا دارچینی کتیرا قاقله از هر یک نیم درم
سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته حب سازند بگلاب شربتی سه درم
حب افتیمون اعضاء رئیسه و معده را از سودا پاک کند صفت ایاره فیقرا مقل غاریقون
شحم حنظل حجر ارمنی افتیمون از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یک درم تربد شش درم
باب حب سازند شربتی دو درم حب بسفایج بلغم و سودا را از معده پاک کند و
دماغ را صفت ایاره فیقرا ده درم بسفایج ده درم شحم حنظل شش درم افتیمون اسطو
خودوس از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یک درم و نیم تربد هشت درم باب حب
سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع مواد سودائی و صفرائی را نافع باشد
صفت پوست هلیله شش درم بلیله آمله مقل گل سرخ نمک هندی از
هر یک دو درم ایاره فیقرا پنج درم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک
سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته باب کاسنی

حب سازند

حب سازند شربتی سه درم حب سعال صمغ عربی نشاسته کتیرا از یک سه
درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز خیار از هر یک دو درم مغز بادام مغز تخم خشخاش
سفید از هر یک چهار درم کوفته و بیخته شکر طبرزد و فانید از هر یک هفت
درم بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و
منقی از هر یک چهار درم اضافه نمایند حب سعال دیگر نافعست اطفال
را که بسیاری سرفه می کنند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد و نوازل
حاره را دفع کند صفت نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید افیون
مساوی کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار نخودی
حب سعال بارد مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش
سفید از هر یک درمی رب السوس دو درم باقلا سه درم بلعاب
بزرقطونا حب سازند حب سعال حار پوست بیخ رازیانه بیخ سیاوشان
تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته باب حب سازند
حب سعال مدقوق و مسلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد صفت
صمغ عربی کتیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید

از هر یک سه درم مغز بادام با قالا و مغز تخم کدو از هر یک پنج درم بلعاب
بزرقطونا حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند و آواز را صاف گرداند
و حرارت و سرفه دایم را نافع باشد صفت مغز بادام تلخ بزرک لوماب کرده
جلغوزه از هر یک دو درم کتیرا و انیسون و صمغ عربی اصل السوس و رب السوس
از هر یک نیم درم فانید و قند از هر یک چهار درم بآب رازیانه و قندی
عسل حب سازند حب السعال دیگر سرفه خشک را نافع بود صفت
نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کتیرا کوفته و بیخته
بلعاب بهدانه حب سازند حب المسک بوی دهن را خوش کند و
لثه را قوت دهد صفت فلفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک درمی گل سرخ
صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر نیم درم مشک و کافور از هر یک
دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر که همین خاصیت را
دارد صفت قاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل از هر یک
درمی مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک مثقالی
سعد دو درم بگلاب حب سازند حب النکهه که همین منفعت دارد

صفت

صفت سبک قرنفل قرنه جوزبوا سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی
بلب زردالو حب سازند هر یک مقدار نخودی و هر صباح دو سه یک حب
ازان در دهن نگاه دارند حب جیوه که فرنگ جهت آبله استعمال میکنند
و مجربست صفت زیبق بیست درم مصطکی پنج درم جند بیدستر کوکرد زرد
کندر پنج درم بسباسه سه درم ریوند پنج درم ماه قرنین نصف شنجرف کلاب
ده درم آب لیموده درم همه را حب ساخته هر شب دو حب مقدار فندق
بخورد تا بیست روز یک ماه که نافعست حب دیگر که بوی سیر و پیاز و
شراب از دهن ببرد صفت پوست ترنج مرجک هل زنجبیل کبابه بسباسه
سعد از هر یک پنج درم مشک طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال
صندل سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند حب
دیگر که همین عمل کند صفت کبابه چینی قرنفل قرنه طباشیر از هر یک دو
درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود یک درم کوفته و بیخته که صمغ عربی منقوع
باشد میسرشته حب سازند حب السل مغز خشخاش کثیرا صمغی مغز تخم کدو
مغز تخم هندوانه از هر یک سه مثقال گل نیلوفر دو مثقال افیون یک مثقال صمغ

دو مثقال طباشیر بزر البنج زعفران از هر یک نیم مثقال تخم خرفه دو مثقال بلعاب
بزرقطونا حب سازند حب کافور للمحرورین گل ارمنی دو نخود کافور یک نخود فبویر
صمغ عربی دو نخود حب کرده در وقت خواب فرو برده حب سعال نشاسته
هشت مثقال صمغ عربی ده مثقال تخم اسفناج رب السوس از هر یک سه مثقال
مثقال کتیرا سفید هفت مثقال تخم خطمی دو مثقال شکر تبقال هفت.
مثقال نبات سفید ده مثقال حب کنند حب مفرطح بجهة سرفه زیر زبان
نگاه دارند صفت پوست خشخاش با فالا تخم خشخاش مغز بادام تریاک رب السوس
گل ارمنی مغز جلغوزه مویز منقی از هر یک دو مثقال حب سازند ایضاً حب نافع
بجهة سعال وغیره صفت صمغ عربی نشاسته تریاک نمالیده رب السوس کتیرا
سفید بزر البنج مغز حب المحلب کهربا شمعی مروارید ناسفته یاقوت.
رمانی از هر یک دو مثقال حب سازند حب سعال صمغ عربی نشاسته
کتیرا سفید از هر یک سه مثقال بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار مغز
بادام از هر یک دو مثقال مغز تخم خشخاش چهار مثقال نبات سفید چهار
مثقال حب سازند.   سکبینج اشق جاوشیر مقل ازرق حرمل شحم حنظل

صبر سقوطری پوست هلیله زرد تربد سفید انزروت صمغ در آب حل
کرده ادویه را کوفته وبیخته با آب سرشته حب کنند حب قوقایا صبر سقوطری
مصطکی عصاره افسنتین از هر یک چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک دو
مثقال با آب کرفس حب کنند حب رادع شیاف مامیثا بیست مثقال حضض
مکی ده مثقال صندل سرخ بیست مثقال گل ارمنی سی مثقال فوفل دو مثقال
صمغ عربی ده مثقال گل سرخ دو مثقال پوست دوبندی ده مثقال اجزا را کوفته حب
سازند حب افعی مقوی باه صفت خولنجان ثعلب قرص افعی از هر یک
سه مثقال مایه شتر اعرابی دو مثقال زنجبیل ده مثقال خردل سرخ سه مثقال
کنش خرما سه مثقال با گلاب حب کنند حب جالینوس خولنجان بزر البصل
مغز سر کنجشک کنش خرما بالسویه با عسل حب کنند حب جدوار جدوار خطائی
سه مثقال درونباد درونج عقربی صندل سفید گل گاوزبان صمغ عربی از هر
یک یکمثقال مغز سر کنجشک خصیة الثعلب از هر یک دو مثقال عود هندی
کنش خرما سنبل الطیب جوز بوا بسباسه قافله کبار ریوند چینی لسان العصافیر
تخم بادرنجبویه خشخاش سفید بهمنین   از هر یک یکمثقال طباشیر حرب.

حب جدوار نوع دیگر
جدوار خطائی ۵ بهمن سرخ ۳
بهمن سفید ۳ بادرنجبویه ۳
خولنجان ۲ مصطکی ۲ دارچین ۴
عنبر اشهب مشک ۱ ۴ ۱
ادویه را ما ورد حل کرده
عنبر را جدا کرده
با بالجمله برابر
تخم ریحان زند

دو مثقال زعفران انجره حرمل تخم شلغم از هر یک یکمثقال لاجورد مغسول دو مثقال
مروارید کهربا شمعی مرجان از هر یک یکمثقال مشک چهار دانگ افیون ده
مثقال کوفته و بیخته با عرق بید مشک و شکر سفید حب کنند سکنج اشق و
جاوشیر مقل ازرق حرمل تخم حنظل صبر سقوطری پوست هلیله زرد تربد سفید
انزروت از هر یک سه مثقال صموغ در آب حل نموده ادویه را کوفته و بیخته
بان سرشته حب کنند حب مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت هلیله
سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی از هر یک ده درم مرجان
کهربا از هر یک یک درم مقل ازرق ده درم مقل را در آب آهنگران حل کنند و
ماده ها را صلایه کرده بان سرشند شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین
خاصیت دارد صفت هلیله کابلی بریان کرده بروغن گاو سی درم کهربا
ده مثقال مقل برابر همه باب حل کنند دادویه دیگر را کوفته و بیخته بان
سرشند و حب سازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت به بندد و
خون رفتن باز دارد صفت سماق دو درم مازو یک درم پوست انار نیم درم حب
الاس ده درم تخم زیب درهمی کوفته و بیخته بالعاب صمغ عربی حب سازند و

شربتی

شربتی دو درم باب مورد بدهند و از عقب آن پاره آب سرد باز خورند
حب دیگر که اسهال خون باز دارد صفت مازو کندر مازج افیون مساوی کو
فته و بیخته حب سازند شربتی دو دانگ حب دیگر که اسهال بلغمی باز دارد صفت
مر مکی فرفیه جند بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند برابر فلفلی و
شربتی سه حب بخورند حب الزحیر اسهال کهنه را نافع باشد کاهی که از حرا
رت و تب نباشد صفت جند بیدستر اسارون میعه سایله بذر البنج سیاه
کندر مساوی باب حب سازند شربتی دو درم حب که در ساعت شکم به بندد
صفت افیون یک درم اقاقیا دو درم گل کرم سماق حب الاس از هر یک چهار درم
کوفته باب صمغ عربی در ان منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال حب که نعوذ
آورد و در بطول انزال اثر تمام دارد صفت عود خام قرنفل کبابه فلفل از هر یک
سه درم زعفران نیم درم بالنکو دو درم دارفلفل تخم بابونه مروارید از هر یک
درهمی کوفته و بیخته باشد بقوام آورند بسرشند و حب سازند هر یکی مقدار
نخودی حب دیگر که مسکن اوجاع است صفت مصطکی حب الغار مر مکی زعفران
فلفل قرنفل جند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یکمثقال مشک دانگی

افیون یک مثقال و نیم بگلاب حب سازند شش یکی بکار دم حقنه لینه امراض حاره را
وحمیات و سرسام را نافعست و طبع را نرم کند صفت عناب سپستان بنفشه
شعیر مغز نیم کوفته سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک ده مثقال
انجیر ده عدد در سه رطل آب بجوشانند تا بر ظلی آید و بپالایند و شکر سرخ
پنج درم روغن بنفشه بادام ده درم روغن کنجد ده درم آبکامه پنج درم
اضافه نمایند و نیم گرم حقنه کنند حقنه لینه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس ده
درم سپستان سی عدد کشک جو یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک پنج درم بابونه
یک کف جمله را در آب بجوشانند تا بیک من آید صاف کنند ده درم لعاب بزر
قطونا با بیست درم روغن بنفشه بادام ده درم آبکامه دو درم بوره ارمنی نیم
یکدرم نمک اضافه نمایند و بیست درم شکر سرخ در آن حل کنند و بیک دفعه
بر بزند حقنه معتدله حلبه بزرک انجیر عناب سپستان خطمی بابونه اکلیل
الملک خشک شبت سبوس گندم از هر یک کفی به پزند چنانکه رسم است
و بپالایند و ده درم قند و دو درم بوره ارمنی و یک درم نمک هندی
و پانزده درم روغن بید انجیر اضافه کنند و نیم گرم عمل نمایند حقنه حاره

تخم حنظل

تخم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم فودنج یک کف به پزند و بپالا
یند و بیست درم شکر سرخ و ده درم روغن بابونه اضافه نمایند و استعمال
کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی را بگشاید و درد پشت و بادهای غلیظ را نافع باشد
صفت حلبه بزرک کتان قنطوریون بابونه خارخسک نیم کوفته خطمی از هر
یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر
برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته سکبینج مقل جاوشیر از هر یک سه درم
مغز تخم کافشه نیم کوفته بیست درم به پزند و بپالایند چنانچه رسم است و یکد
رم نمک هندی دو دانگ تخم حنظل ده درم آبکامه و بیست درم شکر سرخ
اضافه کنند و استعمال نمایند حقنه دیگر است خاصه فالج را امراض بلغمی را نافع باشد
صفت سنا مکی پنج درم شبت پنج درم بابونه و کافشه نیم کوفته و بیدانجیر
نیم کوفته از هر یک کفی برگ سیاوشان بادرنجبویه قنطوریون از هر یک دو درم
شکر سرخ پانزده درم آبکامه ده مثقال آب برگ چغندر روغن زیت از هر یک
ده درم نمک و بوره ارمنی از هر یک نیم درم بطریق معهود عمل نمایند حقنه
دیگر قولنج بگشاید صفت سنامکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هر یک سه

درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم بابونه سوس کندم کل خطمی از هر یک
لفمی کل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت کل سرخ منکی سرخ آب برک چغندر از
هر یک ده مثقال آبکامه کل قند افتابی از هر یک ده درم بوره ارمنی نیم درم
بپخته و صاف کرده چنانکه رسمست عمل نمایند حقنه که ریش روده و اسهال صفرا
و می را سود دارد صفت آب برک خرفه لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ
بروغن کل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم درم دم الاخوین جهار دانک کاغذ سوخته و
سفیداب کهربا مرجان کل مختوم از هر یک یک درم بیکدیکر امزوج سازند و
استعمال نمایند حقنه دیکر که قروح امعا را و اسهال دموی را نافع بود صفت کشک
جو برنج شسته پیه کرده بز از هر یک سی مثقال به پزند و بپالایند سفیداب لشا
اقاقیا از هر یک نیم درم زعفران شیاف ابیض از هر یک یک درم زرده تخم مرغ
عددی بده درم روغن حل کرده و دیکر یکی بیامیزند و استعمال نمایند حقنه
دیکر برودت معده و احشاء و جکر را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و
از برای پیران مفید بود صفت شراب کهنه دو رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده درم قاقله هیل زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک

بنمل درم

بنمل درم دارچینی فلفل از هر یک یک درم ادویه را نیم کوفته سوای مشک و زعفران
اجزا را در کیسه کنند و سر انرا به بندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه
در آن اندازند و هر ساعت بدست بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را
بردارند و مشک و زعفران را در آن حل کنند و بکار دارند باب الخاص
بقوت برودت معده و احشا و جکر را نافع بود و هاضمه را قوت دهد و
از برای پیران مفید بود صفت شراب کهنه دو رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده درم قاقله خیربوا زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک
نیم درم دارچینی فلفل از هر یک یک درم ادویه را نیم کوفته کنند سوای مشک
و زعفران در کیسه کنند و سر کیسه را نرم به بندند و شراب و عسل را بجوشا
نند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست همالند تا شراب بقوام
اید پس کیسه را بر دارند و مشک و زعفران را دران حل کنند و نکاه دارند
خضاب مجرب مازو بریت چرب کرده بر تابه بریان کنند تا شکافته شود
و سیاه شود انار پوست درم و اسخت ده درم شب یمانی دو درم ملح اند
رانی یک درم این جمله را خورد بساید و اب پوست جوز با اب اسفند با اب حنا

بآب آمله یا آب شقایق یا آب لاله مجموع با آنچه حاضر باشد گرم کنند و بدان
بسرشند و تا سه ساعت بگذارند تا چون خمیر برآید آنگاه در موی مالد و برگ
جوز یا برگ چغندر بر روی نهند که تر بماند مقدار شش ساعت بگذارد
وآنگاه باب سرد بشویند و اگر پوست روی سیاه کرده باب باقلا یا نخود بشویند
تا سفید کرده خضاب که موی را سیاه کند صفت مازو یک رطل کتیرا دی
سوخته شب یمانی از هر یک پنج درم نوشادر چهار درم نمک اندرانی ده درم
مازو را در روغن زیت بجوشانند تا تشق شود و ادویه دیگر بکوبند و باب گرم
بسرشند بگذارند تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش را بشویند
و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند و بعد از شش ساعت باب نیم گرم بشویند
خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته بر روغن گل چرب کنند و
باب گرم بسرشند و شب بمالند و صباح باب گرم بشویند خضاب دیگر گل
شقایق ده درم آمله مقشر پوست باقلا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته و
بسرکه بسرشند و بیست روز در آفتاب نهند و سرکه اضافه میکنند و بعد از
استعمال نمایند خضاب دیگر باید که یک کردکان هندی بگیرند و اندرون

ان باهن

ان با آهن لطیف باریک بیرون آرد و هم وزن آن عسل و نیم وزن شقایق النعمان
هر سه را باهم بکوبند و بطریق معجون سازند و در آن پوست کردکان کنند و
سر آن بموم بگیرند و در میان سرگین دفن کنند تا یکماه یا بیشتر آنگاه برگیرند اگر سیاه
شده است بمالد و اگر سپید و اگر نه باز بگذارد تا خوب سیاه شود و بعد از
ان مقدار یکمثقال از آن بر موی بمالند چنان سیاه شود که پر زاغ بلکه سیاه تر
و هرگز سفید نشود خضاب دیگر اگر یک رطل شقایق و نیم رطل پوست کردکان
تر در شیشه کنند و در سرگین تر دو هفته دفن کنند بشرطی که چهار درم روی
سوخته در شیب و بالای آن کنند بعد دو هفته باب آن موی را شانه کنند و
سیاه کرداند و اگر دست زنان بان رنگ کنند خضاب عجایب بود خضاب
دیگر جوز السرو درست که جوشانیده بیست درم مازوی سبز در روغن زیت جو
شانیده تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست کردکان تر از هر یک ده درم
برگ سیاوشان شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته و
بیخته باب گرم بسرشند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب
دیگر پوست کردکان شب یمانی پوست انار مس سوخته لادن مساوی کوفته و بیخته

باب گرم بپوشند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیگر
حنا چهار درم وسمه هشت درم دری سوخته شب یمانی نمک اندرانی و
مازوی بن بریان کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته
و بیخته باب گرم بسرشند و استعمال نمایند خضاب دیگر شکوفه کردکان حنظل
با روغن زیت صلایه کرده استعمال نمایند و بعد از شش ساعت باب گرم
بشویند باب اللال دوا سنه وانراد دوا الملوک نیز گویند اوجاع مفاصل و بواسیر
و ناسور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع بود و حواس را قوی کند و
باه را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال نماید موی او جز انکه سفید شده
سفید نشود صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سی مثقال و هشت مثقال
شونیز بیست و چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک بیست مد
مثقال قاقله صغار نارمشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه سنبل بلادر از هر
یک شش مثقال فانید شصت مثقال فانید را کوفته در پاتیله کنند و در آب بکذا
رند و دارو ها را کوفته و بیخته بلادر بان بسرشند و اقراص سازند هر یک دو
مثقال و یک دانگ نیم و هر بامداد از آن بخورند و در آن سال که این معجون استعمال

کنند

کند از ترشیات و لبنیات پرهیز کنند دواء المشک حلو ضعف معده و خفقان
و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع سودا را و بادهای زنان
آبستن را دفع کند و دیگر را نیکو کس داند صفت زرنباد درونج از هر یک
یک درم می وارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض از هر یک بنیم درم و
بهمن سفید و سرخ ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر
دواله از هر یک چهار دانگ زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانگ و نیم کو
فته و بیخته بعسل شهد که انکشته زده باشد بسرشند و بعد از چهار
ماه استعمال نمایند شربتی از یک درم تا دو درم کافی باشد دواء المشک بارد
کهربا پنج درم طباشیر پنج درم ورق گل سرخ پنج درم کشنیز چهار درم گاوزبان
هفت درم بسد سه درم مروارید سه درم ابریشم مقرض سه درم و
صندل سفید سه درم تخم خرفه پنج درم مشک یک درم آمله هفت درم
دارچینی دو درم زعفران یک درم عسل و قند سه وزن ادویه دواء المشک
بارد نوع دیگر نافع است خفقان را و ضعف قلب که از افراط شراب حادث
شود تقویت قلب و کبد و دماغ کند و معده را قوت دهد صفت طباشیر

هندی عصاره گل سرخ کتیرا خشک گل گاوزبان کهربا شمعی از هر یک شش
مثقال مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک سه مثقال مشک یکمثقال کو
فته و بیخته بشربت نبات چهل مثقال آب سیب سی مثقال بسرشته دواء
المسک تلخ رطوبات معده را ببرد خفقان سودائی درد معده را نافع باشد
صفت افتیمون رومی صبر سقوطری از هر یک هشتند درم مشک ناردین سا
دج هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جند بید ستر یک درم و
نیم بعسل بسرشتند شربتی یکمثقال دواء المسک کبیر صلابت کبد و طحال و
معده و استسقا و برودت معده را نافع باشد و سده بگشاید و بول براند
و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و بدن را لاغر کند صفت لک مغسول
دو دانگ تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشتند درم کما
فیطوس نوفای خشک از هر یک چهار درم جنطیانا زراوند مدحرج
از هر یک یک درم صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده درم حب بلسان
سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک شش درم کندر
چهار درم دارفلفل زراوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس

بیست هشتند درم ریوند چینی جعده اذخر از هر یک دو درم فلفل قسط از
هر یک ده درم سیسالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکمثقال دواء المسک صغیر منافع ان قریب بمنافع کبیر است صفت لک مغسول قسط
تلخ فقاع اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک یک درم ریوند چینی پانزده
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشتند شربتی یک درم بطبیخ افتیمون باب کرم دوا
الکرکم کبیر امراض جگر و سپرز که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید و بادها
دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد بول براند و استسقا که سبب ورم
سپرز و جگر باشد سود دارد صفت زعفران دوازده مثقال اسارون دهن و فو
انیسون و فطراسالیون و ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط
سلیخه فقاع اذخر و حب بلسان از هر یک یک درم رب السوس فوه جعده مصطکی
غافت از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم مر صاف چهار درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشتند شربتی یک درم تا دو درم با ماء العسل دواء الکرکم صغیر منافع ان قریب
بمنافع کبیر است صفت زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط فقاع اذخر
دارچینی از هر یک یک درم کوفته و بیخته یک شبانه روز بشراب انگور تر کنند و دو روز دیگر

بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال و بد رود که سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال و
دردی گل سرخ درم ناده مثقال عسل سه وزن ادویه دواء الکبریت امراض بلغمی
وسوداوی وبثورهای کهن ونافض وتنگی نفس وسرفه بلغمی وعسر البول را نافع
باشد وسنگ کرده ومثانه بریزاند ومضرت ادویه سمیه چون افیون و
شوکران وبنج لفاح را دفع کند واز جهت گزیدن عقرب ورتیلا نافع باشد
صفت کوکرد زرد بزرالبنج سفید قردمانا میعه سائله از هر یک هشت درم
سداب قسط تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران از هر یک دو درم سلیخه
دوازده درم فلفل سفید بیست درم کوفته وبیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال
دهرنا بادها بشکند وقولنج را نافع باشد صفت هل رسفند حلبه از هر یک سی
درم دوونج عقربی فلفل دارفلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل
از هر یک ده درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی یک درم دواء الحلتیت
تب ربع وگزیدن عقرب ورتیلا ومانند آن را نافع باشد واز جهت تب
درسکنجبین دهند وبعد از آنکه چهل روز گذشته باشد واز جهت گزیدن
جانوران زهردار در شراب صفت حلتیت سداب مر فلفل مساوی کوفته و

بیخته

بیخته بعسل بسرشند شربتی مقدار یک نخود دواء المازریون استسقا واکثر ا
مراض سوداوی وبلغمی را نافع باشد صفت مازریون را یکشبانه روز در سرکه
خیسانیده ودر سایه خشک کرده یک درم زیره کرمانی نمک هندی پوست
هلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون تربد سفید از هر یک یک درم کوفته
وبعسل سرشته شربتی یک درم دواء التربد حمیات بلغمی را نافع باشد صفت
زنجبیل مصطکی از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شکر طبرزد
چهل درم شربتی یکمثقال دواء الترنجبین ضعف باه را که سبب آن حرارت بود
نافع است صفت ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا
بقوام آید هر شب دو ملعقه بنوشند دواء الخسک در تقویت باه بی نظیر
است صفت خسک خشک را بکوبند وبه بیزند ودر آب خسک تر کنند
وسه شبانه روز در آفتاب بپرورند وهر روز تازه میکنند چندانکه آب خسک
تر شود وسه وزن خسک خشک بکار رود پس خشک کنند وسه درم از آن باده
درم شیر تازه وده درم نبات بنوشند وسرد مزاج قدری زنجبیل کوفته
اضافه نمایند دواء البطل تولید منی کند ونعوظ آورد وبغایت مقوی باه باشد

صفت آب پیاز بگیرد و عسل هر دو جزو بجوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب
دو ملعقه بنوشند دواء النقرس جهت ضعف معده که سبب آن برودت
باشد صفت هلیله سیاه روغن گاو بریان کرده ده درم خرف مغسول پنج
درم نانخواه دو درم با شراب کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع
باشد و چون بدان غرغره کنند یا بر خارج حلق طلا سازند صفت تخم کرفس انیسون
نانخواه هزار اسفند دارچینی زراوند طویل زعفران از هر یک ده درم
گل سرخ بیست درم نسط ما الخطاطیف از هر یک سی درم [illegible]
سنبل از هر یک پنجه درم مازو بی ستن ده عدد کوفته و بیخته با عسل سرشته
و استعمال نمایند دواء الحمل همین خاصیت دارد صفت هزار اسفند
تخم ترب حلتیث مر بوره ارمنی نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند دیاقوزا منع نزلات کند و سرفه خشک بغایت نافع است صفت
خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خیار تخم
بهدانه [illegible] از هر یک پنجه درم اصل السوس بیست درم بزر قطونا ده
درم [illegible] در شش رطل آب باران بخیسانند دو شبانه روز [illegible]

پس با آتش نرم بپزند تا مهرا شود و به نیمه آید بعد از آن صاف کنند و یکمن
قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورند دیاقوزا مکی قریب المنفعت نسخه
دیگر صفت خشخاش سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک
ده مثقال اصل السوس سه درم بنفشه صمغ عربی از هر یک پنج مثقال
آب انار شیرین بیست مثقال قند سفید صد درم شربت سازند
چنانکه در سمت دیگر بر ورق دیگر اکله و ناسور و لحم زاید را نافع است
صفت زرنیخ سرخ زرنیخ زرد از هر یک شش درم مرمکی ده
درم آهک آب نارسیده پانزده درم زنگار یک درم کوفته بیخته با سرکه کهنه
بسرشند و قرص سازند داروی که موی را سیاه و دراز کند صفت
مرنجاسف برگ مورد شونیز بریان کرده مساوی کوفته بروغن مورد یا روغن
زیت بسرشند استعمال نمایند داروئی که کند با برود صفت شب
یمانی در آب حل کنند و با برابدان بشوید داروئی که حب القرع دکرم
دراز بکشد و اخراج کند صفت قنبیل سرخس حب النیل از هر یک نیم درم
دقمه ترکی [illegible] درم تربد و برنگ کابلی مقل از هر یک یک درم

نمک هندی را نکی کوفته باشد و شکر بیامیزند و بپاشند دارویی که همان
خاصیت دارد صفت بزرگ کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم و
فیل یک درم حب النیل نمک هندی از هر یک نیم درم کوفته و بموبز منقی
سرشته تناول نمایند دارویی که چون بر آتش نهند از دود آن جانوران
گریزند بگریزند صفت زفت رومی کوکرد زرد شاخ گوزن بادآورد
مساوی زفت بگدازند و کوفته بیخته داروها بان بسرشند و استعمال نمایند
دارویی که حبس عرق کند صفت برگ مورد دو درم گل سرخ صندل سرخ
گلاب جوشانیده جامه تر کنند و بپوشند دارویی که نافعست از جهه
کرمی که در گوش باشد صفت شراب دو درم عسل سه درم روغن بید
سه درم سفیده بیضه مرغ دو بیضه مجموع را باهم مخلوط سازند و به پشم پاره
بدان تر کنند و نیم گرم در گوش چکانند و در آن جانب تکیه کنند یکساعت
بعد از آن بیکبار آن پشم را بیرون کشند کرم بیرون آید دارویی
که از جهت گزیدن عقرب بالخاصه نافع باشد صفت آهک برگ توت
کوفته بروغن دنبه بر محل زخم نهند یا زرده تخم مرغ آمیخته بر موضع

نوع عقرب ... جراره ... با آب بروی سنگ ... بر موضع نیش عقرب بمالند تسکین وجع میکند

زخم

زخم نهند درد ساکن گردد و اگر باقلا را کوفته بید و شراب سرشته بر موضع
زخم عقرب مالند فی الحال درد ساکن شود و اگر کشنیز دم را در روغن بجوشا
نند و بپالایند هر کس را عقرب بگزد آن روغن را بر موضع گزند کی بمالند
درد ساکن گردد و اگر آن روغن را با عسل بیامیزند و چون طفل از مادر متولد شود
از آن روغن نیم درم بکام کودک بمالند اگر در همه عمر عقرب او را بگزد
درد نکند و اگر چرک گوش خر بر موضع گزند کی عقرب مالند درد ساکن
کند و اگر سیر بپیش ببرکه تر کنند و بمالند همین عمل کند و آن کشنیز دم که کسی را
گزیده باشد بکوبند و نمک سوده بروغن چراغ گرم کنند و بر زخم کشنیز دم نهند
همین عمل کند و اگر برگ نارگیل بکوبند و بر موضع درد نهند فی الحال ساکن
گردد و اگر مغز جوز و انجیر و سیر کوفته بر زخم مار نهند نافعست
دارویی آتشک زیبق مغول هفت مثقال حنا لادن سورنجان از
هر یک دو درم تربد سفید بیخ بنفشه از هر یک سه درم روغن
گل ده مثقال روغن زیت پانزده مثقال آب لیمو پنج مثقال پیه بز
منی مثقال اگر جراحت در نه باشد توتیا و سفیداب و مرداسنگ

از هر یک ده درم زنگار نیم درم اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب
نموده بر ستوره متعارف بمالند داروئی که بیهوشی آورد صفت افیون پنج
درم خشخاش سیاه ده درم در سه رطل آب بجوشانند تا برطلی آید
و نیم رطل گندم پاک در آن بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس
گندم را خشک کنند و بکوبند و یک مثقال از آن هر که بخورد بیخود شود
داروئی که همین عمل کند صفت خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یک پنج درم
بذر البنج ده مثقال بجوشانند و صاف کنند و با قند بقوام آورند یک
مثقال از آن مسکر باشد و اگر اشنه در شراب کنند هر که بخورد
بیخود شود و اگر خواهند که مست زود هشیار شود سرکه کهنه
با گلاب بدهند یا دوغ گاو با برف سرد کرده بنوشند داروئی
که نافعست از جهت حکه و جرب و حکه سعفه و انرا صفت پوست هلیله
زرد شسته درم سنا مکی شاه تره از هر یک دو درم افسنتین یک درم
و نیم کوفته و بیخته و یکتمش کوفته بسرشند سرشتنی مقابل جوز داروئی
که شهوات زینه زنانرا دفع کند صفت مصطکی یک درم عود خام

یکدرم

یک درم زیره کرمانی یک دانگ نیم کوفته و بیخته باده درم گلقند بسرشته
بنوشند داروئی که نافعست از جهة درد دندان که سبب آن حرارت
باشد صفت افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند و قدری پنبه بدان
تر کنند و بر دندان نهند نافع است داروئی که نافعست از جهة
درد دندان که سبب آن برودت باشد و انرا تریاق الاسنان خوا
نند صفت جند بیدستر حلتیت فلفل مرزاوند مدحرج زنجبیل میعه
افیون بزر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان
تر کنند و بر دندان نهند داروئی که همین منفعت دارد صفت
فلفل عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هر یک جزوی بوره ارمنی یک جزو
و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند داروئی که درد
دندان سوراخ دار را نافع باشد صفت فلفل عاقرقرحا بازرد
فلفل و عاقرقرحا را بکوبند و به بازرد بسرشند و در سوراخ دندان
گذارند داروئی که لثه را محکم کند و گوشت رفته را برویانند صفت
گلنار زراوند مدحرج دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته

دبیخته به سکنجبین عنصلی بسرشند و استعمال نمایند دارویی که
درد دندان را ساکن کند صفت عاقرقرحا مویزج از هر یک سه درم مس
مکی درم اب کشنیز تازه بیست مثقال تیزکار ده مثقال جوشانیده حب
سازند در بن دندان نهند و اگر سداب تازه با موی سیاه بکوبند
و در بن دندان نهند همین عمل کند والله اعلم بالصواب باب الذال
ذرور ملکایا در دنبح و ابتداء رمد رمد را نافع باشد صفت
انزروت پرورده بشیر خر نشاسته صمغ عربی نبات مساوی کوفته
و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر نافعست از جهة کمنة
الملح و درد چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت انزروت مربا
پنج درم شیاف ما میثا دو درم صبر نیم درم افیون چهار دانگ زعفران
نیم درم کوفته و بیخته استعمال کنند ذرور اصفر نوع دیگر که قرحه
و مورسرج را نافع باشد صفت سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول
کرده ذرور سازند ذرور دیگر ابتدای رمد را نافع باشد صفت
اقلیمیاء نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کتیرا بیست درم

صمغ عربی

صمغ عربی چهل درم گل سفید شست درم نشاسته سی درم افیون ده
درم کوفته و بیخته باب رازیانه پرورده ذرور سازند ذرور رمانی
جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفت ماميران چینی یک درم
توتیای کرمانی پرورده شبنج سوخته پرورده توبال مس سوخته
مغسول سرمه اصفهانی پرورده از هر یک ده درم کوفته و
بیخته استعمال نمایند ذرور وردی مورسرج و شبکوری و قرحه رطبه
را نافع باشد صفت سفیداب ارزیز سه درم اقلیمیا نقره ده
درم افیون دو دانگ صمغ عربی یک درم نیم انزروت نیم درم مس
سوخته دو دانگ و دو حبه شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و
بیخته استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک کند صفت
نشاسته سه درم انزروت مربی اسفیداج رصاص از هر یک
دو درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور معمول بیاض را نافع باشد
چون در قرنیه نتو نباشد صفت سرکین خطاف عاقرقرحا انزروت
زنگار سقوطریا اقلیمیا کوفته و بیخته بعسل مصفی بسرشند و استعمال

نمایند ذروری که دمعه و جرب و ضعف بصر را نافع باشد و پیران را
موافق باشد صفت توتیای مغسول نشاسته سفیداب ارزیز پوست
هلیله زرد زرچوبه از هر یک پنج درم فلفل دو درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذروری که نافعست از جهة درد چشم کهنه و سرخی
و آب رفتن صفت توتیای مغسول نشاسته سفیداب ارزیز مساوی
کوفته و بیخته ذرور سازند ذروری که نافعست از جهت جرب و
سبل ظفره و اکله جفن صفت اقلیمیا صمغ عربی سه درم زعفران و
فلفل شنگرف از هر یک دو درم افیون یک درم صلایه کرده استعمال
نمایند ذرور ظفره شیاف مامیثا سادج هندی حاما از هر یک
یک دانگ نیم سرمه فلفل زنگار از هر یک درم کوفته و بیخته ذرور سا
زند ذرور دیگر که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد صفت
انزروت مربی چشمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین از
هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور کحل دارفلفل دو
دانگ هلیله زرد حضض مر از هر یک ده درم زبد البحر یک درم

مامیران

مامیران دو دانگ صبر یک دانگ نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرو
در سبل توتیای مغسول دو مثقال مامیران چینی دو درم زبد
البحر دو درم حضض مکی صبر سقوطری دارفلفل پوست هلیله زرد
از هر یک یک درم انزروت مربی چهار مثقال کوفته و بیخته ذ
رور سازند ذرور بیاض سانج هندی شش درم مس سوخته و
سرمه اصفهانی توبال مس از هر یک سه درم شادنج عدسی
مغسول مرصاف از هر یک یک درم صدف سوخته مامیران چینی
از هر یک درم صلایه کرده استعمال نمایند ذروری کافوری
نافعست از جهت حرارت چشم و رمد صفت صدف سوخته
مرداسنگ نا سفته از هر یک دو درم نشاسته یک درم کافور دانگی
صلایه کرده ذرور سازند ذرور اربعه گوشت برویاند خون
رفتن از جراحت باز دارد و رعاف را نافع باشد صفت انزروت مربی
مرکند و دم الاخوین مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور
دیگر که همین خاصیت دارد صفت انزروت دم الاخوین کندر گلنار

کل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یک درم کوفته و بیخته ذرور
سازند ذروری که گوشت فاسد شده را بخورد و سر جراحت را
به بند و سخت کند و در وقت به شدن و در اول سر جراحت
بگشاید و تری برچیند و گوشت برویاند صفت انزروت چهار درم
دم الاخوین دو درم کل مختوم مرداسنک کندر از هر یک
یک درم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک درمی و نیم صبر سقوطری
نداوند ملحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذروری که نافعست از جهت خروج مقعد و سوء رحم و مقعد
صفت سفیداب ارزیز گلنار شب یمانی مازو مساوی کوفته
و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند و بران افشانند ذرور
دیگر که استرخاء مقعد را نافع باشد صفت جفت بلوط مازو قشار
کندر شب سوخته گلنار شاخ گوزن محرق مرداسنک صدف
سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده ذرور سازند ذروری که
همین خاصیت دارد صفت حب بلوط گلنار جوز السرو کاغذ سوخته

از هر یک

از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد پاشند ذروری که سوختگی
آتش و روغن گرم و مانند آنرا نافع باشد صفت مرداسنک آهک
از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی را بروغن گل چرب کنند
و این دارو را کوفته و بیخته بر آنجا افشانند و در سه روز خشک
ذرور رانغبی صفحه بیاض سبل وظفر و جرب و غبار از بثرات حاجبی احینی
است صفت سرب دار فلفل بالسویه صلایه نموده از نافه بیرون
کرده استعمال کنند داروی دیگر مغز عین الدیک که پرده آن گرفته باشند
نبات سفید ده مثقال کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور زخم صفت
دم الاخوین صمغ عربی انزروت از هر یک یکمثقال شکر طبرزد کندر از
هر یک نیممثقال کوفته و بیخته استعمال کنند ذرور جهت زخم و زخم های
خونی مجرب است صفت عذره انسانرا سوزانیده اسفند را نیز
سوزانیده بالسویه کوفته و بیخته بروی زخم بپاشند و مرهم لعاب
برروی آن گذارند و برگ سنجد تلخ هرگاه کوفته و بیخته بر موضعی که
خون جریان میشود بریزند قطع جریان خون میکنند و سوخته ته

بیخ مرغ را که براق است و داخل گوشت میباشد کوفته و بیخته بروی
موضعی که خون جاری میشود بپاشند والله اعلم بالصواب باب الراء
روغن قسط فالج و لقوه و معده و جگر را سود دارد و سپاهی موی
را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد صفت قسط ده درم فلفل
فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا چهار درم جند بیدستر دو درم
و نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط فلفل عاقرقرحا
را نیم کوفته در شراب خیسانند یکشب و صباح بجوشانند تا به
نیمه آید بعد از آن روغن زیت در آن بریزند و چندان بجوشانند
که شراب برود و روغن بماند بعد از آن جند بیدستر و فرفیون
کوفته و بیخته در آنجا ریزند در زمانی که آتش فرو کرده باشد
روغن قسط به نسخه دیگر که درد جگر و معده سرد و مفاصل و ارتخا
را نافع باشد صفت قسط قصب الذریره سنبل ساذج هندی میعه
سائله بیخ سوسن قرنه اشنه از هر یک بیست درم راسن خشک و
سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مر صاف قرنفل از هر یک پنج درم

مجموع را نیم کوفته در سه من آب بریزند تا بیکمن آید و با نیم من روغن
کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن قسط بنوعی
دیگر جگر و معده را نافع باشد و چون بیاشامند و بر محلی که موی
رفته باشد بمالند موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت
قسط تلخ صد درم خرما جوز چهل درم سلیخه شش درم مجموع نیم کو
فته کنند و در شراب خیسانند و یکشبانه روز دیگر بجوشانند و
بپالایند و سه چهار یک روغن زیت با روغن کنجد بر آن ریزند
و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط به نسخه دیگر امراض بارده
را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب است صفت
قرنفل سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل ساذج قرنه و
اشنه جند بیدستر قسط از هر یک بیست درم بیخ بنفشه سه درم
مر پنج درم و نیم کوفته در آب بجوشانند تا مهرا شود و بعد
از آن صاف کرده ده من روغن کنجد اضافه نمایند و چندان
بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شونیز فالج و لقوه

وقولنج را سود دارد صفت شونیز پست درم مغز بادام تلخ سی درم
بکوبند و روغن از آن بکشند روغن افسنتین معده و جگر و جمیع اعضا
را قوت دهد صفت زیت با روغن بادام تلخ با روغن زرد الو تلخ
بهمی افسنتین تازه رومی دو من و نیم در شیشه کنند و چهل روز
در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون همه دردها که از سردی بود
زایل کند و فالج و استرخا را سود دارد صفت قسط ده درم عاقر
قرحا هفت درم مویزج سه درم جمله نیم کوفته کنند و چهار صد
درم شراب کهنه بپزند تا سه بخش برود و یک بخش بماند
و نصف از روغن چینی بان بیاویزند و بپزند تا شراب برود
و روغن بماند پس در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه
اندازند و یک جوش بدهند و بر دارند روغن سوسن که
برودت و اختناق رحم را سود دارد و کرده و مثانه سرد را گرم
گرداند صفت سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه و
قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد زعفران ده درم

زردی

زردی از سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه
کنند داروها کوفته بر روی آن کنند و در نزدیک آفتاب نهند
در سایه چهل روز بگذارند پس بیرون آورند و نگاه دارند
روغن بید انجیر مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبات پاک
کند صفت بید انجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف
میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بر دارند و آب زرد
بماند آب بریزند و آن کف ها بجوشانند که تمام روغن صاف
میشود روغن بید انجیر مرکب افلیج و لقوه و سده جگر و سپرز
را نافع باشد و قولنج بگشاید صفت نانخواه صعتر فودنه کوهی
تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک ده درم شیطرج
مقل از هر یک پنج درم سکبینج جوشیر زرنباد درونج عقربی ا
ز هر یک سه درم زنجبیل دار چینی قاقله خیری بوا کبابه دار فلفل
جوزبوا بسباسه شونیز قسط کرویا از هر یک چهار درم
مجموع نیم کوفته بخیسانند در آب یک شبانه روز و بجوشانند

تانرم شود وبپالایند وصد وپنجاه درم روغن بید انجیر ساده برروی آن کنند وبجوشانند تاآب برود وروغن بماند رشی بتی دو درم تا سه درم با ما والاصول روغن ترب روغن ترب مانند روغن زیت بود گرمتر از روغن بید انجیر باشد ودرد گوش را نافع باشد وبادی که در گوش که در گوش بود دفع کند صفت آب ترب سه جز وبگیرند وروغن کنجد یکجز وبجوشانند تاآب برود وروغن بماند روغن خک عسر البول عظیم را نافع باشد صفت خسک ده مثقال زنجبیل چهار مثقال ونیم کوفته بجوشانند تاآب برود وروغن بماند روغن کدو بوییدن ومالیدن ان سرسام ومالیخولیا را نافع بود صفت کدوی تازه بستانند وپوست از ان بخراشند وبانخم بکوبند وآب ان بگیرند چهار من ویکمن روغن کنجد بروینی بریزند پس بجوشانند تاآب برود وروغن بماند اما بهتر آنست که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام روغن

ریحان

روغن کمونی

ریحان فالج ودرد زانو را نافع باشد صفت آب ریحان دو جز وروغن کنجد یکجز وبجوشانند تاآب برود وروغن بماند روغن لاله معده سرد را گرم کند صفت برگ لاله از نبات آن جلکانه در شیشه کنند وروغن کنجد یا زیت بروینی ریزند وبگاه در آفتاب بیاویزند روغن که درد گوش از گرمی باشد زایل کند صفت روغن دانه شفتالو ده درم روغن بادام شیرین پنجد درم سرکه کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند وبجوشانند تا سرکه برود وروغن بماند در گوش چکانند روغن کندر درد گوش که از رطوبت بود زایل کند صفت کندر پنجد درم صمغ مکی مصطکی جند بیدستر حضض زهره گاو از هر یک یکدرم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل درم ادویه کوفته وبیخته با شراب وروغن بجوشانند تا روغن بماند وبپالایند ودر گوش چکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد صفت روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند وده درم مصطکی بروینی بریزند وبکی را تا نیمه آب کنند وآن شیشه را در

میان آن دیک آویزند و آتش کنند تا آب بجوشد چندانکه مص
مصطکی گداخته شود روغن مورد که موی را نگاه دارد و آنچه
ریخته باشد برویاند صفت بگیرند آب مورد سه جزو و روغن
زیت یکجزو و بایکدیگر بجوشانند تا در دیک آنکه آب برود و
روغن بماند قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد و فرو
گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت پوست هلیله
کابلی مازو برگ مورد از هر یک یکجزو و در شراب ریحان خیسانند
یکشبانه روز پس بپزند و بپالایند و یکجزو روغن کنجد بر آ
ن ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن در وقت
فرو گرفتن بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را چرب
کنند و صباح در حمام بشویند روغن دیگر که موی را سیاه دارد
و دراز کند و از افتادن نگاه دارد صفت سادج هندی حماما
حضض مکی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل
آب بپزند تا برطلی آید و یک رطل روغن کنجد بر آن ریزند

بجوشانند

و بجوشانند تا کم آب برود و روغن بماند هر روز بر آب برگ
چغندر بمیشویند و این روغن میمالند روغن دیگر که موی را
سیاه کند تا شش ماه سیاهی آن بماند صفت جوز هندی و
سر آن بردارند و مغز بیرون کنند و هلیله ده درم از آن معز باده
درم آمله و ده درم براده آهن و نیم درم بوره ارمنی درهم سایند
خورد و در میان آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام
آن جوز بگل حکمت بگیرند و در میان آتش اندازند و بیرون
آورند روغنی که از آن رانیده شود در موی مالند که مقصود
حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع
مفاصل را نافع باشد صفت برگ حنا یک چهاریک در ده
من آب بجوشانند تا یکمن آید و بپالایند و با نیم من روغن کنجد
بجوشانند تا روغن بماند روغن آمله موی می سیاه کند و
قوی کی داند صفت آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی
کوفته در آب بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و نیمچندان

روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند روغن
بیضه دو هفته بر هر موضع بمالند موی برویاند بگیرند یک
خربزه و سوراخ کنند و دانه بیرون کنند و سی عدد زرده
تخم مرغ در اندازند آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن زیت
و نمک مورد کوفته و برابر آهن صلایه کرده از هر یک ده
درم و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و
بگذارند در تنور نهند و روز دیگر بیرون آورند و گل را
از آن جدا کنند و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم
شود نگاه دارند روغنی که سهل بسیار آورد چون بر بینی مالند
صفت نوشادر و نمک نبطی سپندان تخم جرجیر فلفل سیاه
زنجبیل کاکنج مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا مهرا
شود پس صاف کنند و همچندان آب روغن بید انجیر بجو
شانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن بهی
معده را قوت دهد و حبس عرق کنند و اگر بر روی کشکاب

کنند و باز

کنند و باز خورند اسهال باز بندد صفت آب به دو جز و آب
برگ مورد یک جز و روغن گل یک جز و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن مازریون استسقا را نافع بود صفت
برگ مازریون یک چهار یک در سه من آب بجوشانند تا به
نیمه آید و سه وقیه روغن بادام در آن افکنند و بجوشانند تا
روغن بماند شربتی یک درم با نیم شیر اعرابی روغن بنفشه بادام
سر و تن و جرب را مالیدن نافع بود و صلابت مفاصل را نرم کند
و در ناخن مالیدن صحت آن نگاه دارد و دفع بیخوابی کند صفت
مغز بادام شیرین که تلخ در او نباشد سفید کنند و نیمه کنند
و خشک کرده و هر ده من بادام یک من بید مشک برو بیش ریزند
و در خریطه کرباس نود روز در میان بید مشک رها
کنند و بعد از آن بید مشک از وی جدا کنند و بنفشه تازه بر
وی بیش ریزند و هر هفته دگر باز بنفشه برو بیش ریزند
چند روز در زیر جامه خواب کنند تا بنگ بوی بنفشه

بگیرد و بعد از آن معلق بیاویزند تا نیک خشک شود و به
بنفشه از آن جدا کنند و روغن از آن بکشند چنانکه رسمست
روغن بادام معتدل بود در حرارت و برودت دماغ را نافع
بود و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز دارد و درد سر که
از گرمی بود سود دارد و چون در آب سر که بزنند صاحب
حکه جرب بمالد نافع باشد چون بنفشه بادام است بجای
بنفشه ورق گل کنند هر ده من بادام دو من ورق گل سرخ
کنند روغن گل سرخ و سفید و شقایق و یاسمین و نرگس
و سداب و شبت و هرچه تازه باشد دستور آنست
که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند روغن آجر که آنرا
دهن المبارک گویند خواص بسیار دارد و گرم تر از نفط
سفید است و لطیفتر و امراض بارده را بغایت سودمند
بود جهت گزیدن عقرب و کسی که افیون و بنج خورده
باشد نافع بود صفت آجر سرخ آب ندیده بادام بادام کنند

و در آتش

و در آتش اندازند تا سرخ شود به انبری گیرند و در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خورد کنند و
در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سر شیشه بموم
اسب بگیرند و بکلکی بنهند که سوراخ در ته آن باشد
و پر قم کنند و آتش در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه
نهند و روغنی که بچکیده نگاه دارند روغن سورنجان که
مفاصل را نافع بود صفت سورنجان قصب الذریره نیم کوفته
بخیسانند یک شبانه روز دیگر بجوشانند تا مهرا شود و بپا
لایند و آب کرفس اضافه نمایند و با یک چهار یک رو
غن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
کرات بواسیر را نافع بود صفت آب گندنا روغن کنجد
نیم من باده ده دم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن ناتوره جهت دفع سرعت انزال نطفه نافع بود چون
کف پا را بدان چرب کنند صفت ناتوره هندی از پوست

پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن دراز کنند و
سر شیشه را بموی اسپ محکم کنند و شیشه را بگل حکمت بگی
رند و در کاسهٔ بزرگ که آتش توان کرده ترتیب نمایند
و بن کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرو
ن آورند و در زیر شیشه پیاله نهند و کاسه را بر بالا
ی سه پای نهند و آتش را بر بالای شیشه کنند و
آنکه بزون کاسه و روغنی که از و بچکد نگاه دارند رو
غن عقرب سنگ مثانه را پاره پاره کند و بیرون آرد
صفت ریوند چینی سعد هندی جنطیانا پوست بیخ کبر
از هر یک یک وقیه روغن بادام تلخ یک رطل داروها
کوفته و در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یک
هفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و ده
عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه به بندند و
یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند و بپالایند و دو

قطره

قطره از آن در احلیل چکانند روغن ناردین منقول از قانون
اوجاع بارده احشا و قولنج و مغص ریحی را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش ساکن گردا
ند و چون در بینی چکانند صداع شقیقه بارده را سود
دارد و رنگ را خوب گرداند و رحم را گرم گرداند و
چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد
و این روغن اشرف روغن هاست و منافع این بسیا
رست صفت قصب الذریره سعد و رق المغار عود
بلسان لک سادج هندی برگ مورد اذخر ابهل د
راسن فو دمانامی زنجوش از هر یک بیست درم مساوی
نیم کوفته در شراب و آب خیسانند پس صاف کنند و
سنبل رومی ورق نفل و میعه نیم کوفته کنند بآب شراب
و این روغن صافی بجوشانند پس صاف کنند و روغن
بلسان شصت درم بآن ضم کنند و بجوشانند تا آب بر

بمورد و روغن بماند روغن ناردین بنسخه دیگر اورام
طلبه و معده را نافع باشد صفت روغن بان یک رطل
سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره
از هر یک یکدرم و نیم در شیشه کنند و سرش محکم سازند
و یک هفته در آفتاب بگذارند و بعد از آن صاف کنند
و ادویه دیگر باده در آن ریزند و همچنین تا سه نوبت
بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند ماء العقارب سنگ
گرده و مثانه را بریزاند صفت بگیرند عقرب را و در شیشه
محکم کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند شش
ساعت پس بیرون آورند کوفته و بحریر بیخته بکار انک
استعمال نمایند روغن جوزبوا صفت جوزبوا پنج مثقال قرنفل
جند بیدستر فرفیون از هر یک دو مثقال میعه یکمثقال و
کندر نیم مثقال روغن زیت هفت مثقال بدستور عمل نما
یند روغن جوزبوا بنسخه دیگر جوزبوا پنج مثقال قرنفل جند

بیدستر

بیدستر فرفیون از هر یک دو مثقال عنبر کندر از هر یک
نیم مثقال روغن زیت ده مثقال بطریق معمول روغن سازند
روغن مورد بنسخه دیگر از برای روئیدن موی ریش بسیار
نافع است صفت برگ مورد یکصد پنجاه مثقال سنبل الطیب
ساذج هندی حضض مکی از هر یک دو مثقال سه شبا
نه روز بخیسانند بعد بجوشانند و شیره او را گرفته پنجاه
مثقال روغن زیتون داخل نمایند و بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند عنبر لادن چینی از هر یک یکدانک و نیم
در روغن حل نمایند و در وقت احتیاج بکار برند طریق گرفتن
روغن قرنفل یک طریق آنست که بطریق روغن تخم کتیرا میگیرند
که از قرع منکوس گرفته باشند و طریق دیگر آنست که گرد
نرم کرده در ب کاسه چینی به بندند و قرنفل کوفته و نرم کرده
بر روی آن کرباس پهن نموده پس پشت سینی را بر روی آن
گذارده توی سینی را آتش زغال میکنند تا روغنی که دارد

ز کاسه بچکد و در انجا جمع شود موم روغن جهة شقاق دست
صفت گل خطمی بزرگ سفید بزرقطونا گل نیلوفر از هر یک چهار
ر مثقال موم سفید روغن بادام از هر یک پانزده مثقال
اجزا را جوشانیده صاف نموده موم سفید و روغن بادام را
اضافه نموده بآتش ملایم جوشانیده تا آب ها تمام شود موم
و روغن بماند. روغن جهة شقاق صفت روغن تخم کدو و رو
غن تخم هندوانه پیه قلوه بز پیه کوفته آب کرده پس با روغن ها
ممزوج نموده در یک پیاله گلاب گرم بریزند و بسیار بر هم زنند
پس بگذارند تا سرد شود از گلاب جدا کرده نگاه دارند
روغن خیار جهة بواسیر و عرق النساء و باد هایی که شانه
و کمر را بگیرد صفت خیار تخمی که زرد شده باشد چون
باروت کنند که فاصله هر یک بقدر جوی بوده باشد
در جای نمناک گذاشته تا جوها سبز شوند بعد از آن.
دنبه میش هذا روغن کرفته بازای هر ۱۲ مثقال دنبه. پنج

پنج عدد خیار از خیار مزبوره را کوفته و صاف نموده دا
خل روغن نموده بآتش ملایم بجوشانند تا آب رفته رو
غن بماند بعد از سرد شدن زیتون حبشی مصطکی کندر
حب سفوطی از هر یک سه مثقال کوفته و بیخته داخل
کنند خوب بر هم زنند تا ممزوج شود و از بعضی نسخه ها
مقل ازرق عنبر بعوض کندر داخل نموده و کرما مقل ازرق
بهتر باشد روغن اسود جهة اعصاب که خشک شده باشد
در موضع گرمی مثل حمام یا آفتاب بر اعصاب مالیده و
بسیار دست بر آن عضوی بمالند تا خوب نفوذ کند صفت
روغن بید انجیر هشتاد مثقال سفید موم زفت از هر یک پنج
مثقال بطریق معمول داخل هم نموده و بر روی آتش بگذارند تا
مخلوط شود روغن جهة جرب هر نوعی که بوده باشد صفت
روغن دنبه میش ده مثقال زرنیخ زرد حناء زرد چوبه
مازو از هر یک یکمثقال کوفته بیخته ممزوج نموده شب مثل

حنا بمالند و برگ توت سیاه بروی آن بگذارند و بحمام رفته
در حمام نیز بمالند و بشویند روغن جهت زخمهای تازه و خبه
که به هیچ مرهمی التیام نمی‌ساند از مجربات است صفت سفیداب
قلع بیست مثقال روغن کنجد هشتاد مثقال سفیداب را مغول
نموده داخل روغن کرده بآتش ملایم جوشانیده تا سیاه شود
بعد از آن استعمال نمایند روغنی که از مجربات و ترکیب از
جهة زخمهای تازه که خشک کرده نمیگذارد که بچرک آید
و در چند روز التیام یافته و به تجربه رسیده است صفت
روغن دنبه هشتاد مثقال اشق زردچوبه نیل از هر یک ده
مثقال و طریق ساختن این روغن آنست که روغن را بر روی آتش
گذارده تا گرم بشود بعد از آن اشق را نمکوب نموده داخل کنند
و بآتش ملایم بجوشانند تا اشق سفید شود بر روی روغن
بیاید بعد از آن روغن را از روی آتش برداشته تا سرد
شود بعد زردچوبه را نمکوب کرده داخل کنند و بآتش

ملایم

ملایم بجوشانند تا اشق و زردچوبه سیاه شود بعد از
آن دیگ را از آتش برداشته نیم سرد کرده مقل را خوب
صلایه نموده داخل نمایند و ملاحظه نمایند تا دنگ ا
ن بنی شود پس صاف نموده نگاه دارند دهن کاه قدری
ریشه درخت زرشک داخل نمایند بد نخواهد بود.
باب الزا زرعونی پشت و کرده را محکم کند و معده را قوت
دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب
از دهن رفتن باز دارد و بادها بشکند و ریگ
مثانه پاک کند صفت تخم کرفس تخم کند تا تخم شلغم شبت
نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ بیخ کرفس
از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی عود
خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی و
خلفلویه از هر یک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه
وزن ادویه کوفته و بیخته بان بسرشند و بعد از

دو ماه استعمال کند ذ دعونی دیگر منی بیفزاید و باه را
قوت دهد و پشت و گرده را محکم کند و در امر مجامعه
عظیم نافع باشد صفت تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم تخم شبت
نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه و بادرنگ بیخ کرفس مغز
الفلفل مغز حب الصنوبر مغز نارجیل تازه مغز جلغوزه از
هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفلویه عاقرقرحا کبابه
زنجبیل تخم اشبت تخم پیاز حب الرشاد انجرم تخم کندنا
خولنجان جوز بوا گل سرخ قرنه دارفلفل از هر یک سه
درم گل قرنه زعفران کندر از هر یک چهار درم هلیون
بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقایق لسان العصافیر
از هر یک پنج درم بصل الغار بریان کرده خصیة الثعلب
قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک نر خشک مرمکی خرمل
از هر یک ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص
نیم مثقال قند بوزن ادویه عسل بوزن المجموع سطرتین

معهود

معهود معجون سازند گرم مزاج دو مثقال بنوشند و از
عقب ان ده درم شیر تازه و ده درم شکر در ان حل کرده بیا
شامند و سه درم مزاج پنج درم فرد بود و بعد از آن یک کاسه
ماء العسل بیاشامد والله اعلم باب البیت سفرجلی مسهل
معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بکشاید
صفت به صفاهانی را از پوست و دانه پاک کنند نیم من
در سرکه با شراب بجوشانند تا مهرا شود و از غربال بیرون
کنند و یکمن عسل صاف بر سر ان ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و ان داروها کوفته و بیخته بان بسرشند
زنجبیل دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران از
هر یک سه درم مصطکی پنج درم تربد سفید سی درم
سقمونیا ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال باب
گرم جهت قولنج نافع باشد سفرجلی تا بستانی صاحب
مزاج گرم را موافق باشد و در فصل گرما توان داد زیرا

دادن ازین جهت محمد زکریا این را سفرجلی تابستان نام
نهاده صفت سقمونیا ده درم و نیم تربد سفید ده درم
مغز خیار بنجه درم ورق گل سرخ وطباشیر از هر یک دو
درم و نیم ترنجبین وعصاره به از هر یک پنجاه درم آب به
و ترنجبین بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته شود
و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته بان بسرشند
دان جمله ده شربت است سفرجلی مسکن شکم به بندد
معده را قوت دهد و دفع قی کند و لون را نیکو کرداند
و اشتهای طعام آورد صفت به اصفهانی ودانه پاک
کرده نیم من در سی که بجوشانند تا مهل شود و بعد از
آن بکوبند و نیم من عسل برسی ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها کوفته و بیخته
بان بسرشند زنجبیل فلفل دارفلفل از هر یک چهار
درم لحم کرفس نانخواه زعفران از هر یک دو درم شربتی

چهار مثقال

چهار مثقال سقمونیا بادهای غلیظ را دفع کند و درد
دندان و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده جگر
بگشاید و صلابة ابواب به تحلیل برد و معده را گرم گرداند
و تخمه را نافع باشد و سرد مزاج را موافق باشد صفت جند
بیدستر دارچینی افیون اسارون قوم ودقو از هر یک
یک درم فلفل دارفلفل قسط بادرد از هر یک شش درم
زعفران نیم درم بادزرد را در عسل بگدازند و داروها
کوفته و بیخته بان بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو مثقال تا ده درم با آب گرم مسکن
ثقل را دفع کند و هم درد مزاج را نافع باشد و تبهای حار
و جگر را نافع باشد و تشنگی بنشاند و سده بگشاید و
و بول براند صفت قند سفید نمک در دیگ کنند و یک
چهار یک سر که صاف بر روی آن ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر سر آن ریزند و فرو گیرند

سکنجبین بزوری بادیسه جگر بگشاید و بول براند و استسقاء و تبهاء
حاره را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت پوست بیخ کاسنی
هفت درم سه تخم از هر یک پنج درم نیم کوفته در
آب یک چهار یک سرکه خیسانیده یک شبانه روز دیگر
بجوشانند و بپالایند و یک من قند بقوام آورند و برین
آن کنند و دیگر باره بقوام آورند و فرو گیرند سکنجبین بزوری که
حار سده و معده و جگر بگشاید و بول براند و فضول از
معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفت تخم کاسنی
نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس از هر یک پنجه درم پوست بیخ
رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب و
سرکه خیسانند چنانکه ذکر کرده شد و یک من قند
اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین ریوندی یرقان و درد
جگر که از گرمی باشد سود دارد صفت تخم کاسنی نیم
کوفته بیست درم شاهتره و تخم کشوث از هر یک

ده درم

ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته در کیسه
بندند باد ویه دیگر در دو من آب بجوشانند و
زمان زمان کیسه ریوند را بدست بمالند تا شیره تمام
باز دهد و بعد از آن صاف کنند و با یک من قند و چهل
مثقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده
درم با پنج درم گلاب سکنجبین ریوندی نوع دیگر درد جگر
را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم کند صفت
ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج فستقی تخم
کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون پنج درم
مجموع را در دو من آب بپزند و سه درم و دانگی زنجبیل
کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با یک چهار یک سرکه
و یک من و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند تا بقوام آورند
سکنجبین بزوری معتدل سده سپرز و جگر بگشاید و بول
براند و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت تخم کاسنی رازیانه

تخم کرفس از هر یک سه درم تخم نیلوفر و کشوث از هر یک
پنج درم پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت
درم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه
بخیسانند یک شبانه روز دیگر بجوشانند و با یکمن قند بقوام
آورند سکنجبین رمانی تبهای محرقه را و جگر و معده گرم را سود
دارد و تشنگی بنشاند صفت آب انار شیرین و آب انار
ترش از هر یک نیمن بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک
و سرکه صاف یک چهاریک یکمن قند اضافه کنند و بجو
شانند و اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین
سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام
آورد و سده جگر بگشاید و نافع را مفید بود و طعام
را هضم کند صفت آب به صاف کرده یکمن با چهاریک سرکه
و یکمن قند بجوشانند و بقوام آورند و اگر بجای سرکه
آب لیمو کنند صواب بود سکنجبین لیمو که همین خاصیت

دارد صفت آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و آب لیمو
از هر یک سی مثقال قند سه من یکمن بجوشانند و بقوا
م آورند سکنجبین بزوری که صلابت سپرز را نافع باشد صفت
ریوند چینی غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بید کرمانج
افتیمون غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم در یک چهار
یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یک من قند بقوام
آورند سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفرا بنشاند و اسهال
صفرائی باز دارد و کسی را که آبله بد بر آمده باشد نافع باشد
صفت سرکه کهنه و گلاب از هر یک یک چهاریک برگ گل بجا
ده درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب خیسانند سه شبانه
روز پس بجوشانند و بپالایند و با یک من قند بقوام آورند
سکنجبین افتیمون مالیخولیا را و اصحاب توحش و صرع را نافع
باشد صفت افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید
از هر یک شش درم گاو زبان پرسیاوشان تخم کاسنی

ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاشا
ورق گل سرخ کمافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادر
نج فرنجمشک بادرنجویه زرنباد درونج عقربی و
بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک سه
درم گل قند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانند
یک شبانه روز و بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند
سکنجبین افتیمون نوع دیگر اسطوخودوس رازیانه شاهتره از هر یک پنج درم
افتیمون بسفایج قسطقی شناء مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم و نیم
کوفته در پنجاه درم سرکه خیسانند و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین
قوه استسقاء صلابت طحال و ورم صلب جگر را نافع بود و سده
بگشاید صفت رازیانه پوست کرفس پوست بیخ کبر تخم کاسنی انیسون
و پوست بیخ کاسنی خوشک زوفا فوه غافث افسنتین از هر یک
ده درم تخم کشوث بیخ کرفس جعده سنبل اسارون از هر یک هفت
نیم درم در صد درم سرکه خیسانند و یکمن قند بقوام آورند

سکنجبین عنصلی

سکنجبین افتیمون نوع دیگر
سکنجبین قوه
صفت

سکنجبین عنصلی
صفت
سکنجبین عنصلی نوع دیگر
صفت

سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود صفت
سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یک من بجوشانند تا بقوام
آید سکنجبین عنصلی نوع دیگر استسقا را و درد پهلو که از سرده
بود و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را
نافع باشد و سده بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت سرکه
عنصلی یکمن رازیانه انیسون حلبت عاقرقرحا فودنه دشتی
از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی فودنه از هر یک
پنج درم ادویه را نیم کوفته کنند و در سرکه عنصلی و یک
چهار یک عسل صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند و پیش
از طعام سی درم استعمال نمایند سرکه عنصلی بیخ دندان
سخت کند و بوی دهن خوش کند صفت بگیرند پیاز
عنصل و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند
چنانکه بیکدیگر نچسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند

سرکه عنصل
صفت

تا خشک شود وبعد از آن در ظرفی کنند و هر یکی پیاز
رانه من سرکه کهنه داخل نمایند و دو ماه در آفتاب
نهند وبکار دارند که مفید است سفوف طباشیر دل
گرمی را سود دارد صفت گل سرخ طباشیر از هر یک سه درم (سفوف طباشیر — صفت)
کشنیز خشک ده درم سنبل جوز بوا دین ناسفة کهربا از
هر یک نیم درم کافور دانگی دو درم باسکنجبین سرد جلبی
سفوف درونج خفقان سرد را سود دارد صفت درونج عقربی (سفوف درونج — صفت)
لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد دو درم کوفته
وبیخته شربتی یکمثقال با چهاریک با شراب کهنه با ماء العسل
سفوف قاقله معده سرد را سود دارد صفت قرنفل کبابه (سفوف قاقله — صفت)
از هر یک پنج درم سنبل ومصطکی از هر یک سه درم
عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال
باده درم گل قند سفوف [illegible] شهوت طین وشهوات ردیه (صفت)
زنان حامله را نافع باشد صفت قاقله خیربوا کبابه مساوی

مصطکی بوزن

شکر بوزن همه شربتی ده درم باب گرم سفوف کرنب (سفوف کرنب)
تخم کاسنی تخم کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق
گل سرخ طباشیر مساوی کوفته وبیخته شربتی سه درم
با یک طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند سفوف
دیگر که دفع سرعت منی کند صفت تخم کرنب مغز بادام شیرین (سفوف دیگر — صفت)
مغز بادام تلخ بودنه از هر یک سه درم نانخواه نمک سنگ
زیره از هر یک یک درم کوفته وبیخته در آب انار حل کنند
شربتی سه درم سفوف انیسون بادهای معده را از اخلاط غلیظ (سفوف انیسون)
پاک کند صفت نانخواه تخم کرفس از هر یک پنج درم کندر فقاع (صفت)
اذخر قسط مصطکی از هر یک سه درم سپندان
سفید درمی کوفته وبیخته با قند بسرشند شربتی
پنج درم سفوف جوز اسهال بلغمی باز دارد صفت جوز بریان (صفت)
کرده سه درم نانخواه یک درم کندر نیم درم کوفته

سفوف مقلیاثا باب کرم نبوشند سفوف مقلیاثا نافع بود اسهال و معض و اسهال کهنه
صفت و نوخر وضعف معده را نافع باشد صفت تخم تره تیزک بیست
درم زیره کرمانی در سرکه خیسانند و خشک کرده
بریان پنجمثقال بذر الکتان و تخم کندنا هلیله سیاه
در روغن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال
مصطکی یکمثقال مجموع کوفته سوی تخم تره تیزک شربتی
سفوف دیگر سفوف دیگر دو درم باب سرد که سلسل البول را نافع باشد صفت
بلوط پنجاه درم کندر سی درم کشنیز خشک بریان کرده
صفت کل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم کلنار کزمازج
سفوف از هر یک پنج درم شربتی سه درم باب خالص سفوفی
صفت که همین خاصیت دارد صفت کندر سعد خولنجان زیره کرمانی
شاه بلوط حب الاس مساوی کوفته و بیخته بنوشند
سفوف دیگر سفوف نمک معده و جگر را و اوجاع مفاصل و امراض که سبب

صفت ان امتلا باشد نافع بود صفت نمک طعام سی درم فلفل سفید
بیست درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم تخم جرجیر
نانخواه نوشادر فلفل سیاه بورنه از هر یک ده درم کو
سفوف هلیله صفت فته و بیخته شربتی سه درم باب کرم سفوف هلیله درد جگر
را نافع بود صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از
هر یک چهل درم تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یک پنج
سفوف دیگر صفت درم کوفته و بیخته شربتی سه درم باشد شتی سفوف دیگر درد
جگر را سود دارد و بول براند صفت تخم خربزه تخم خیارین
از هر یک پنج درم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم و
تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر یک دو
درم عصاره زرشک چهار درم ریوند یکمثقال لک مغسول
چهار دانگ زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یکدرم و
شرح فرفیون کافور دو دانگ شربتی سه درم سفوف فرفیون نخود
سفید پنجاه درم در سرکه و قدری آب خیسانند یک شبانه

مرو تر و خشک بریان خشک کرده تا زمبل خشک کرده از هر یک درمی
مغز بادام مقشر شش درم کتان جو گندم از هر یک سی درم خشخاش
سفید سی درم شکر طبرزد بیمن مجموع کوفته در یک دیگر ممزوج
سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوف یهودی
از جهت زحیر مجربست صفت تخم تره تیزک بریان کرده بزر قطونا
بریان کرده از هر یک دو درم زیره کرمانی تخم کنده تا تخم شبت خشخاش
انیسون تخم کرفس بزر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم
و دانکی کوفته و بیخته از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم
را نافع باشد صفت طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شادنج
عدسی مغسول تخم خرفه از هر یک پنج درم بسد کهربا
مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا
عصاره لحیة التیس از هر یک سه درم بزر قطونا بلست ...
افیون دو درم مجموع کوفته و بیخته سوی بزر قطونا و
سفوف سازند هر شب دو درم با آب باران با آب خرفه

و اگر حرارت قوی نباشد سه درم کنند و اضافه نما
یند سفوف حب الرمان نفع مغص و امعا و اسهال مراری
را نافع بود صفت انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق
ده درم کرمانی مد بر حب الاس سنبل کشنیز خشک بریان کرده
حب نوب نبطی آرد کنار از هر یک پنج درم عود خام نیم
درم آمله یک مثقال کوفته و بیخته با رب انار استعمال
نمایند شربتی سه درم سفوف النطی و آنرا سفوف النسا
نیز گویند اسهال اری دموی را نافع بود صفت بزر قطونا و
ریحان تخم مورد نشاسته تخم حماض بری بریان کرده صمغ عربی
گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بغیر از سه تخم اول در یکدیگر
بیامیزند شربتی سه درم بروغن گل بادام چرب کنند
و بگلاب تر کرده فرو برند سفوف ابن ماسویه بجهت ترحج و وجع
امعا و سحج نافعست صفت تخم خطمی مقشر تخم خبازی مقشر از
هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی.

کل ارمنی از هریك دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
ساناسی که طباشیر و کل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بوده
باشد نافع بود سفوفی که شکم به بندد و ضعف معده را نافع
بود صفت سماق نانخواه زنجبیل نار دانه بریان کرده زرشک
منقی اقاقیا کنار از هریك دو درم نبات سفید کوفته بیخته
دو درم شربتی یك مثقال سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معده
را نافع باشد صفت سماق ده درم حب الاس نار دانه بریان
کرده از هریك پنج درم صمغ عربی کلنار از هریك دو درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند شربتی یك مثقال سفوف سورنجان
نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع باشد صفت سورنجان
مقشر ده درم سنا مکی هشت درم پوست هلیله زرد
مغز بادام مقشر از هریك سه درم زعفران پنج درم سقمونیا
یك درم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد تربد
سفید پنج مثقال اضافه نمایند و سقمونیا پنج درم زیاده کنند

سفوف سرطان

سفوف سرطان که مسلول را نافع بغایت بود صفت سرطان نهری
محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید حب الآس
سبوس مغز تخم خربزه از هریك پنج درم کوفته و بیخته شربتی
یك مثقال با شراب انار ترش یا شراب خشخاش دهند
سفوفی که سنگ گرده و مثانه اطفال را پاك کند صفت
مغز تخم خربزه صمغ عربی حب الوقلت مساوی کوفته و بیخته شربتی
پنج درم تا یك درم سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفت
کل ارمنی کشنیز خشك از هریك یك درم طباشیر کهربا از هریك
پنج درم کافور دانگی کوفته و بیخته با دوغ کار دهند
سفوف ارسطالیس که از برای اسکندر ساخته بود و ضعف
و بنای معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع بود
و طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت
دهد صفت قرنفل ساذج عود هال اسارون مصطکی
هلیله کابلی فرنجمشك نار مشك زیره کرمانی دارچینی

اشنه فلفل دارفلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوزبوا کافور
قاقله از هر یک دو درم مشک عنبر از هر یک یکدرم شربتی
تا سه درم قند سفید سه برابر سفوف عباده معلع بیرون و
تر را نافع بود و جگر را قوت دهد صفت لک مغسول حب
الاس بلوط مصطکی مازو عود بلسان پوست انار از هر یک
چهار درم زنجبیل و کندر از هر یک یکدرم نبات همه
درم شربتی سه مثقال بکهفت استعمال نمایند و گوشت
نخورند سفوف ورق گل سرخ زرشک منقی لک از هر یک
یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته صمغ عربی
از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یک مثقال زعفران
دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند که فواق
بلغمی را دفع کند صفت تخم کرفس فطراسالیون سعد از هر یک
دو درم و نیم دوقو پوست بیرون پسته انیسون فودنه
اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم و نیم درم

شربت دو درم سفوفی که درد جگر و تهیج را بر دهد صفت گل سرخ
هشت درم زرشک پنج درم سنبل و مصطکی و عصاره غافت
افسنتین رومی ریوند چینی از هر یک دو درم قفاع اذخر لسان ثور
رب السوس از هر یک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربتی
دو درم با سکنجبین سفوفی که حرارت جگر را بنشاند و خمار دفع کند
و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی را که
ابلهی خواهد آمد سود دارد صفت ورق گل سرخ ده درم
طباشیر بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک
تخم خرفه تخم کاهو نشاسته سفید از هر یک پنج درم
صندل سفید دو درم نیم کافور یک درم شربت سه
درم با شراب حماض یا شراب غوره یا شراب انار سفوف کهربا
خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت کهربا گل ارمنی
گلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه
درم با یکدانگ افیون در یک وقیه نقیع سماق حل کرده بدهند

سفوفی که از جهت بول الدم نافع بود صفت شاذنج مغسول و
دم الاخوین بسد کهربا شب یمانی گلنار تخم خرفه گل ارمنی
گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم با ب سماق
سفوفی که بجهة اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت سورنجان هفت
درم زیره کرمانی بریان کرده فودنه از هریک دو درم
فلفل یک درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره کند و بیرون
آورد صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هریک
پنج درم خسک مربی چهار درم حجر الیهود قلت از هریک
سه درم تخم کرفس سیسالیوس فطراسالیون از هریک یک
درم صمغ عربی کثیرا از هریک یک مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم
با شیرابه خسک سفوف حجر الیهود نسخه دیگر تخم قلت پانزده درم مغز تخم کدو
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هریک چهار درم سیسالیوس
دو درم صمغ عربی نشاسته کثیرا از هریک سه درم حجر الیهود

[illegible]

شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم با ب نخود سیاه سفوفی که در ساعت شکم را بند د
صفت شاه بلوط سه درم مازو پوست انار از هریک چهار درم
کرد سماق شش درم حب الاس هفت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم با ب سرد سفوفی منوم کند عود خام از هریک ده درم
خشخاش ده درم زعفران دانکی نبات بیست درم کوفته و بیخته
شربتی یک درم سفوفی که شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند
و معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد
تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هریک دو درم کندر
سه درم کنجد مقشر ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که منی را بسرعت انزال کند صفت طباشیر
سفید خشخاش انیسون کندر از هریک یک درم جوز السرو
سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم با ب خشخاش
سفوفی که مدقوق و مسلول و قرحه سینه و نفث الدم را نافع

باشد صفت صمغ عربی نشاسته کتیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه
تخم کاهو تخم خطمی از هریک شش درم صندل سفید دو درم
شکر العشر طباشیر از هریک سه درم ورق گل سرخ تخم خیارین
خیار تخم خرفه از هریک پنج درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
وعصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هریک چهار
درم زعفران یک درم کوفته وبیخته شربتی دو مثقال با نیم
دانک کافور و دو دانک رماد السرطان بشراب خشخاش وشیره
تخم خرفه نافع باشد سفوفی که بادهای رفع کند واستسقای
طبلی را نافع باشد صفت تخم کرفس رازیانه انیسون اسارون
قسط ریوند چینی از هریک دو درم زیره کرمانی سه درم
سنبل سعد از هریک یک درم ونیم کوفته وبیخته شربتی یک مثقال
سفوفی که اسهال معدی را نافع باشد صفت انار دانه بریان
کند آرد کنار آرد سنجد از هریک ده درم کتیرا خشک بریان
کرده پنج درم خرنوب شامی خرنوب نبطی وبلوط درکه

جفت

خیسانند یکشبانه روز در سایه خشک کرده وبریان کرده از
هریک پنج درم سماق سه درم کوفته وبیخته شربتی دو درم
سفوفی که قرحه مثانه را نافع باشد صفت دم الاخوین شادنج
عدسی مغسول نشاسته تخم کرفس از هریک نیم درم صمغ عربی
یک درم مومیائی دو دانک کاکنج دو درم کوفته وبیخته شربتی
یک درم ونیم باشراب خشخاش سفوف لؤلؤی که وسنطاریای کبدی
را نافع باشد ومعده ودل وجگر را قوت دهد وحرارت
وتشنگی بنشاند صفت مروارید ناسفته چهار درم تبد
سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل ارمنی گل قبرسی تخم گل
صندل سفید بارتنگ بریان کرده تخم حماض بلوط بریان
کرده تخم مورد بست کنار آرد سنجد کتیرا خشک بریان کرده
صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک بست جو بریان کرده
طین ثبت تخم خرفه بریان کرده بذر قطونا بریان کرده از
هریک سه درم گل ارمنی گل مختوم مصطکی از هریک یک درم

دو درم مصطکی گلنار از هر یک یک درم کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت اسهال که بان
سرفه باشد صفت حب الاس شاه بلوط خشخاش خرنوب
از هر یک دو درم صمغ عربی یک درم کوفته و بیخته شربتی سه
درم سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت صمغ عربی طباشیر
گل ارمنی حب الاس از هر یک چهار درم بر سیاوشان
کندر از هر یک یک درم خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک
سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش سفوفی
که حرقت بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند
صفت مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو و تخم خرفه
خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کتیرا رب
السوس از هر یک سه درم بذر البنج سفید دو درم
قند بوا برهمه شربتی سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
سفوف دیابیطس صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط

انار دانه پنج درم کهربا عقاقیا مغسول از هر یک دو درم مجموع
کوفته و بیخته بعد از ان بریان کنند و بذر قطونا سفوف سازند
سفوف دیگر تخم حماض و زرشک بیدانه تخم ریباس کشنیز خشک بریان
کرده گل سرخ خرنوب شاه بلوط طباشیر از هر یک یک درم سماق
و حب الاس از هر یک دو درم انار دانه چهار درم مجموع کوفته و
بیخته سفوف سازد اسهال معدی و استرخای معده را نافع باشد
سفوف خرنوب خرنوب نبطی بیدانه زیره کرمانی مدبر سماق پسته کنار
حب الاس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده مساوی کوفته و
بیخته شربتی یک مثقال باب مورد نافع بود سفوفی که در
بادهای بشکند و معده را قوت دهد صفت کرویا انیسون زیره کرمانی
قاقله نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دار فلفل
از هر یک دانگی قند سپید مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف
حب الغب شکم را ببندد و معده را قوت دهد صفت دانه انگور
صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الاس و سماق از هر یک

از هر یک پنج درم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم خرفه از
هر یک سه درم صندل سفید یک درم کوفته و بیخته
شربتی سه درم با آب انار دنوشی سفوفی که اوجاع مفاصل
را سود دارد صفت سورنجان ده درم سقمونیا یک درم
چهار دانک کبابه یک درم قند سفید سی درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر
و مغص را نافع بود صفت تخم تره تیزک بریان کرده نود مثقال
بزرک بریان کرده بذر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس
بریان کرده کل ارمنی تخم مورد از هر یک ده درم تخم
صمغ عربی یک درم کوفته و بیخته سوای تخم تره تیزک و بذر
قطونا و تخم مورد سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت
حرارت جکر و یرقان و نفث الدم و سل و جکر صفت
بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم
زرشک کل سرخ کل ارمنی لک مغسول سنبل اصل السوس از هر یک

بیک درم

یک درم طباشیر پنج درم مصطکی دو دانک شربتی یک درم
با آب سرد سفوفی که نافعست از جهت یرقان و درد جکر و نفی
صفرا بکی صفت لک مغسول بکسفال طباشیر دو درم زعفران
یک درم ریوند چینی دانکی شربتی دو درم با شراب تمر هندی
با شراب آلو سفوف مجرب جهت دفع اسهال مجرب است صفت
هلیله سیاه ده عدد زنجبیل عدد جوز بوا عدد
همه را با آب لیمو آمیخته نبات شنا بنوشند سفوف بلوط معده را
قوت دهد و اسهال باز دارد صفت بلوط شاه بلوط دانه مورد
آدکنا از هر یک دو درم خرنوب نبطی و حب الاس
از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت دانه مورد تخم حماض انار
دانه صمغ عربی از هر یک سه درم حب الاس و بلوط
از هر یک چهار درم خشخاش سفید یک درم کوفته
و بیخته شربتی سه مثقال سفوفی از جهت اشتهای طعام

صفت مصطکی آمله از هر یك دو مثقال پوست ترنج و
عود خام قرنفل از هر یك نیم مثقال سفوف سازند
شربتی دو مثقال با گلاب سفوفی که نافعست از جهت سرعت انزال که
سبب آن حرارت باشد نظیر نیك دید صفت بذر قطونا ده درم
تخم خرفه سه درم کشنیز خشك یك درم و نیم شربتی یکمثقال
با ناشتا سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت فواق
امتلائی صفت تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته و
بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده
که سبب آن حرارت باشد صفت گل سرخ کهربا از هر یك پنج درم
عود دو درم زرشك ده درم آمله طباشیر از هر یك سه درم
سنبل یك درم زعفران کافور از هر یك دو دانك کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با شراب انار سفوفی که ریگ را بیرون
دارد صفت زوفا خشك ده درم زعفران سه درم
قند سفید مینی ده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم

سفوف

سفوف سازند سفوفی که سلس البول را و ریگ را و طحال را
نافع باشد صفت تخم کاسنی کزمازج از هر یك پنج درم حب
الفقد یك درم و نیم کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین
سفوفی که نافعست از جهت وجع کلیه که سبب آن برودت باشد
صفت قسط سنبل فرد ماما تخم کرفس کوفته و بیخته شربتی یك درم
سفوفی که بدن را لاغر گرداند صفت لك مغسول دو درم
نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یك چهار درم مرزنجوش بوره ارمنی از هر یك یك درم کوفته و بیخته شربتی
هر روز یکمثقال بگلقند بنوشند سفوفی که همین خاصیت
دارد صفت لك مغسول و سنبل روس از هر یك چهار دانك
مرزنجوش نیم درم زاج زراوند مدحرج جنطیانا از
هر یك دانکی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانك سفوفی که قطع
سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع باشد صفت
تخم سداب سه درم تنگشت محرم سوسن از هر یك دو درم

کلنار ورق کل سرخ بلک درم ونیم کوفته وبیخته دو درم
انان در دوغ با اب غوره حل کرده بنوشند سفوفی که نافع
ازجهت قروح کلیه و مثانه صفت کل مختوم دم الاخوین
نشاسته کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو
رب السوس لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر
خشخاش بذر البنج مساوی کوفته وبیخته شربتی دو درم
سفوفی که وجع کلیه و مثانه را تسکین کند صفت
بذر البنج دانکی افیون قیراطی مغز تخم خیارین سه درم
تخم کاهو تخم خرفه از هر یک درمی کوفته بشراب خشخاش
بنوشند سفوفی که ازجهت استرخاء زبان نافعست صفت
دارچینی حاما سنبل از هر یک سه درم سادج نانخواه
زراوند طویل کرفس شبت مصطکی سیسالیوس دوقو
افیون از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک
دو درم کوفته وبیخته شربتی یک درم باب کرم یا شراب کهنه

سفوفی که در آبستنی معین باشد صفت نشاره عاج ونبات
از هر یک مثقال زن سه شب سفوف سازد وشب
چهار دم مرد با او همبستری کند بشرط انکه بعد از طهر باشد
وبعضی گفته اند نشاره عاج را زن هفت روز متوالی
هر روز دو درم بماء العسل بیاشامند و بعد از ان جماع را
دست دهد آبستن شود سفوفی که بول براند وحرقة البول را
نافع باشد صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو وتخم خرفه و
خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج
دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم باشراب
خشخاش سفوفی که قیء الدم را نافع باشد صفت کل ارمنی صمغ
عربی کلنار دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته و
بیخته باده درم رب به بنوشند سفوفی که قیء بلغم را دفع
کند صفت کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام
هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوزبوا

لبنا سه سعد کوفی نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج
فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل آمله از
هر یک پنج درم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی
سه درم سفوفی که شهوات طین و شهوات و زنان حامله
را نافع باشد صفت انیسون تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه
از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل پنج درم
کوفته و بیخته شربتی یک مثقال سفوفی که همین خاصیت دارد
صفت مصطکی زیره کرمانی نانخواه قاقلین مساوی نبات
برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند سعوطی که صداع
گرم و خشک را نافع باشد سعوطی آب کاهو و روغن نیلوفر
از هر یک یک جزو شیر دختر دو جزو بیکدیگر ممزوج ساخته
در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را سود دارد صفت
حب سقوطری شونیز بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته و آب
چغندر حل کرده در بینی چکانند سعوطی که درد پیچ و درد چشم

اطفال

اطفال را نافع باشد صفت کندش حضض مکی کندر از هر یک
یک درم سعتر زعفران و مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
گلوله‌ها سازند و بوقت حاجت بشیر دختران یا با روغن
بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع
بلغمی را و ریحی و دوار را نافع باشد صفت صبر مر کندر
حضض جند بید ستر زعفران دار فلفل فلفل سفید از هر یک
یک درم کندش دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب مرز
نجوش بسایند و در بینی چکانند سعوطی که سکته و فالج و لقوه
را نافع باشد صفت زهره کلنک با آب سداب سائیده با
جند بید ستر و با ماء العسل در بینی چکانند سعوطی که صداع حار
را نافع باشد صفت روغن بنفشه بادام و روغن کدو و آب کاهو
آب کاسنی شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی
چکانند سعوطی که درد شقیقه را نافع باشد صفت روغن
بادام آب مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام و

وصداع حار را نافعست صفت اب مورد عرق بید مشک
صندل و کافور بیک یکی مخلوط ساخته در بینی چکانند
سعوطی که صداع بارد را و نسیان را سود دارد صفت جوزبوا
درمنه ترکی قرنفل مرزنجوش از هر یک یک مثقال بسباسه
چهار مثقال کوفته و بیخته باب مرزنجوش در بینی چکانند
سعوطی که خنازیر را نافع باشد صفت بسباسه کاوزبان از
هر یک یک درم زهره خار پشت و کافور از هر یک یک دانگ
و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم باسی که در بینی چکانند
سعوطی که همین خاصیت دارد صفت دار فلفل مامیران و
شیرج هندی از هر یک یک درم مشک طرامشیع تخم فنجنکشت
از هر یک سه درم باسی که در روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که فالج و شقیقه و امراض بارده رطبه که در سر و
چشم باشد سود دارد صفت حضض مرمکی از هر یک دو درم
عدس سعتر از هر یک پنج درم صمغ سداب زهره کلنگ

وجاوشیر

وجاوشیر جند بیدستر و شونیز از هر یک سه درم نبات
و زعفران از هر یک دو درم فرفیون از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته باب خالص ترصها سازند هر یک مثقال درمی
در وقت حاجت یکی از ان باب مرزنجوش و روغن بنفشه
بادام بسایند در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد
صفت کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو درستی که
انداخته و سوخته پوست انار ترش کنند و مرصاف صدف سوخته
شادنج مغسول کافور از هر یک دانگی باب بادروج در بینی
چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد صفت چوب آبنوس
سوخته بلغار سوخته صمغ عربی پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا کافور
مازو درستی که خیسانده کنند و مرصاف شادنج مغسول باب بادروج
در بینی چکانند سنونی که ضعف اسنان را نافع باشد صفت
سورنجان قرنفل سعد کزمازج پوست هلیله زرد و صندل
سفید گل سرخ مساوی کوفته و بیخته مشون سازند سنونی
دیگر که همین خاصیت دارد صفت پوست هلیله زرد نمک

هندي از هر يك پنج درم قرنه پانزده درم دارچيني سعد
سعد درم شب يماني وسماق از هر يك دو درم عاقرقرحا هفت
درم نوشادر دار فلفل آمله زعفران از هر يك يك درم گل كهنه
سه مثقال شقاقل قاقله گلنار از هر يك چهار درم زرنباد
شانزده درم كوفته و بيخته سنون سازند سنون كه حافظ
صحت اسنانست صفت شاخ گوزن محرق كن مازج سعد سنبل
از هر يك چهار درم نمك اندراني يك درم كوفته و
بيخته سنون سازند سنون كه دندان را از چرك پاك كند
صفت نمك اندراني جو سوخته زبد البحر سماق مشوينيا
مساوي كوفته و بيخته سنون سازند سنون كه دندان متحرك
را محكم كند صفت گلنار شب يماني آمله اقاقيا مساوي كوفته
و بيخته سنون سازند سنون كه همين خاصيت دارد صفت
شب يماني گلنار كن مازج مساوي كوفته و بيخته لبن كه لبن تشمل
در سايه خشك كنند و ديگر باره بكوبند و سنون سازند
سنون كه نافعست از جهة درد دندان كه سبب آن ورم
لثه

لثه باشد صفت تخم خرفه كشنيز خشك سماق عدس مقشر صندل
سفيد عاقرقرحا كافور مساوي كوفته و بيخته بر لثه دندان فتيتا
نند بعد از آن كه بگلاب و سركه در دهن نگاه داشته باشند
سنون كه بيخ دندان را سخت كند و خون باز دارد صفت شاخ
گوزن محرق نمك اندراني پوست هليله زرد و گل سرخ از
هر يك ده درم گلنار يك درم كوفته و بيخته بر لثه دندان ا
فتيتا نند سنون كه دندان را محكم كند و خون رفتن باز دارد و
بوي دهان خوش كند صفت هليله بليله آمله مقشر گل سرخ
گلنار اقاقيا شب يماني فوه طباشير عاقرقرحا مساوي كوفته و
بيخته سنون سازند سنون كه خون رفتن از بيخ دندان باز دارد
صفت شب يماني محرق يك درم نمك بريان كرده دو درم سماق
سه درم كوفته و بيخته سنون سازند سنون كه درد دندان را
نافع باشد و بوي دهن را خوش كند صفت حب ابهل جوز
السرو عاقرقرحا مساوي كوفته و بيخته استعمال نمايند

سنون که تا سور بن دندان را باصلاح اورد صفت بیخ سوسن و
عاقرقرحا از هر یك یکدرم شب یمانی کلنار مازو و سماق از
هر یك دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که زردی
و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن را خوش کند
صفت کف دریا مازج زنجبیل زبد البحر فلفل قاقله از هر یك دو درم
غلت هندی بریان کرده ده درم جو سوخته هفت درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون که خون رفتن از لثه باز دارد و ملیانی
بوی دهن خوش کند صفت شب یمانی پنج درم پودنه کوهی ده درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که تا نفعت از جهت درد
دندان که سبب ان رطوبت باشد صفت فلفل سنبله دو درم
و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل مرزنجوش از هر یك
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که لثه را محکم کند و
بوی دهن خوش کند صفت سعد گل سرخ از هر یك پنج درم
کلنار کزمازج فوفل از هر یك سه درم درم الاخوین کندر

قرنفل

قرنفل نمك اندرانی مصطکی پودنه محرق از هر یك دو درم عود
خام یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که بیخ دندان را
محکم کند و خون رفتن باز دارد صفت پوست انار ترش ده درم
شب یمانی هشت درم عاقرقرحا گل سرخ کزمازج سماق از هر یك
چهار درم نمك هندی پوست هلیله زرد از هر یك دو درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که خون رفتن از بیخ دندان
باز دارد صفت کات هندی فوفل کلنار گل سرخ سماق درم الا
خوین مساوی کوفته و بیخته شب بپاشند و صباح بگلاب و اب
مضمضه کنند سنون که دندان سیاه شده را سفید کند صفت
پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماماهه درم و
سادج هندی دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته
و بیخته بر دندان مالند سنون که لثه را محکم کند و نشف رطوبات
کند صفت کلنار دو درم نوشادر ده درم مرزنجوش سه درم
مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمك بعسل بسرشند و

سوخته ده درم کوفته وبیخته استعمال نمایند سنون که دندان
راجلا دهد ولثه را محکم کند وبوی دهن خوش کند صفت
کلنار ده درم نوشادر ده درم موبنج سه درم مازو یکدرم
بودنه سوخته ده درم نمک بعسل سرشته وسوخته ده درم
کوفته وبیخته استعمال نمایند سنون که دندانرا جلا دهد ولثه
را محکم کند وبوی دهن را خوش کند صفت شب یمانی سوخته ده
درم شبنج سوخته ده درم نمک اندرانی زبد البحر جو سوخته
چوب تاک سوخته از هریک ده درم عاقرقرحا چهار درم
کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که خون باز دارد ولثه
را محکم کند صفت کل کز آمله از هریک سه درم عصاره لحیة
التیس کل مختوم ابهل از هریک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته
وبیخته استعمال نمایند سنونی که دندانرا سفید کند وبوی
دهن را خوش کند صفت زبد البحر ده درم نمک بریان کرده
ده درم عود سوخته وجو سوخته سفال چینی کز مازج و

کلنار

کلنار عاقرقرحا قرنفل سادج هندی کل سرخ سعد سماق
از هریک سه درم کوفته وبیخته بر دندان مالند سنونی که چون
در محل دادری ابتشک مالیدن بر دهن وبیخ دندان افشانند
منع دهن جوش کند واکر بر دهن جوشیده استعمال نمایند
بصلاح آورد صفت زراوند مدحرج دم الاخوین کندر برک
مورد سعد کلنار بیخ سوسن مازو مساوی کوفته وبیخته استعمال
نمایند سنون که قلاع را نافع بود ودهن جوش وبیخ دندان
محکم سازد صفت سنون ما مبتنا طباشیر تخم کل سرخ لسان الحمل و
پوست هلیله زرد کلنار برک زیتون کز مازج شب یمانی
مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند سنونی که آکله وناسور
بیخ دندانرا نافع باشد وخون رفتن باز دارد صفت نشادر
بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته استعمال
نمایند سنون که همین خاصیت دارد صفت بیخ سوسن عاقرقرحا از
هریک یکدرم شب یمانی کلنار مازو وسماق از هریک دو درم

کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم سازد
صفت من نوشتها شب یمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست انار ترش
استخوان هلیله زرد شب کلنار مازو کزمازج ماوی کوفته
وبیخته بر بیخ دندان افشانند سنونی که اکله دهن ولثه را نافع باشد
صفت پوست انار ترش شیرین از هریک سی درم مازو کلنار
شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هریک ده درم سماق بانو
ده درم نمک هندی نشادر از هریک پنجدرم کوفته وبیخته
ببیز که ببیزشند وگلولها سازند ودرسایه خشک کرده و
دروقت احتیاج دیگی باره بکوبند واستعمال نمایند
که استرخاء ودرم لثه را نافع باشد ودندان را ازحرکت پاک
کند پوست انار ده درم کلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مازو
از هریک یکدرم کوفته وبیخته استعمال نمایند باب اشتهی شراب
انسنتی معده را قوت دهد واز اخلاط فاسده پاک گرداند
صفت انسنتی رومی پنجدرم دق گل سرخ بیست درم قوبل سفید

ده درم

ده درم در دو من آب بجوشانند وبپالایند ویکمن قند اضافه
کنند وبقوام آورند شراب انسنتی نوع دیگر معده ضعیف وجگر وسپرز
را سود دارد وطبع را نرم کند وبادهای روده دفع کند صفت
انسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم در دومن
آب بپزند تا به نیمه آید ویکمن قند شربت به پزند شراب
انسنتی نوع دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ سلیخه اسارون از
هریک ده درم مصطکی سنبل از هریک هفت درم در دو من
آب بجوشانند بغیر از مصطکی صاف کنند ویکمن ونیم قند بقوام
آورند بعد از ان مصطکی را صلایه کرده بان ممزوج سازند شراب
انسنتی بنوع دیگر معده ضعیف را از صفرا پاک کند وسوء المزاج
گرم را زایل گرداند صفت ورق گل سرخ هفت درم شاهتره
وافسنتین از هریک پنجدرم آلوی سیاه بیست عدد تمر هندی
بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب بجوشانند تا
بنصفی آید صاف سازند ویکمن ونیم شکر سفید درآن حل کرده

بقوام آورند شربتی دو درم با یک درم صبر سقوطری شراب سعال
سرفه کهنه را بغایت نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند
و ربو و ضیق النفس را مفید بود صفت آن نخی شش وقیه پیاز عنصل
ملک وقیه مویز منقی دو وقیه انیسون نیم وقیه در قدری
خل الخمر و آب خیسانند سه روز و بجوشانند و صاف کنند
و در رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند شراب فوکه
معده را قوت و قی باز دارد و دل را قوی گرداند صفت
آب سیب آب به آب انار شیرین و ترش آب امرود از هر یک
یکمن و آب زرشک آب سماق آب غوره آب زعرور از هر یک
نیم من و بجوشانند تا بثلثی آید و انمقدار قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار ترش نعنعی باز
دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد صفت آب انار
ترش دو من نعناع تازه دو شاخه عود خام ۱ مثقال مصطکی
از هر یک دو درم پوست بیرون پسته پنجه درم کوفته در

آب بجوشانند سوی مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و یکمن
قند بقوام آورند بعد از ان مصطکی اضافه نمایند شراب انار
منعنع قوای بنشانند و قی باز دارد و معده قوت دهد.
صفت انار ترش و شیرین با شحم بکوبند و آب آن بگیرند دو من
و یکمن قند و یک وقیه آب نعناع اضافه کنند و بقوام آورند
شراب الو صفرا و بلغم را دفع کند صفت الوی سیاه صد عدد
تمر هندی یک چهاریک تربد سفید بنفشه از هر یک
بیست درم در کیسه کنند و در پنج من آب بجوشانند تا یکمن
آید و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده و
اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا
در آن حل کنند شراب خشخاش منع نزلات کند و ریش سینه و
شش را نافع باشد و بیخوابی را زایل گرداند صفت خشخاش پر
بزرگ با پوست صد عدد و نیم کوفته با دو من و نیم آب
باران به پزند و بپالایند و یکمن و نیم قند شربت به پزند

واگر از خشخاش بی پوست بپزند بیست مثقال تخم خشخاش
بکوبند وبه پزند وبا یکی قند بقوام آورند لیکن آن اولی
بود که با پوست به پزند شراب سیب اصفهانی معده را قوت دهد
ودل را قوت بخشد مفرح بود قی را ساکن کرداند و
اسهال صفراوی را باز دارد صفت سیب اصفهانی اندرون
بیرون کرده بکوبند وآب آن بگیرند وبجوشانند تا
به نیمه آید ویکی قند اضافه کنند وبجوشانند تا بقوام
آید شراب سفرجل دل را قوت دهد ومعده را قوی کرداند
واشتهای طعام آورد وطبع به بندد وقی وغثیان
باز دارد صفت به ترش وشیرین اندرون آن پاک کنند
وآب بگیرند وهر پنجی آب یکی قند اضافه کنند وبقوام
آورند شراب ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد وقی باز
دارد وتشنگی بنشاند ومعده قوت دهد صفت ریباس
راس وبال بکارد چوبین بیندازند ودر هاون سنگین یا

چوبین

با چوبین بکوبند وآب آن بگیرند وصاف کرده بجوشانند
تا ثلثی آید وزمانی بگذارند دیگر بار آتش ببالا نهند و
هر یکی آب یکی قند اضافه کنند وبقوام آورند شراب حماض
صفرا بشکند وقی باز دارد ومعده ودل را قوت دهد
وخفقان گرم را نافع باشد صفت آب حماض پنجاه مثقال و
قند سفید یکی شربت به پزند چنانکه رسمست شراب لیمو
معده را قوت دهد واشتهای طعام آورد وصفرا بشکند
وقی باز دارد وهاضمه را قوی کرداند ودفع خمار
کند صفت مانند حماض است شراب نارنج تشنگی بنشاند ودماغ
را قوت دهد ودرد سر که از گرمی باشد ساکن کرداند صفت
آب نارنج یکی بجوشانند تا منصفی آید وکف آن بگیرند و
با دو من قند شربت بپزند شراب غوره تشنگی بنشاند وتب گرم
را سود دارد وخمار را دفع کند صفت آب غوره بگیرند وبجوشانند
تا منصفی آید کف آن بگیرند وزمانی بگذارند دیگر بار بر سر

ببالایند و بر یکمن آب یکمن قند سفید اضافه نمایند و تمت
به پزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهن خوش
کند و هاضمه را قوی کرداند صفت عود هندی آمله مقشر
از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوز بوا از هر یک ده
درم مجموع نیم کوفته در کیسه کتان ریزند و در سه چهار یک
کلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد
دیکر یکمن قند بقوام آورند و آن کلاب بر سر آن ریزند و دیکر باره بجو
شانند تا بقوام آید فرو آکیرند و نیم درم مشک خالص سوده
در آن حل کنند شراب حب الاس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت
حب الاس و امرود خشک از هر یک پنجاه درم قرط و طراثیث
از هر یک ده درم آب بر آب سیب آب انار از هر یک یکمن
دانه‌ها کوفته در آن آبها جوشانند تا بثلثی آید و بپالایند و
دیکر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الاس به نسخه دیکر اسهال با
ز دارد و نافع باشد صفت حب الاس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا

شود و بپالایند و بجوشند و از آن کف بکیرند و قند سفید اضافه کنند بهتر باشد
شراب دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و سده بکشاید و سوء
القنیه را و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت
تخم کاسنی نیم کوفته و ورق گل سرخ از هر یک بیست درم تخم کشوث
چهل درم نیلوفر و گاوزبان از هر یک ده درم افتیمون در کتان بسته
سه درم بجوشانند تا مهرا شود صاف کنند و یکمن قند بقوام آورند
و خرطکی بید ده مثقال ریوند چینی در آن حل کنند شراب زوفا
سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط پاک کند و در
بو ضیق النفس را سود دارد صفت عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه
انجیر سفید سی دانه بنفشه چهار درم پر سیاوشان هفت درم
تخم خطمی تخم خبازی از هر یک پنج درم اصل السوس زوفا از هر یک
هفت درم بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم
فراسیون داخل میکنند شراب تمر هندی طبع را نرم کند و صفرا بشکند و معده

یاقوت دهد و رقت بلغم دارد صفتش تمر هندی یک نیم من بجوشانند و شیره اش
بگیرند و بپالایند و یک من قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب صندل دل را قوت
دهد و خفقان گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت صندل سفید
سائیده بیست مثقال در گلاب خیسانند یک شبانه روز بعد و روز دیگر
یک اندکی جوش بدهند و شیره آن بگیرند و با یک من قند شربت بسازند
شراب تمر هندی تب گرم را نافع باشد و منی بیفزاید و [illegible] را قوت دهد و صفرا
دم و تشنگی را زایل کند صفت تمر هندی خوب دو من در پنج من آب بجوشا
نند تا یک من و نیم بماند و باز یک من قند سفید در نیم من آب بجوشانند تا به
یک من و نیم این و آن هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و یک من و نیم عسل
صاف [illegible] دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از
هر یک درمی زعفران نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه سرفه و ذات الجنب و ذات الریه و تب و سر
و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع باشد و بول براند و سینه را نرم کند
صفت برگ بنفشه تازه یک چهاریک بجوشانند و بپالایند و با یک من قند

بپزند و اگر بنفشه تازه نباشد یک وقیه بنفشه خشک بسیار
بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار و تبهای صفرا و سرفه و ذات
الریه را نافع باشد صفت گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه بود آن
یک چهاریک بجوشانند و با یک من قند شربت بپزند شراب عناب
[illegible] و آبله حصبه و درد سینه و سرفه و غلبه خون را
نافع بود صفت عناب جرجانی یک چهاریک در دو من آب
بپزند و بدست بمالند و بپالایند بی مبالغه و با یک من قند
شربت بپزند شراب گاوزبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج
را بغایت نافع بود و خفقان را زایل کند صفت آب گاوزبان تازه
یک من با یک من قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند
و بیست مثقال گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان
تازه نباشد یک چهاریک خشک بکنند شراب بادرنجبویه دل را قوت
دهد و خفقان سرد را نافع باشد و توحش سوداوی را
زایل کند صفت بادرنجبویه تازه ستانند و آب بگیرند نیم

من و بایکمن قند شربت به پزند واگر نباشد پنجاه مثقال خشک
کنند شراب هلیله وجاع مفاصل وتبهای کرم را نافع بود وطبع را نرم
کند صفت هلیله زرد صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی
کنند وآب بر سر ان ریزند ونگاه دارند وسه روز رها
کنند بعد از ان اب از وجدا کرده نگاه دارند ودیگر
آب بر سر ان هلیله ریزند وسه روز دیگر در آفتاب
نهند وآب اول و دوم باهم بیامیزند وصد وپنجاه مثقال
ترنجبین دران حل کنند وصاف سازند وبر سر آتش نهند
وبقوام آورند وفرو گیرند ویک مثقال سقمونیا سوده در
آن حل کنند شرابی که فواق بنشاند چنانچه از پس طعام
آید صفت زیره کرمانی انیسون فودنه کنند را از هر یک ده درم
در دو من آب بجوشانند تا بنصفی آید بپالایند وجرعه جرعه
بنوشند شراب که ریگ از گرده ومثانه پاک کند صفت
قطلبون سی مثقال در دو من آب بجوشانند وبپالایند و

بایکمن قند

و بایکمن قند شربت پزند شراب نیروی معده وجگر را نافع بود وبادها
دفع کند ومفاصل را سود دارد صفت پوست بیخ کاسنی سی درم
تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه
تخم کرفس پوست کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته
پنجاه درم بجوشانند وبپالایند ویکمن ونیم قند شربت پزند
شراب دوردی گل که مسهل صفرا بود وتبهای مرکبه را نافع باشد صفت
ورق گل سرخ تازه سه من در نه من آب بجوشانند تا بهفت من
آید بپالایند وسه من دیگر برگ گل در آن بجوشانند ودیگر
بپالایند چند نوبت همچنین کنند تا یکمن آید صاف کنند و بایکمن
قند شربت پزند شربتی سی درم باده درم سکنجبین با آب یخ
یا برف شراب توت درد گلو وخناق را نافع باشد صفت آب
توت سیاه بگیرند وصاف کنند وبجوشانند تا به نیمه
آید و به پنج رطل از ان سه رطل قند صاف اضافه کنند

تا بقوام آورند شراب انار جگر را قوت دهد و تشنگی
بنشاند آب انار ترش بگیرند و بجوشانند تا به نیمه
آید و بهر یکمن از آن یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند.
شراب عنبر در معده و اعصاب را سود دارد و خفقان را
باز دارد زایل کند صفت عسل و روغن دو من در دو من آب
بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبر و زعفران
از هر یک یکمثقال اضافه کنند شربتی پنجدرم شراب مشک
معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع بود و پیرانرا
موافق باشد صفت عسل یکمن قند سفید یکمن در دو من آب
بجوشانند و بقوام آورند و یکمثقال مشک و یکدرم زعفران
سوده اضافه کنند شربتی سه درم شراب که نافعست
از جهة اسهال دموی و ضعف معده صفت رب به تبریزی
بیست مثقال گلنار حب به آمله صندل سفید حب الاس

از هر یک

از هر یک یکمثقال گلاب و قند سفید از هر یک بیست
مثقال بطریق معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل
و احشا را قوت دهد و سده بگشاید و استسقاء و جمیع امراض
بارده را نافع باشد و باه را زیاده کند و نشاط آورد صفت
ابریشم پنجاه درم در آب هنگران خیسانند سه شبانه روز
در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولنجان
درونج و مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده
اضافه نمایند و با یکمن قند شربت بپزند شربتی چهار درم
شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع بارد و جمیع امراض دماغی
را که سبب آن برودت باشد سود دارد صفت اسطوخودوس
برسیاوشان عودالصلیب از هر یک پنجدرم اصل السوس
گاوزبان رازیانه پوست بیخ کبرفس خطمی گل سرخ از هر یک
نه درم مویز منقی سپستان از هر یک پانزده دانه
جوشانیده و صاف کرده با یکمن قند شربت بپزند شراب صندل

پوست بیخ رازیانه بیست مثقال تخم کرفس رازیانه انیسون
نانخواه ماهی زهره سورنجان از هر یک ده درم بیخ کرفس
بیست درم قند سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند
شراب اصل مواد غلیظ را نضج دهد وسده بگشاید و باد
ها بشکند وسوء القنیه واستسقا و جمیع امراض بارده و جگر
و معده را نافع بود صفت پوست بیخ کبر پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی از هر یک سی درم رازیانه پانزده
درم تخم کرفس تخم کاسنی از هر یک بیست درم انجیر زرد
بیست دانه مویز منقی چهل دانه فقاح اذخر سنبل اسارون
سلیخه از هر یک دو درم قند سفید یکمن شربت بپزند
چنانکه رسم است شراب کرنب درد پشت را نافع بود و باه را
قوت دهد صفت رشته پاکیزه سه من بنیل زنند ده من
درم درم کنند در دیگ سنگینی اندازند و آب بر بالای
آن ریزند و سر دیگ بگل یا خمیر محکم کنند چنانکه بخار از وی
بیرون

از وی بیرون نیاید و با آتش آهسته بپزند و بگذارند تا سرد
شود پس سر دیگ بگشایند و نیک بمالند و آب آن بستانند
و صاف کنند و با نیم سنگ آن عسل در دیگ ریزند و سنبل
و خولنجان و قرنفل و دارچینی از هر یک یک درم زعفران نیم درم
مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه
بدست بمالند و بجوشانند تا بقوام آید شراب انجبار اسهال
دموی را و نفث الدم را و سیلان طمث را نافع باشد و معده
و جگر را قوت دهد صفت صندل سرخ و سفید سایند از هر یک
پنج مثقال انجبار هفت مثقال اقاقیا ده مثقال قند سفید
نیم من بطریق معهود شربت بپزند شراب آلبه نسخه دیگر صفت
آمله مقشر یک مثقال حب الآس دو مثقال پوست بیخ انجبار گل نار
گل سرخ تخم حماض بری از هر یک دو درم رب به شیرین و گلاب
از هر یک بیست مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور معهود

شربت سازند شربتي كه از جهة ماليخوليا وامراض سوداوي را
نافع باشد صفت تخم كاسنكي فرنجمك تخم بادرنجبويه از هريك
دو درم كاوزبان سه درم بادرنجبويه هفت درم ونيم ابريشم
دو درم نيم در شش مثل ادويه كلاب ودو مقابل ادويه
آب سيب شيرين بجوشانند تا ثلثي باقي ماند ويكمن قند
شربت بپزند شراب قند بلغم دفع كند وبلغم مزاجرا نافع باشد صفت
زنجبيل دارچيني از هريك پنج درم هل كبار وقاقله از هريك
دو درم قرنفل يكدرم مجموع نيم كوفته در هفت رطل آب
بجوشانند تا به پنج رطل آيد وبپالايند وبا يكمن قند
سفيد بقوام آورند ونيم درم زعفران سائيده اضافه نمايند
شراب عسل معده وجگررا گرم كند صفت مصطكي سنبل دارچيني قاقله
عود هندي هل جوزبوا از هريك يكدرم قرنفل نيم درم
مجموع نيم كوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل
آيد بپالايند وبا پنج رطل عسل بجوشانند تا بقوام آيد

شراب خمار در دفع

شراب خمار در دفع خمار بي نظير است صفت آلوي سياه
تمر هندي از هريك يك رطل عناب پنجاه دانه
در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آيد
وبپالايند وآب انار ترش وشيرين وآب سيب
وآب ليمو از هريك نيم رطل اضافه نمايند وبا
يك رطل قند بقوام آورند شراب مجرب بسرعت انزال را
نافع باشد صفت آب انگور شش رطل سماق مازو
گلنار گل سرخ كشنيز خشك كندر صفر سعد از هريك
ده درم زعفران مرشب يماني از هريك يكدرم بك
خبث الحديد سي مثقال بجوشانند تا ثلثي باقي
ماند صاف كنند واستعمال نمايند شراب دارو مجرب
مقوي اعضاي رئيسه است ونسيان امراض بلغمي
وسودائي را سود دارد وباه را قوت دهد وپيرانرا
موافق باشد صفت آب انگور صد من به شيرين سه من

سیب اصفهانی دو من گلاب نیم من آب خالص
ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب کبابه
چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنج درم عود خام
بسباسه دواله از هر یک سه درم زعفران ده
مثقال مشک نیم مثقال عنبر یک مثقال سیب و
به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا شود و بعد
از آن برکشند و صاف کنند و مشک و زعفران را
در گلاب حل کنند و اضافه نمایند و ادویه نیم کو
فته در کیسه کنند و در محل جوشانیدن کیسه را
در دیگ اندازند و زمان زمان کیسه را در دیگ
بمالند تا اثره باز دهد و چون شیره انگور را در خم
دریزند کیسه را در خم اندازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شراب خبث الحدید معده را قوه دهد و هضم
را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع

بود

بود صفت تخم کرفس زیانه دیره کرمانی انیسون نانخ
خواه صغر ابخدان کاشم کردیا کشنیز خشک فلفل
دارفلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوزبوا
تخم جرجیر تخم پیاز سفید زنجبیل از هر یک یک
مثقال خبث الحدید ده مثقال در شش مقابل
ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند شربتی هر روز سی درم کافیست شراب ریحانی
نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را
قوه دهد و پیران را موافق باشد صفت شیره انگور
صد من در خم ریزند و شش من قند اظافه
کنند و دارچینی و قرنفل بسباسه جوزبوا
از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند
در خم اندازند و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند باید که خم را از اول پاک بشویند

واندرون ان موم کداخته بکرداند ومشك وعنبر بو
کرداند شرابی که معده را قوة دهد وامراض بلغمی وسودا
بی را سود دارد صفت آب سیب سه رطل آب به یا شیرین
دو رطل در دیك سنکین کنند وقرنفل یکدرم و
نیم عود هندی دو درم کاوزبان بادرنجبویه
کل سرخ از هریك سه درم کوفته وبیخته در لته
بسته در دیك اندازند وبا آب سیب وبا آب
به بجوشانند تا به نیمه آید ودر خم ریزند وشراب
ریحانی دو من بر بالای ان ریزند وقند سفید یك
من ورطل ونیم اظافه نمایند وسر خم را بکیرند و بیست
روز در افتاب بکذارند بعد از ان صاف نموده
استعمال نمایند شیاف احمر لین سلاق وغلظ اجفان واشم
ورمد را نافع باشد صفت شادنج مغسول ده درم
بسد مروارید ناسفته سادج هندی از هریك

چهار

چهار درم دم الاخوین یکدرم صلایه کرده شیاف سازند
شیاف سنبل ظلمت وحکه وجرب وسلاق وبیاض را نافع باشد صفت شادنج مغسول ده درم
صمغ عربی یکدرم مس سوخته زاج سوخته از هریك دو درم
افیون صبر سقوطری از هریك نیم درم زنکار دو درم ونیم زعفران
ومر از هریك دانکی ونیم کوفته بیخته بخریر شیاف سازند شیاف اخضر
جرب وسبل وبیاض را نافع باشد صفت زنکار سه درم اقلیمیا نقره اشق
صمغ عربی سفیداب از هریك دو درم صمغ واشق را در آب سداب
حل کنند وداروهای دیکر را کوفته وبیخته بحریر بدان بسرشند و
شیاف سازند شیاف دینارجی حکه وجرب وسبل وسلاق وشعر زاید را
نافع است صفت زنکار شش درم صمغ عربی اشق از هریك چهار درم
اقلیمیا طلاء وافیون از هریك دو درم بازرد یکدرم کوفته
وبیخته با آب سداب بسرشند وشیاف سازند شیاف طرطیانی حکه
وجرب وسلاق واسترخای جفن وجفن وریح سبل را نافع بود
صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنکار و

شیاف للحمی ای د
سعد مرد محموده بوزن
هندی فوفل ورت بکرکیه
شب و دمار بغیر
حلطی بنفشه روره ورجمی کسما
حمار بشبر بکر کی شباف جمیر
نسخه حنظل ...
زهره کاو ...

قلقطار سوخته از هریك یکدرم مس سوخته چهار درم افیون
زعفران از هریك نیم درم با آب باران بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض
رمد گرم را نافع بود و درد صعب را بنشاند و تحلیل کند صفت سفید آب
ارزیر هشت درم صمغ عربی یکدرم افیون و کتیرا از هریك یکدرم بسفیده
تخم مرغ بسرشند و شیاف سازند شیاف ابیض ابتداء رمد را نافع بود
صفت سفید آب ارزیر هشت درم انزروت تربیت کرده شیر خر
از هریك چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف مدیح
به نسخه محمد زکریا رمد را نافع است و حدت آن کمتر از حده
ابیضاست و بهترین و سبکترین شیاف ورد است صفت گل سرخ
چهار مثقال افیون و صمغ عربی از هریك یکمثقال بلسون
شیاف سازند شیاف بربوما مجرب در رمد و زود بصلاح آورد صفت
شیاف مامیثا و انزروت مربی از هریك هشت درم زعفران
دو درم افیون نیم درم کتیرا یکدرم کوفته و بیخته با آب
باران بسرشند و شیاف سازند و بسفیده تخم مرغ در چشم کشند

شناد اقلیمیا ... رمد
و اکثر امراض چشم معتمد ...
صمغ عربی ... کتیرا
۲ ۲ ۲
افیون اقلیمیا ... اسفیداج
۱ ۴ ۵
... شیاف سازند
و ... در چشم ...
در چشم ... کشند

شیاف بربوما هم

شیاف بربوما هم به نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی
ببرد و اماس بنشاند و درد را تسکین کند صفت اقلیمیاء
نقره و روی سوخته از هریك سه مثقال کتیرا و اقاقیا
صمغ عربی از هریك دو مثقال افیون و زعفران از هریك
یك مثقال کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته
شیاف سازند شیاف نیم ظفره و ناخنه زایده را نافع بود
صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی و مس
سوخته از هریك شش درم قلقطار سوخته زنگار
از هریك دو درم با آب رازیانه بسرشند و شیاف
سازند شیاف طوخی بادها را پراکنده کند و اماس ملتحمه
بنشاند صفت مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم
کتیرا صمغ عربی و سنبل و زعفران از هریك یك
درم با آب باران شیاف سازند شیاف استفحیت باد
ها را که در چشم و جفن باشد کشیدن و طلا کردن

صفة مس سوخته افیون از هریك یكدرم و نیم زعفران
شاف مامیثا از هریك نیم درم مروارید ناسفته
وسبد از هریك یكدرم اقاقیا پنجدرم كوفته و بیخته
بآب باران شیاف سازند شیاف قرحه و مدة غلیظ را
نافع باشد صفت سفیداب ارزیر هشت درم افیون انزروت
مربی وكثیرا از هریك یكدرم صمغ عربی چهار درم
كنند نیم درم بآب باران شیاف سازند شیاف ابار
قرحه و موسرج را نافع باشد و جراحت بنشاند و
جفن را پر سازند صفت اقلیمیاء طلا سفیداب ارزیر
مس سوخته سرمه صفاهانی صمغ عربی كثیرا
سرب سوخته از هریك هشت درم افیون
از هریك یكدرم بآب باران شیاف سازند
شیاف ابار دبه لتی منفعت آن قریب بمنفعت اول است
صفت ابار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته

كثیرا درم

[illegible]

كثیرا صمغ عربی از هریك شش درم افیون نیم درم
كوفته و بیخته شیاف سازند و بعضی اقلیمیاء
طلا و سفیداب ارزیر از هریك شش درم
كنند چهار درم اضافه كرده اند شیاف سرخ قر
حه را نافع باشد و كوفته بر دباشد صفت اشق انزر
وت از هریك پنجدرم كندر ده درم زعفران ده
درم اشق را در لعاب حلبه حل كنند و باقی
ادویه را كوفته و بیخته بدان بسرشند و شیاف
سازند شیاف كه ابتداء آب را نافع باشد صفت
خربق سفید یك وقیه فلفل نیم وقیه اشق یك
درم بآب ترب سازند شیاف جرب و ظفره را
نفتا و ابتداء نزوله را نافع باشد صفت اقلیمیاء نقره
اقلیمیاء طلا مروارید ناسفته از هریك دو درم
كافور و مشك از هریك دانكی صلایه كرده بآب

[illegible]

باران شیاف سازند شیاف اصغر ازجهه ابتداء
نزول وتاریکی چشم را نافع باشد ضماد انزروت مربی
شیاف مامیثا از هریك هشت درم مربوره اد
منی فلفل ابیض از هریك چهار درم زرنیخ زرد
دو درم زعفران یکدرم وتخم کوفته وبیخته شیاف
سازند شیاف اصغر بنوعی دیکر ضماد هلیله زرد توتیاء
هندی از هریك پنج درم فلفل سفید صمغ عربی
از هریك دو درم زعفران یکدرم باب باران شیاف
سازند شیاف سماق جرب وخارش وسوزش وتجوغك
نافع باشد ضماد سماق سه مثقال باب باران بریزند
وبپالایند وبازبجوشانند تا غلیظ شود وبنهند
کذارند تا سرد شود وده درم سفیداب ارزیز
بان سرشند شیاف سازند شیاف سیل رقیق
بردارد ضماد زرد چوبه شادنج مغسول صبر سقوطری

شیاف مامیثا

شیاف مامیثا مساوی کوفته وبیخته باب
باران شیاف سازند شیاف درکه صعوبت نزول را
چشم را درحال بنشاند ضماد ورق کل سرخ باب
درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل
الطیب دو درم صمغ عربی یکدرم باب باران
شیاف سازند شیاف سبیه بنسخه دیکر رمد وحرقت
عین ودمعه وسبلرا که تبا وحرارت باشد نافع
بود ضماد قلیمیاء سفیداب ارزیز صمغ عربی افیون
از هریك یك درم ونیم اقاقیا مغسول بیست وهشت
درم کوفته وبیخته وبعضی راآب سود کرده باب
عنب الثعلب شیاف سازند شیاف اسطیطیقن سرخ وحمی
وتاریکی فی ابتداء آب را نافع باشد ضماد قلیمیا طلا فلفل
افیون از هریك چهار درم صمغ عربی شیاف مامیثا از
هریك هشت درهم انزروت نمك هندی زرنیخ زرد

از هر یك یكدرم بوره ارمنی دوازده درم پالوده
زبانه شیاف سازند چنانکه رسم است شیاف
که نافعست جرب و غلظ جفن و سبل جهة را
که همراه آن حرارت و حمره نباشد و بیاض و ناخنه
چشم را زایل کند صفت اقبوز افلیما نقره از هر یك یكدرم
اسفیداج زیر صمغ عربی زنکار اشق از هر یك دو درم
بآبی که اشق دران حل کرده باشند شیاف
سازند شیاف که نافعست ابتداء رمد را و درد
ساکن کند و خواب آورد صفت شیاف مامیثا
درم زعفران افیون حضض صمغ عربی از هر یك دو
درم کثیرا و انزروت از هر یك چهار درم چند
بید ستر یكدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
که نافع بود قرحه حاره جدید را و چشم را خشك
کند و کوشت بر دیاند صفت سفیداب ارزیر ده درم

کند

کند انزروت از هر یك یكدرم افیون نیم درم
کافور ربع دانك کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف زنكاری جرب و باد سبل را نافع بود صفت صمغ عربی
سفیداج زیر زنکار مساوی بآب سداب شیاف
سازند شیاف جرب و حکه و کمنه را نافع باشد صفت
زنجبیل یکدرم هلیله زرد توتیای مغسول از
هر یك ده درم حضض مکی چهار درم زرد چوبه
زعفران از هر یك دو درم بآب غوره شیاف سازند
شیاف بصر کند صفت کلنار انزروت کلنار دم الاخوین
سرمه شب یمانی از هر یك یكدرم زنکار دانکی و
نیم بکلاب شیاف سازند و سو از حجر انجره باید
کند و در انجا حکاکند شیاف قرحه و سحنه و بثره
و مو ربرح و نتو قرنیه و غشیه و کمنه و رمد کهنه را
نافع باشد صفت برك کل تازه هفتاد درم و مثقال اقلیمیا

نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست درم و چهار مثقال
زعفران شش مثقال افیون سه درم سه مثقال زنگار و توبال
نحاس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرصافی چهار مثقال
کوفته و بیخته باب باران شیاف سازند به نسخه دیگر مرید سود را شیاف دینار
تیره را نافع بود صفت سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک دو درم اصول
خشخاش از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطریق معهود
شیاف سازند شیاف ابار به نسخه دیگر صفت اقلیمیا طلا
توتیا سه درم سفیداب ارزیز روی سوخته کفته از هر یک دو
درم دم الاخوین و افیون یکدرم ازروت یکدرم و نیم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیاف کندر جهت شبکور را نافع است صفت
اشق ازروت از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران دو درم مر بلغا
شیاف سازند شیاف قلقند ظفره را نافع صفت روی سوخته
پنج درم زنگار دو درم نشادر قلقند بوره ارمنی از هر یک درمی
زرنیخ نیم درم دیگر جمله بسایند و یک هفته بکوبند شیاف

سازند شیاف مرو طرفه را نافع بود صفت کندر مر زعفران از هر
یک یکدرم زرنیخ سرخ درمی شیاف سازند باب گشنیز تازه
در چشم کشند شیاف مرارات نفتار زفله را نافع بود صفت زهره کلنگ
زهره شبوط زهره بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک
خشک کرده ده درم شحم حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم
باب رازیانه شیاف سازند شیاف مرارات ضعف بصر و ابتداء آب را
نافع باشد صفت زهره باشه زهره عقاب زهره خروس زهره روباه
زهره شبوط مجموع خشک کرده متساوی باب رازیانه شیاف
سازند شیاف مرارات نوعی دیگر صفت زهره کلنگ زهره کبک زهره
بز کوهی زهره باشه زهره خرگوش زهره کبوتر زهره شیر زهره
لق لق زهره خوک زهره خرگوش زهره روباه
زهره آهو زهره ماهی از هر یک خشک کرده
یکدرم سکبینج فرفیون شحم حنظل از هر یک یکدرم
باب بادیان حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته

بان جبر شند و شیاف سازند شیافی که قایم مقام
مرارات است صفت زهره بز کوهی در ظرف مسینی کنند
تا خشک شود ده درم شحم حنظل نیم درم سکبینج دو درم
افیون و نشادر از هر یک یکدرم باب سداب یا آب
رازیانه شیاف سازند شیافی علایی حکه و جرب و غلظ
و سلاق و ظلمت و دمعه و سبل و خشونت اجفان را نافع
باشد صفت توتیای مغسول شش درم مامیران چینی
و شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دار فلفل زنجبیل
زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد ساذج
هندی از هر یک سه درم زعفران دو درم کتیرا صمغ
عربی از هر یک دو مثقال باب غوره سرشته شیاف
سازند شیافی حلتیت خیالات و ابتداء آب را نافع باشد
صفت حلتیت خربق سفید از هر یک ده درم سکبینج
سه درم بعسل سرشته شیاف سازند شیافی دینا شیاف

بنوعی دیگر

بنوعی دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع است و چشم
را جلا دهد صفت اقلیمیا طلا و سفیداب ارزیز از هر یک ده
درم کتیرا و مر از هر یک پنج درم مروارید ناسفته بسد
دم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ اقاقیا نبات
از هر یک نیم درم افیون هفت درم زعفران نشاسته
دوای سوخته از هر یک ده درم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیافی که جرب و سبل و شحم ذابیه را نافع بود صفت
ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار سه
درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک دو درم
افیون و مر از هر یک یکدرم زعفران نیم درم باب سداب
شیاف سازند شیافی دیگر که همین خاصیت دارد صفت
زنگار سه درم سفیداب ارزیز اقلیمیا نقره صمغ عربی
اشق از هر یک دو درم اشق را باب حل کرده داروها
دیگر را کوفته و بیخته بان جبر شند و شیاف سازند

شیافی که شیر و قرحه را سود دارد و خشان قرحه
را ببرد صفت کوزن شاخ سوخته مغسول چهار درم توتیا
مس مغسول محرق دو درم صمغ عربی سه درم افیون
یک درم شیاف سازند چنانکه رسمست در چشم کشد شیاف
مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند و درد
پشت را نافع بود صفت سکبینج مسقل جاوشیر اشق نمک
هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل
هارا با آب سداب حل کنند و دیگر داروها را کوفته و بیخته
بان لیبه سرشته توشاف سازند هر یکی دو درم شیاف که
درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی باشد
نافع بود صفت سکبینج جاوشیر مقل با زرد شحم حنظل ابید
انجبره ماهی زهره بوزینه از هر یک یک درم و نیم سو
رنجان و تربد از هر یک سه درم جند بید ستر نیم درم
با آب کند تا شیاف سازند شیاف حنی زعفران حضض مر

افیون کند رمساوی کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف خیار شنبر
قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفت بنفشه خطمی
سه درم سنا مکی پنج درم نمک هندی یک درم عسل
و خیار شنبر و شکر سرخ از هر یک دو درم شیاف سا
زند شیافی که همین خاصیت دارد صفت بنفشه پنج درم
سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی تربد
از هر یک سه درم فرفیون و فانید از هر یک پنج مثقال شیا
ف سازند شیاف قولنج بوره ارمنی شحم حنظل مقل سکبینج از هر
یک دو درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم
شاف سازند شیاف زهر ضعف مثانه سلسل بول دفع
را نافع بود و باه را بیفزاید و قوت دهد صفت نارجیل حب
الصنوبر حب المحلب مقشر مغز بادام تلخ کرم دانه
حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جند بید ستر

سداب از هر یک سه درم مقل ده درم با آب کندنا
شیاف سازند شیافی که مقوی باه است صفت حلتیت
فرفیون از هر یک یک درم مشک نیم درم کوفته و بیخته
شیاف سازند شیافی که همین منفعت دارد صفته
سوسمار زهره کرد حب الفلفل عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته بروغن سنبل شیاف سازند شیافی
که استسقاء طبلی را نافع بود و بادها دفع کند صفت
سداب حرمل را زیانه تخم کرفس زربد سفید بوره
ارمنی از هر یک یک درم شکر سرخ پنج درم با آب
سداب شیاف سازند شیافی ثقل سمع دوی و طنین
که سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغمی گوش
و طرش که سبب آن اخلاط غلیظ مباشد زایل گر
داند صفت شحم حنظل یک درم بوره ارمنی سه درم

جندبید

جند بید ستر راوند مدحرج عصاره افسنتین از
هر یک نیم درم قسط دانگی افیون دانگی کوفته و بیخته
بزهره گاو سرشته و شیاف سازند و در وقت حاجت
یکی را از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش
چکانند شیافی که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت کندر
انزروت دم الاخوین گلنار سرمه زاج از هر یک یک درم
زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته و شیاف
سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت قنطوریون از هر یک
بیخ سوسن انزروت از هر یک یک مثقال مازو مثقالی زنگار
دانگی بعسل سرشته و شیاف سازند شیافی که همین
خاصیت دارد صفت اقاقیا الحبة الیبس گلنار گل ارمنی
از هر یک یک درم ودع سوخته و سفیداب از هر یک نیم
درم با آب لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شیاف سازند شیاف

که همین عمل کند صفت عصارهٔ لحیة التیس اقاقیا جفت
بلوط دم الاخوین از هر یک یکدرم درم سفیداب صدف سوخته
از هر یک نیم درم باب لسان الحمل سرشته شیاف سازند
شیاف که در عقب مسهل استعمال کنند اگر در اسهال
تقصیر باشد و گرم مزاجان را موافق باشد صفت
نجیبی پنجدرم صابون رقی و خطمی و نمک طعام از
هر یک دو درم شکر سرخ پنجدرم شیاف سازند شیاف
که اسهال و موی را نافع باشد صفت اقاقیا بذر
البنج صمغ عربی بنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته
باب مورد سرشته شاف سازند شیاف که از نفث از جهة
زحیر و اعراض و اسهال صفت صمغ عربی اقاقیا افیون بذر
البنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد سرشته شیاف
سازند شیاف که شکم به بندد صفت اقاقیا صمغ عربی کلنار

کلنار

کلنار جفت بلوط بنج بریان کرده کوفته و بیخته باب مورد
سرشته شیاف سازند شیاف عفص اقاقیا املج کلنار صمغ
عربی کوفته و بیخته باب مورد سرشته شاف سازند و
بعضی از بجامعت استعمال نمایند شیاف که از جهة کرم
کوچک که در امعاء سفلی اطفال باشد سود دارد صفت
شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان زرد
آلو تلخ مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند باب الصا
صغی که بهق ابیض را زایل بدن اورد صفت تخم ترب
شیطرج ابرو راسن فوه کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه
کهنه نرم کنند و در آفتاب بمالند صفتی که برص و اثار آن
زایل کند صفت شونیز شب یمانی فوه کوفته و بیخته
بسرکه یا شراب تر کنند و چند نوبت بمالند صفتی که همین خاصیت
دارد صفت شیطرج هندی عاقرقرحا حضض مکی خردل

شونیز کل شقایق مرزنجوش زرد فوه مساوی کوفته و بیخته
بخون زیرسته بمالند صمغی که همین عمل کند صفت شیطرج
هندی فوه نیل شب یمانی کل سرخ کوفته و بیخته یک
شبانه روز در سرکه خیسانند روز دیکر بمالند صمغی
که بهق اسود را ببرد و برص بدن او برد صفت تخم ترب ده
درم کندش و قسط از هر یک دو درم سرکه کهنه بمالند
صمغی که غلامان سرخ کرده اند صفت زعفران فوه مصطکی
مساوی کوفته باب لیموی ترساخته شب بمالند و صباح
باب کرم بشویند صمغی که نشان ابله و جراحات و ریشها برد
و برص بدن او برد صفت مرداسنگ پنج درم کهنه ارد
نخود استخوان پوسیده مغز تخم خربزه حب البان قسط
کوفته و بیخته بلعاب حلبه و بزر الکتان یک شب بمالند
و صباح بسبوس و اب کرم بشویند صمغی که همین خاصیت

دارد

دارد صفت ارزیز افطیمون مرداسنگ مغسول شاخ کوزن سوخته
بوره ارمنی اشق کوفته بماء الشعیر بمالند باب الضاد ضماد القینی
صلابت طحال را نافعست صفت مقل دو درم اشق درم چهار درم
باقلا کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس
سنبل از هر یک نیم درم لفضره زرد بیست و چهار درم کوفته
و بیخته بروغن سداب یا بروغن بابونه ضماد کنند ضمادی که
ورم صلب را هم نافعست صفت مقل ازرق دو درم اشق فند
تخم مرو حلبه بذر کتان اب کنند تا مغز قلم کاو و پیه بستو معمول ساخته
در کرباس خام کرفته و بر ورم کذارند ضمادی که نافعست از جهت
اورام صلبه و معده و جکر صفت زعفران صبر از هر یک
افسنتین سنبل از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته باب کرم
ضماد کنند ضماد حی العالم نافعست از جهت حرارت و برودت جکر
صفت بنفشه چهار مثقال حی العالم کل سرخ صندل

از هر یک چهار درم قصب الزریره دو مثقال کافور یک درم
کافور و کوفته باب کشنیز تازه ضماد کنند ضماد دیگر ورم جگر را
نافع باشد صفت جو درم سرکه خیسانند تا مهرا شود پنج درم
طباشیر سفید فوفل نیم درم افسنتین ورق گل سرخ قصب
الزریره صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک درمی
کافور دانگی کوفته و بیخته در لعاب کتان مالند در موضع
جگر اندازند ضماد دیگر قوبا و خارش و حصبه را ببرد صفت
بگیرند شیاف مامیثا و اقاقیا از هر یکی درمی صبر و نشادر
از هر یک دانگی اشنان پنج درم بروغن یاسمین ضماد کنند
که جهت باد فتق کودکان نافع است صفت مقل و مر مکی بسیر که
حل سرکه ضماد کنند ضماد سوخته بنفشه سبوس گندم ارد
جو خطمی ارد باقلا اکلیل الملک مساوی بروغن بنفشه بادام
ضماد کنند ضماد دیگر حلبه از هر یک ده درم سعد

چهار درم اقاقیا مر املج کندر سعد اذخر سنبل مصطکی
از هر یک پنج درم کعل ده درم کوفته و بیخته باب به
ضماد کنند ضمادی که معده بادی را گرم کند و قوت دهد
صفت سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین از هر یک پنج درم
اذخر املج قرنفل دارچینی قصب الزریره از هر یک دو
درم کوفته و بیخته باب به ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه
معده را تحلیل دهد صفت مقل حب البان تخم کرنب از
هر یک دو درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک
پنج درم موم سه درم روغن ناردین پانزده درم
صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و
بیخته اضافه نمایند و با موم و روغن ضماد کنند ضمادی
که همین خاصیت دارد صفت حلبه سعد قصب الزریره
اذخر از هر یک دو درم موم سه درم روغن بابونه

حل بجهه ... کنند
... کمدار ... بارو ... بیا ...
کادور ... انیسون ...
کاغذ سوخته تخم ... کاشنی
... کوبیده با ... کنند
نفوخ ...
زاج ... سوخته کاغذ سوخته
کوبیده در ... نفوخ کنند

پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضمادی که لین از جهة
معده و جگر گرم نافعست صفت ضماد شرح و
گل سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته با آب
عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که
استسقاء زقی را که با آن حرارت باشد نافعست
صفت اوده جو سعد خیات کوسفند بوره ارمنی
مساوی کوفته و بیخته ضماد کنند ضمادی که نفخ طحال را
سود دهد و صلابت را نرم کند صفت اشق هفت
درم سداب ده درم بوره ارمنی قودنج از هر یک سه
درم کوفته و بیخته ضماد کنند جبر کرکه ضماد الاشق
صلابت طحال را سود دارد صفت اشق مقل بوره ارمنی
نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه کرفس نارنج
از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد

دو درم

97

دو درم انجیر ده عدد انجیر را در سرکه بپزند و اشق و
مقل را در آن حل کنند و باقی ادویه را کوفته و
بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع رحم
و بواسیر را تسکین دهد صفت زعفران افیون بذر
البنج پیه مرغ از هر یک دو درم خطمی و بزرک از هر یک
... زرده تخم مرغ نیم برشت یکبیضه بروغن
استخوان زرده را او ضماد کنند ضمادی که از جهة فتق نافع
بود صفت جوز السرو دو درم سعد مر صمغ عربی جامر نخود
باذرم اقاقیا از هر یک یک درم کوفته و بیخته بشراب کهنه
سرشته ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت جوز
السرو صبر سقوطری ورق سداب مازو بابونه مساوی
کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی که همین
منفعت دارد صفت مصطکی کندر انزروت جوز السرو بلوط

مروسر دیگی بلوط مساوی کوفته و بیخته ببیر کبر ضماد
کنند ضماد دیگر که نقرس بارد را سود دارد و بقایای
اورام بارد را تحلیل دهد صفت مقل کندر حلبه
مورد اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضماد دیگر که سکان
از بد فبره وفا اورد صفت اشق بیاز نرکس نیج نی
کوفته ضماد کنند ضماد استطسوخودوس معده و کبد
و طحال را نافع بود صفت افسنتین سنبل الطیب سلیخه
صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان ز
عفران از هر یک دو درم موم سفید هشت درم
موم در روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن ز
نبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن
بسازند و ضماد کنند ضماد دیگر که ضعف معده را
که سببا نافع باشد صفت حب الآس املج عود

اسطی

حرارتها باشد

لعلار

گلنار برگ مورد پوست به پوست گل سرخ قصب
الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته
بگلاب و آب سیب ضماد کنند ضماد دیگر که نقرس
و اورام حار را نافع بود صفت صندل سرخ
عدس مقشر فوفل شاف مامیثا گل ارمنی
کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد
کنند ضماد قطادیون لقوه و فالج و صداع و درد
چشم را و شقیقه و صداع [illegible] ضماد کنند و جهت
[illegible] ضماد کنند بول براند و خون برکم
[illegible] ضماد کنند درد [illegible] کنند
و خون [illegible] ضماد کنند [illegible] اعضا باطنه
را نافع بود صفت رمح الحمام [illegible] درم موم

ضماد اورام حار
کتیرا اسفناج ایضا شش عدد
ایضا برگ بیخته مرهم گل
کتیرا سحم [illegible] ضماد اورام صلبه
کتیرا اسفناج ایضا برگ برگ
عنب الثعلب گل [illegible] برگ کار
ضماد [illegible]
عنب الثعلب الکلیل الملک [illegible]
گل سرخ با گلاب بحمه ضماد کنند

[illegible]

موم سفید ده درم راسنج سه درم روغن زیت
چهل درم موم و راسنج را در روغن زیت بگدازند
و مرهم الحمام را کوفته و بیخته اضافه نمایند ضمادی
که اگر بر معده نهند قی آورد و اگر بر ناف ضماد
کنند شکم براند و اگر بر عانه ضماد کنند حیض را
براند صفت بزرگ کابلی عصاره قثاء الحمار از هر یک
سه مثقال خربق سفید مرداسنگ از هر یک
چهار درم با روغن زیت بگدازند و باقی ادویه
کوفته و بیخته بآن ضم کنند و بر روی کاغذ پاره
کشند و ضماد کنند ضمادی که چون بر ناف کشند و
بر فم معده اندازند اسهال سودا کند و چون
بر زیر بغل ضماد کنند اسهال صفرا کند و چون

بر ناف

بر پاها بر الورکین ضماد کنند بلغم براند و این ضماد
اسرار الطباست و پیران و کسانی را که طاقت اسهال
بود و نباشد بدین معالجه کنند صفت قومس
مغشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند و بعد از
آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند و بجوشا
نند تا بقوام بیاید و استعمال کنند و چون خواهند
که قطع اسهال شود لته بر دارند و بگلاب بشویند
ضمادی که جبر کثرت و دق را نافع بود صفت معاث
ماش گل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی و مر از
هر یک دو درم اقاقیا و صبر از هر یک یک درم کوفته
و بیخته با آب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی
که عرق النسا و وجع الورک را نافع است صفت پوست
بیخ کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم عصا

[illegible]
نقل شده است [illegible]
را ممزوج نرم صلایه نموده [illegible]
پاک اندک بر نهند [illegible]
و نیم را بدلنو [illegible] کوفته و بیخته اضافه نمایند
در برودی آتشی نرم گذاشته با چهار
[illegible]
مجموع اجزا را دیگر [illegible]

قله الحمار حب الغار از هر یک یک درم کوفته و بیخته
بشراب العسل ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد
صفت نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط شحم
ثوره نیم رطل از هر یک یک درم زفت پنج درم زفت دادر
روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته
اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که پوست برکرم
ناخن و باصلاح آورد صفت مصطکی سه درم مر درم
پانزده درم موم روغن گل بگدازند و دو درم غلث
بان بیامیزند و بر آن موضع ضماد کنند ضمادی که درد
پشت و کمر را ساکن گرداند صفت جند بیدستر
زعفران افیون سفیداب ارزیز سفیده تخم مرغ بر
پشت ضماد کنند و باتش داشته و دست بمالند ضمادی
که از برای برص الطفال نافع باشد صفت زرنیخ

سرخ

سرخ شب یمانی کوکرد از هر یک یک درم زفت رومی
ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند و داروهای
دیگر بان سرشته ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی
را سود دارد صفت بابونه اکلیل الملک حماما شبث
مصطکی از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک
ده درم کندر شش درم پیه خطمی پانزده درم پیه
بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی
درم ضماد سازند ضمادی که بواسیر نضج کند تا بوزن مقل ازرق از
هر یک پنج درم روغن گاو سرشته ضماد کنند ضمادی که
قروح معده را نافع باشد صفت افیون زعفران از هر
یک نیم دانگ مرداسنگ یک مثقال سفیداب ارزیز
نیم درم روغن گل پنج درم ضماد سازند چنانکه در پشت
ضمادی که اخراج مشیمه کند و بیرون آورد صفت شحم

حنظل قسط سداب از هر یک سه درم کوفته و بیخته بز
هره گاو بسرشته و بر عانه و ناف ضماد کنند ضمادی که
صداع بادی را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک درمنه
ترکی شبت ورق الغار مرزنکوش مساوی بروغن
خیری ضماد کنند ضمادی که اسهال صفرا را نافع باشد صفت
برگ مورد گل سرخ گلنار صندل مازو املج لادن
ضماد اقاقیا حضض مساوی کوفته و بیخته باب مورد
سرشته بر شکم ضماد کنند ضمادی که ولغاء امعا بلغمی را نافع
باشد صفت لادن سعد مصطکی قصب الذریره مرزنجوش
تمام از هر یک پنج درم عود جوز بوا قرنفل از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته باب مورد ضماد کنند ضماد
که ورم شری را سود دارد صفت نان گندم آرد جو
باقلا خطمی از هر یک ده درم زعفران یکدرم

کوفته و بیخته

کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ ضماد کنند ضمادی که [ورم] اندر
پستان بزرگ شود صفت ودع سوخته آرد جو مساوی
بسرکه بسرشند و در هر ماه سه روز متوالی ضماد کنند
ضمادی که اماس چشم بنشاند و درد را ساکن میکند صفت
آرد جو ده درم باقلا پنج درم اقاقیا یکدرم سفیده تخم
مرغ یکعدد باب کشنیز و آب کاسنی ممزوج ساخته
ضماد کنند ضمادی که از جهت اختلاط عقل و امراض حاره
نافع است صفت آرد جو سبوس گندم بنفشه از هر یک
پنج درم خطمی سه درم باب بید و روغن قدری بسر[شند]
ضماد کنند ضمادی که اماس بن گوش را بنشاند صفت
پیه بط پیه مرغ از هر یک پنج درم حلبه گوسفند کهنه
کوفته و بیخته بآن بسرشند و ضماد کنند ضمادی که
اسهال را که ضعف قوت هاضمه و برودت جگر باشد

ناخنه صفت سنبل قصب الذریره افسنتین رومی
قشور کندر مصطکی لادن برگ مورد ورق گل سرخ
صندل از هر یک ده درم پوست انار ترش و املج
از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد
کنند ضمادی که جهت سینه و حلق نافعست صفت روغن
بادام موم سفید مغز تخم خیار آب تخم خرفه ورق گل سرخ
مغز کدو اجزا را باهم ممزوج ساخته پاره از آن مخلوط کنند
و بمروغن سینه و حلق بنهند ضمادی که درد بواسیر نشاند صفت
مقل ازرق کوهان شتر مغز ساق گاو استخوان زرد آلو
میعه زرده تخم مرغ مساوی در روغن کنجد با ذو درهات
جوشانیده باشد حل کنند و ضماد کنند و پیاز بروغن
گاو بریان کرده نیز ضماد نافعست ضمادی که قیله
الماء اسود دارد صفت جوز ... گوسفند گل ارمنی

سرگین

سرگین گاو خشک از هر یک ده درم سعد بوره ارمنی
زیره کرمانی مس سوخته شحم حنظل صبر سقوطری
قثاء الحمار از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسرکه ضماد
کنند ضمادی که افراط طمث را نافع است صفت سعد مس
مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی
کوفته و بیخته بسرکه تر کنند و بر پشت شکم و عانه
ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاد کند صفت آرد باقلا
ده درم تخم بادرنج پنج درم کوفته و بیخته بآب بادرنج
ضماد کنند ضمادی که نگذارد که پستان فربه شود صفت
شب یمانی سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته به
سرکه ضماد کنند و پارچه محکم بر بندند ضمادی
که نقرس گرم را سود دارد صفت آرد جو ... ده درم
افیون سه درم بآب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی

که نقرس مرکب را نافع بود صفت مغاث خطمی تخم مورد
ارد جو سوزنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ
ضماد کنند ضمادی که جمیع امراض مفاصل را نافع باشد
صفت بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست درم
اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم و سرکه از هر
یک پنجاه درم روغن شبث بیست درم ضماد کنند چنانکه
دستور است ضمادی که جمیع اورام حاره را نافع بود و ماده را
دفع کند صفت شاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ
باب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی که بواسیر و درد مقعد
و زحیر را نافع بود صفت مغز ساق گاو ده درم موم سفید
سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم
مرداسنگ سفیداب ارزیز از هر یک یک درم و نیم مقل
یک درم افیون دانگی روغن گل بیست درم بطریق معهود

[illegible] صفت [illegible] زرنیخ [illegible] ضابطه [illegible]

ضماد بر

ضماد کنند ضمادی که مخصوص بواسیر است صفت روغن
مغز استخوان زرد الو پنج مثقال پیه بط پنج درم میعه
سایله سه درم مقل ازرق دو درم زفت یک مثقال و نیم
ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت پیاز و
کندنا پخته در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنج درم
مقل یک درم زعفران نیم درم افیون دانگی و نیم ضماد
کنند ضمادی که همین عمل کند صفت روغن مغز استخوان
زرد الو ده درم کوهان شتر نه مثقال پیه بط سفنا
لوی خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یک
مثقال مرداسنگ دو درم ضماد سازند ضمادی که ورم
باد و خصیه را نافع باشد صفت ارد باقلا حلبه بابونه
مویز منقی بروغن گل ضماد کنند ضمادی که خنازیر را
تحلیل دهد صفت کتیرا پنج درم نانخواه دو درم صبر یک درم

باب کشنیز تازه ضماد کنند باب الطلاء [طلاوئی] از جهت صداع
حار نافع باشد صفت صندل سرخ وسفید تخم کاهو از
هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
تخم لفاح یکمثقال باب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی
و صدغین طلا کنند طلائی که درد چشم را
نافع است صفت صندل سرخ شیاف مامیثا صبر
زعفران درم مساوی بگلاب طلا کنند طلائی نعاس آرد
جوز کلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل
سفید از هر یک سه درم کافور دانگی بگلاب تر ساخته
بر پیشانی طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت
اقاقیا اشنه گل ارمنی گلنار مساوی کوفته و بیخته
باب مورد یا آب برگ تاک یا آب لسان الحمل سرشته

نوفل

بر پیشانی

بر پیشانی طلا کنند طلائی که موی را از ریختن نگاه
دارد صفت پوست سیاوشان لادن افسنتین حب الغار
مساوی بکوبند و در روغن مورد بپزند و طلا کنند
طلائی که شکستن و شکافتن موی را نگاه دارد
صفت برگ چغندر لعاب بزر قطونا در حمام بر سر
و ریش طلا کنند طلائی که سبوسه را سود دارد
صفت آب برگ چغندر چهل درم بوره دو درم زهره
گاو یکدرم بعسل تیره شند وبر سر طلا کنند طلائی که
منع انبات موی کند صفت زرنیخ در سایه خشک کرده
وبسایند و خون لاک پشت بحری خشک کرده
واهک وبوره ارمنی مرداسنگ صدف سوخته از
هر یک قدری باب تیره شند و چون موی بغل و عانه برکنده
باشد طلا کنند و بالکرمالند دیگر بر انجا موی نروید

[illegible]

وجمیع محذرات و مبردات همین خاصیت دارند مثل آنکه
اگر موی از موضع برکنند و آن موضع به شیاف و شو
کران و افیون بخته طلا کنند چند بار منع انبات
موی کند طلائی که در این باب مجربست صفت شیره
انجبار و خایه موش و زبد البحر و توتیا از هر یک
قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی را بر کنند
و سه بار بر آن طلا کنند منع انبات کند و اگر پیش از
از بلوغ و انبات عانه زائد بیضها طلا کنند موی از آنجا
نروید طلائی که موی برویاند و داء الثعلب را نافع
بود صفت لادن سوخته چوب کتان سقابی با روغن
مورد طلا کنند یا برگ مورد کوفته و مرهم روغن [illegible] بالادن
بمالند با نفاح اذخر و قرنفل و سعد و مازو کوفته
و بیخته با شراب طلا کنند یا سم استر محرق با روغن دنبه

طلا کنند

طلا کنند بعد از آنکه چند بار پیاز عنصل مالیده باشند
که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زبد البحر و خیار سیف سوخته
بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند طلائی که مجرب
باشد و نافع بود صفت مغز استخوان زردالو تلخ تخم [illegible]
از هر یک بیست درم غله طعام زبیق از هر یک دو درم
مجموع را با بیست درم ماست ممزوج ساخته در حمام
طلا کنند و یکساعت بگذارند پس بشویند طلائی که
همین خاصیت دارد صفت زیبق مغسول حنا تخم حنظل
اقلیمیا نقره علس مقشر مساوی بگیرند و روغن
گل طلا کنند طلائی که همین منفعت دارد صفت مغز
بادام تلخ سنا مکی مرداسنگ از هر یک سه درم کندر
ده درم بگیرند و بروغن گل طلا کنند طلائی که از جهت جرب
و طبع نافع باشد صفت کندش دیج مرداسنگ از هر یک درم

[illegible] غلیان [illegible] با گرفتن [illegible]
[illegible] صفت [illegible]
شش دانه [illegible] ساخته و در روز دوازده
روز روز [illegible] بکشند
یکدانه از [illegible] در غلیان [illegible] کرده
و در وقت کشیدن [illegible] گرفت
با چشم [illegible]
[illegible] بعد از [illegible] شش [illegible]
تجربه [illegible] تمام بدن [illegible]
گر عرق کنند [illegible] داغ [illegible] بیرون [illegible]
و در ایام کشیدن غلیان [illegible]
معتدل [illegible]
انجام [illegible] که حرارت [illegible]
[illegible] کات [illegible]
طلا به کرده [illegible] کنند

نمک نیمخیده م دبه کرده در روغن گل نو ساخته در حمام
طلا کنند طلائی که جرب را نافع بود صفت دیگر چوبه هم
قسط کندش از هر یک درم سعه سنابله نیمخیده م در روغن
گل نو ساخته در حمام طلا کنند و سه ساعت بگذارند
پس باب گرم بشویند طریق استیصال جرب بابی اخت
کرسه روز هر روز یکمثقال صبر با عرق کاسنی حمه کرده
باسه فاشوفلعرق کاسنی بخورند و بعد از آن بحمام روند و بیرون
ایند و از آن مرداسنگ و زاج زرد و سرکه کهنه در
آفتاب گذاشته باشند طلا کنند که نافعست طلائی که
همین خاصیت دارد صفت گوگرد زرد یکمثقال پیه بز
دو مثقال روغن گل ده مثقال پیه دار در روغن بگدازند
و گوگرد صلاید کرده بدان ممزوج سازند و شب بما
لند و صباح در حمام بشویند طلائی که همین منفعت دارد

صفت

106

صفت زیبق مغسول نیمخیده م کندش دو درم زرنیخ راوند طویل
دو درم بروغن گل سه روز طلا کنند طلائی که همین خاصیت
دارد صفت عاقرقرحا مویزج خردل حنا زیبق مغسول گوگرد
موم مساوی بروغن دنبه ممزوج ساخته طلا کنند طلائی
که از جهت جرب نظیر ندارد و مکرر بتجربه رسیده صفت گوگرد حنا
از هر یک یکمثقال پوست هلیله زرد زیبق مغسول مرچ
هندی از هر یک نیم مثقال فلفل دانگی روغن دنبه
بیست مثقال بطریق معهود سکید بکر ممزوج سازند شب
بمالند و صباح در حمام لبسوس و به آب گرم بشویند طلائی
که از جهت حکه نافعست صفت تخم خشخاش اسفاناخ کوفته
در سرکه و در حمام بمالند طلائی که حکه خصیه را نافع بود
شیاف مامیثا اقاقیا از هر یک چهار درم اشنان دو
درم نوشادر دانگی زعفران یکطسوج کوفته و بیخته بو و غیره

طلاء سستی وجع رمد
الکحل الملک بدر البیع کاکنج
تخم ترمس مر حطل کوبیده
نیخته با آب زعفران قرص ساخته
در وقت حاجت با آب سائیده
بر دور چشم طلا نمایند
داء الثعلب ترباک و ما در هر
در سرکه تند سائیده و موضع داء
الثعلب را تراشیده طلا نمایند
رفع مینماید
طلاء سکن وجع رمد
جدوار را با آب گشنیز سبز سائیده
بر دور چشم بمالند
سمعت من اهل التجربه
هلیله کابلی را سوزانیده در سرکه
سائیده بمالند ایضاً
بمالند
که ضرر نداشته

کل و سرکه نو کرده طلا کنند طلائی که تو ماد انافع بود صفت
کو کرم دو درم سفیداب ارزیز هشت درم موم بنج یک درم
جمه کرده طلا کنند چنانکه رسم است طلائی که همین خاصیت
دارد صفت خرموق سفید چهار درم توبال مس صدف سوخته
نطرون از هر یک سه درم کوفته و بیخته لبه کرده بس
ساخته طلا کنند طلائی که همین منفعت دارد صفت
توبال اشق از هر یک یک درم بوره ارمنی دو درم
ملبه کرده کهنه لبه رشته و طلا کنند و بعد از ساعتی
باب کرم بشویند طلائی که نافعست از جهت قلع
ثاالیل صفر مار و شب یمانی تخم حرمل کوفته و بیخته
بزهره کاو لبه رشته و چند نوبت طلا کنند طلائی که
سوختگی آتش را نافع بود صفت عدس مقشر کل سرخ
بزیند تا مهرا شود پس سفیداب و ارزیز جو درم روغن
کل سامیزند

طریق کشتن خبث الحدید
چنان بود که انچه ریم آهن بود
بگیرند و در کوره حداد بس انرا
چندان دفعه تبا بند و در سرکه
اندازند و بعد از آن در عصاره
نعناع افکنند آنقدر که ریزه
ریزه شود و اکر او را در عرق
نعناع افکنند مکرر و الکاه
در اب علف خردع نیکو بود
و بدین ترتیب و تدبیر نیکو
کشته شود و این را آموزه کوید
الکاه سحق کرده نیکو الکاه را

کل بیامیزند و طلا کنند طلائی که توفیل اماس کرم
کند بعد از بیماریهای دراز در پشت چشم و پشت
پای مردی پیدا شود زایل کند صفت صبر اقاقیا
مر سعد شیاف مامیثا زعفران حضض کل ارمنی
کوفته و بیخته باب عنب الثعلب طلا کنند طلائی که
صداع را نافع بود صفت زعفران افیون بذر البنج کندر
مساوی بکلاب سرشته بر صدغین طلا کنند
طلائی دیگر نیلوفر بنفشه تخم کاهو از هر یک سه درم
پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک سرخ و
سفید از هر یک دو مثقال باب کاهو سرشته بر
پیشانی و صدغین طلا کنند طلائی که اسهال و قی
را باز دارد صفت کل سرخ بیخته مر اقاقیا جلنار
مازو شب یمانی جفت البلوط و صندل سرخ و سفید

دو درم صندل
کوفته و بیخته

عدس پوست مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم
باب به بر شکم و معده و پشت معده بمالد طلا کنند طلا دیگر
کرو درم حار جگر را نافع بود صفت بنفشه خطمی از هر
جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندل
سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک تخم یاسمین تخم
کشوث نیلوفر از هر یک یکدرم شیاف مامیثا دو
درم و نیم ریوند چینی یکدرم سنبل نیم درم کو
فته و بیخته با آب گلاب و آب کاسنی طلا کنند طلا دیگر
که افراط حیض باز دارد صفت گل سرخ عدس مقشر
از هر یک پنج درم اقاقیا گلنار صندل لبن از هر یک
سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط و طباشیر از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب برغاز و چشت
طلا کنند طلا دیگر که از جهت بنات اللیل را نافع

بود

بود صفت خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم
ترمس پوست دیرینه از هر یک یکدرم شیاف مامیثا
از هر یک یکدرم و نیم آرد باقلا سه درم کوفته و بیخته
با آب کرفس طلا کنند طلا دیگر جهت سعفه و کرا اطفال
باشد نافع بود صفت سفیداب اسرب سه درم گل سرخ
دو درم گلنار زردچوبه از هر یک یکدرم کافور
موم سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته با آن مرهم بسا
زند و طلا کنند طلا دیگر که همین خاصیت دارد صفت اشنان
سبز مرداسنگ از هر یک پنج درم گل ارمنی خنفو
پوست انار از هر یک سه درم حنا و فلفل از هر یک
چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو
درم بگلاب تر ساخته طلا کنند طلا دیگر که همین خاصیت
دارد صفت بولک مهک چهار درم خامازو از هر یک

دو درم مرهم روغن دنبه طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد
صفت ابنواع(?) چغندر روغن دنبه از هر یک صد درم
جوشانند چندانکه آبش برود و روغن بماند و بعد
از آن برگ مهک(?) و حنا از هر یک پنجاه درم کوفته و
بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلائی که از جهت
سعفه که در بدن اطفال پیدا شود نافعست صفت زرد
چوبه حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن
گل و سرکه طلا کنند طلائی که از جهت سعفه کهنه نافع
بود صفت اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت
مالند و اگر صابون دقی بکلابی(?) بر نشاند تا کف برآورد دام
بعد از آن تخم بنفشه و موم سفید و روغن بنفشه با
از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند و یکساعت
بگذارند پس باب گرم بشویند سعفه را مستاصل

نماید

طریقه شستن فولاد و آهن ... [illegible]
براده فولاد و آهن ... [illegible]
در آب ... [illegible] ... بنهند
بگیرند ... [illegible]
پس ... [illegible] ... بشود
... مرتبه

طریقه شستن طلا
با آتش ...
نمک را باید با قلیاب ... [illegible]
مخلوط نمایند ... و بعد از آن تصریح(?)
در آن نمایند و بعد از آن ... در میانه
... [illegible] ... بوزن ...
شیشه کنند که بگل حکمت گرفته باشند
و ... [illegible] ... و عرق ...
با آتش تندی بگیرند و بعد از ... بوزن
عرق ... [illegible] ... بنجه
... [illegible] ... در شیشه کرده
مذکور و صفت موصوف قطره نموده
عرق میگیرند به ... باشد
مرتبه ... طلا و بسیار خوب
بسیار نازک کنند که ... کاغذ
... شیشه کوچک بقدر ده دوازده
ده مثقال از عرق مذکور بگیرد از ...
عرق و ... آن بکنند تا که ... شود

نمایند طلائی که شپش را دفع کند صفت مویزج شوره از
هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مغسول
یکدرم سرکه در روغن گل طلا کنند و اگر بجای روغن
کافور جرب کنند و بابی که در آن گل سرخ و برگ مورد
جوشانیده باشند بشویند بغایت نافع بود طلائی که همین
خاصیت دارد صفت مویزج و زرنیخ سرخ زراوند طویل
مساوی بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از
آنکه عرق کرده باشد طلائی که کلف را ببرد صفت پوست تخم
مرغ اشنان باب خربزه پرورده اردجو بیخ نی پوست
عدس لرد(?) باقلا و فوفل کف دریا مامیران چینی باب
ثوب(?) طلا کنند طلائی که ریش ببرد صفت سفیداب زرنیخ
سرخ مساوی بسیر تازه طلا کنند طلائی که اثرهای زرد سرخی
از روی ببرد صفت زراوند مدحرج شطرج هندی از هر

یک دو درم اردنخود باقلا عدس سرخ از هر یک
بجده درم بسفیده تخم مرغ تر سازند و شب طلا کنند و صباح
باب خربزه بشویند طلائی که ضعف را نافع بود سعد حنا و
نمک کوفته و بیخته بسرکه تر سازند و در حمام بمالند و
یکساعت بگذارند پس باب سرد و سبوس بشویند طلائی
که خزام را نافع بود صعتر و نانخواه و کرد زرد از هر یک
مساوی کوفته و بیخته بسرکه طلا کنند طلائی که بهق
را نافع بود زایل کند صفت صفوه کندش شطرج هندی
خردل تخم ترب ماذریون تخم حنظل انجره سیاه
و سفید مویزج سقمونیا از هر یک بجزو شقایق
دو جزو کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یک شبانه
روز و روز طلا کنند طلائی که بهق را سود دارد صفت شقایق
شطرج سقمونیا تخم ترب خردل صمغ الو از هر یک یکمثقال

کوفته

کوفته و بیخته در سرکه خیسانند یکشبانروز و روز بعد از
آنکه در حمام کیسه بر آن مالیده باشند طلا کنند و مرود
صلابت کرده باسرکه مالیده همان عمل کنند طلائی که حب
القرع و کرم دراز المفاصل کشد صفت افسنتین سه درم
بورق شفتالو درمی از هر یکی و بکوبند بر حوالی ناف
طلا کنند طلائی که چون بر سر اقرع مالند موی برآید صفت
فلفل کوفته و بیخته بزهره خوک طلا کنند طلائی که پر نبات
شعره و بروده را نافع بود صفت کندر مر از هر یک یک درم
لادن شب یمانی بورق ارمنی از هر یک دانکی و نیم موم
نیم درم صبر و عفص زیت طلا کنند طلائی که چون بر بیاض
و پشت چشم طلا کنند ابتدا رمد را سود دارد و ماده
را دفع کند صفت شیاف ماميثا صبر حضض گل سرخ صندل
سرخ فوفل زعفران مساوی بابکشنیز تازه یا آب کاسنی

اخراج

تازه طلا کنند طلائی که بر شرناف را نافع باشد صفت صبر یک درم

شیاف مامیثا اقاقیا مر از هر یک دو درم نیم درم زعفران

نیم درم کوفته و بیخته باب مورد یا اب کاسنی طلا کنند

که ورم چشم را ساکن کرداند صفت صندل مقشر صندل

سرخ از هر یک دو درم کافور دانکی و نیم باب کاسنی

بر پیشانی و جفن طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد

صبر شیاف مامیثا حضض مکی زعفران افیون اقاقیا

کل ارمنی صندل سرخ مساوی باب عنب الثعلب

طلا کنند طلائی که صداع بادرا نافع بود صفت شد

وصبر فرفیون جند بیدستر صمغ عربی عود زعفران

از هر یک دو دانک افیون دانکی و نیم باب کرفس یا

اب مرزنجوش تر سازند و بر کاغذ کشند و بر پیشانی

و صدغین اندازند طلائی که ... نافع باشد

باب طلا

صبر زعفران

111

صفت صبر زعفران اقاقیا افیون گل ارمنی صندل سرخ

شیاف مامیثا باب کاسنی یا اب عنب الثعلب طلا کنند

طلائی که سکسته را نافع باشد صفت خردل جند بیدستر

سرکه کهنه طلا کنند بعد از انکه تن استیده باشد طلائی

که لقوه را سود دارد صفت صبر حضض از هر یک درمی ز

عفران دو دانک بکلاب طلا کنند طلائی که محفوظ عینی را

نافع بود صفت صبر حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس باب

عنب الثعلب طلا کنند طلائی که الفرد او ورم حاره را نافع

بود صفت صندل سرخ شیاف مامیثا از هر یک سه درم

گل ارمنی ده درم اقاقیا حضض از هر یک دو درم همه

اندر زهر دار سنگ از هر یک درمی فیمولیا پنج درم کوفته

و بیخته باب کاسنی تیز بسند و گلولها سازند بر مثل

گنجتین و در وقت حاجت یکی را از ان باب کشنیز تازه

دهد که بیخته جرب قطر ندارد و دیگر تجربه

رسیده است صفت ان گوگرد زرد خا ... که

یک مثقال بورک ... زیتی ... تنقل

شبطرح هندی از هر یک نیم مثقال ...

... روغن ... بیست مثقال بطریق

معهود بیکدیگر ممزوج سازند شب

بمالند و صباح در حمام رفته

بشویند ... و ... ...

بشو ... ...

ببایند و طلا کنند طلائی که شکم ببربندد و اسهال باز
دارد اقاقیا مر سعد کندر کحل جوز السرو ماز و کل
سرخ املج کل ارمنی کاورس برنج عدس بلوط کلنار
بذر البنج صندل باب مورد یا آب بر طلا کنند طلائی که
بر خصیه اطفال بندند نگذارد که بزرگ شود طلائی قیمولیا
سفیداب ارزیر از هر یک دو درم شب یمانی مازو
از هر یک درمی نیک بکوبند و بیزند و بعسل
در روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلائی که استسقای
لحمی را نافع بود صفت مرتکی صدف سوخته بوره
ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی طلا کنند طلائی که
منع آبستنی کند و اگر آبستن بود بچه بیندازد صفت
سداب خشک نطرون مساوی کوفته و بیخته با آب سداب
تر خمیر شده بر قضیب مالند و بگذارند تا خشک شود

وبعد از آن

و بعد از آن مباشرت نمایند طلائی که بر آبستنی معین
باشد صفت حب بلسان جاوشیر مقل بادآورد مساوی
کوفته و بیخته با زهره گاو بر قضیب مالند و بگذارند تا
خشک شود و بعد از آن مباشرت کنند زن آبستن شود طلائی
که همین خاصیت دارد صفت بورک سنجد خشک بکوبند و با
با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مجامعت نمایند طلائی که
کراهیت عرق زایل کند صفت سک کل سرخ سنبل سعد
[illegible] از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن
طلا کنند طلائی که نسیان زایل کند صفت داستی زراوند
طویل بوک چنار کاغذ کیسه مجموع سوخته زعفران
مساوی کوفته و بیخته با آب مورد خمیر شده و گلولها
بسازند و خشک کنند و بعد از آن بغل را بخراشند تا
خون آلود شود بعد از آن یک گلوله از آن سوده در آن

مالنخولیا و یک شبانه روز بگذارند و بکوفتن تن کوبند،
طلاء کر جبین عرق کند صفته بولاء مورد مازو فیکالنا و مساوی
کوفته و بیخته با آب غوره یا آب مورد تر سازند و بر بدن
طلا کنند طلاء کر ضمادی نافع باشد صفته شب یمانی گل
سرخ مورد مرداسنگ بغل را با آب اشنان بشویند و
داروها را کوفته و بیخته تر ساخته بر آن طلا کنند طلاء
کر مغز بلات کند صفته اقاقیا شیاف مامیثا حضض مکی
گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ تر
شده بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخ کر حیض
بر آید صفته اسارون یکدرم سداب نیم درم مرداسنگ دو
درم لوبیای سرخ پنج درم عسل ده درم بجوشانند و
صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند طبیخ کر همین
خاصیت دارد هر دانزانیز تا هفت چون ایشان نیز؛

نجس

225
113

نجس شده باشد صفته افسنتین درمنه ترکی ترمس
سداب دار زیان تخم کرفس از هر یک دو درم انجبار پنج عدد
گل قند ده مثقال بجوشانند چنانکه دو سه سست و صاف نما
و سه روز متوالی باز خورند و سه روز دیگر استراحت
نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند همچنین عمل کنند تا
ادرار تمام واقع شود مطبوخ کر قی را باز دارد و معده
را قوه دهد صفته انار دانه ده درم مصطکی و نعناع
خشک از هر یک یکدرم کوفته در یک رطل آب بجوشانند
تا بر نیم باید صاف کنند و عود و سک از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته اضافه نمایند و بنوشند طبیخ کر حیض بر آید
لوبیای سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم سنبل
سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید صاف کنند
و قدری شکر اضافه کنند و هر صباح چهار درم بنوشند

بهمن کرهها منفعت دارد نسخه لوبیا سرخ اسقیون
فوه از هر یک چهار درم فودنج ده درم در پنج رطل آب
بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و قدری مصطکی اضافه
کنند و هر صباح سه درم بنوشند باب العین نسخه کر
فالج و سکته و لقوه و امراض بارده را نافع باشد تنقیه
دماغ را از اخلاط پاک کند و عسر البول را سود دارد و
اخراج مشیمه کند نسخه کندش شونیز فرفیون فلفل جند
بیدستر زراوند حب بلسان مشک عاقرقرحا بوره ارمنی
کوفته و بیخته در بینی دمند نسخه کرهها خاصیت دارد
نسخه شحم حنظل فلفل اسطوخودوس جند بیدستر
از هر یک سه درم کندش هشت درم کوفته و بیخته قدری
در بینی دمند نسخه از جهت سرعت انزال ظاهر دارد
زیبق پنج مثقال با قدری عاقرقرحا بدستور آبگینه

با آهن سنبک صلایه نمایند تا کشته شود و سه با قدری نمک
هندی داخل نمایند و مغرفه آهنی پر از سرکه سازند و
این هارا در آن مغرفه ریزند و بر سر آتش نهند و سه
مثقال روحی سوخته صلایه کرده اندک اندک بجوهر
آن میدهند و بدستور آبگینه با آهن بهم میزنند تا
بلغم شود و بعد از آن از آن جوهر مثقالی پاک بر بالا آید
اخیر در کرباس بماند بیشانند و چندان آب بجوشانند
که تمام پاک شود و چرک از آن برود پس از آن گلوله سازند
زنند و میان آن سوراخ کنند و ریسمان در آن بکشند آنها
و در آب لیمو اندازند و یک شب بگذارند تا محکم شود
مانند حجر و بعد از آن آن را در روغن تازه بجوشانند
و در اول در دهن نگاه دارند و چون خواهند که
انزال شود از دهن بیرون آورند باب الغشی

بدر الغنی

از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت نوشادر
سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا مویزج
صعتر ایارهٔ فیقرا ابوسا از هر یک هفت درم بورهٔ ارمنی
وج از هر یک نیم درم زرنباد دارفلفل دو درم کوفته
و بیخته بعسل سرشته و با سکنجبین غرغره کنند غرغره
که قروح حلق را نافع باشد صفت زاج سفید کاغذ سوخته
مازو سبز کندش زعفران از هر یک یک مثقال نمک
سوخته نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته دیگر
غرغره کنند غرغره که همین خاصیت دارد صفت مازو
سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته و بیخته
دیگر غرغره کنند غرغره که همین عمل کند صفت کندر یک درم
مازو سوخته یک عدد زنگار نیم درم کاغذ فرنگی سوخته
یک درم زعفران دانگی کوفته و بیخته در سرکه و عسل نیم

کرم

گرم غرغره کنند غرغره که فالج و لقوه و صرع را نافع بود و دما
غ را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت ایارهٔ فیقرا وج خردل
مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنج صعتر اصل السوس پوست
بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند غرغره که ثقل لسان
را و سکته و فالج را سود دارد صفت مویزج خردل زنجبیل
عاقرقرحا فلفل دارفلفل بورهٔ ارمنی ابوسا از هر یک مرزنجوش
مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که
و نفخهٔ صفرا و دموی را نافع باشد و حرارت حمیات
بنشاند صفت گل سرخ طباشیر خشخاش ستد تخم گل زعفران
از هر یک دو درم تخم کوکنار سه درم مازو و سماق از هر یک
نیم درم قند چهار درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره
کنند غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت مویزج دانگی
و نیم عاقرقرحا خردل از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بسکنجبین

علی غرغره کنند غرغره که قلاع و استرخای لثه و دفع را نافع

بود نسخه سماق برگ مورد گل سرخ زرشک جوشانیده و صاف

کرده رب توت ده درم اضافه نموده غرغره کنند غرغره که

سقوط لهات را اگر سبب آن رطوبت باشد نافعست نسخه

گلنار نیم درم شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو

مثقال اقماع الرمان تخم گل از هر یک یک درم و نیم کو

فته و بجوشانند با رب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سودائی

را سود دارد نسخه سماق گل سرخ گشنیز گلنار برگ

مورد خرنوب جوشانیده غرغره غرغره که نافعست از

جهت سرفه که سبب آن نزله باشد نسخه گل سرخ گلنار

خرنوب جوشانیده و صاف کنند و بلبن اخوان غرغره

کنند غرغره که روی را سفید و براق گرداند نسخه ارد

جو ارد باقلا ارد نخود نشاسته کتیرا تخم ترب کوفته

بخم

و بیخته لعبه سازند و شب بر روی مالند و صباح باب

گرم و سبوس بشویند غرغره که همین خاصیت دارد نسخه

ارد جو ارد باقلا ارد نخود از هر یک یک جزو عدس

مقشر کتیرا نشاسته زعفران از هر یک و مغز تخم

خربزه دو جزو سفیده تخم مرغ سرشته بمالند و صباح

باب گرم زان پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند

بشویند غرغره که همین منفعت دارد نسخه باقلا مقشر

کرسنه مقشر تخم ترب مغز تخم خربزه نخود نشاسته

کوفته و بیخته روغن بادام بشویند باب الفاء [illegible] ب الف

معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود و باه را زیاده

کند و رنگ را نیکو گرداند و دفع سرعت انزال کند

هلیله سیاه پوست هلیله زرد املج مقشر شطرج هندی

سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل سعد از هر یک

ده تخم شبت نخم کندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
صد درم عسل وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبا
روز در سرکه خیسانند و بعد از آن خشک کنند و
صلایه کنند چندانکه بر روی آب باشند بشراب فرو
نرود و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و
بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی ده درم و بعضی دو درم مسک اضافه میکنند
نیز در نوش نسیان و قولنج و مغض ریحی و امراض
زنان حامله را اگر سبب آن رطوبت باشد سود و باد
های غلیظ دفع کند صفت فرفیون عاقرقرحا سنبل
الطیب زعفران از هر یک هفت درم افیون بذر البنج
از هر یک بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
و بعد از شش ماه استعمال نمایند فرفیون معده
را

را قوه دهد و باه را زیاده کند و سرعت انزال را دفع کند
صفت پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شطرج
هندی تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه فرنفل بسباسه
خولنجان ملک از هر یک درمی پوست هلیله املج مقشر
نانخواه دار فلفل از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل
جوزبوا زنجبیل فلفلمویه از هر یک چهار درم سعد
ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید
بدرو وزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی
دو وزن و نیم ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم مربذید
زنجبیل باشیر گاو بیاشامند شاه بلوط در معده و امعا سود
دارد و معده را گرم کند و بادها بشکند صفت زعفران
ابجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز حلقوزه

از هر یک شش درم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه
شربتی یک مثقال یا دو مثقال صفت دیگر در نسخه دیگر منافع
هر دو قریب بیکدیگر است صفت زنجبیل فلفل سنبل مصطکی
نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنج از هر یک دو
درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیا یعنی معجون
مارکش نزلها باز دارد و دردها را ساکن کند نفث الدم و
اسهال و موی و قولنج و هیضه و سیلان [illegible] را نافع
بود صفت فلفل سفید دار فلفل بذر البنج از هر یک بیست
مثقال سادج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا افر
فیون از هر یک یک مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب
از هر یک چهار مثقال تخم کرفس نبطی سه مثقال و در
بعضی نسخها بعوض تخم کرفس نبطی دو قوست مجموع کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال

نمایند شربتی دانکی تا نیم مثقال از جهت اوجاع قولنج در طبیخ
شبت و از جهت درد گرده در طبیخ جعده و از جهت درد
معده در طبیخ افسنتین و از جهت سینه با سکنجبین و از
جهت گرده و مثانه در طبیخ دار بانزو و از جهت باز داشتن
خون در طبیخ سماق فلونیای استفراغ خون از هر موضع که
باشد باز دارد و رحم را قوت دهد و بادهای رحم دفع
کند و محافظت جنین نماید و اسهال و قی باز دارد و
دردها بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه زیاده
کند صفت فلفل سفید بذر البنج از هر یک بیست درم
افیون و گل مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم
فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر
یک درم زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک از هر
یک نیم دانگ کافور دانکی و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته

وبعد از شش ماه استعمال کنند شربتی یکدرم صفت دیگر
درد معده و جگر که سبب آن برودت باشد نافعست و
حمیات بلغمی و تب ربع و تبهای کهنه را سود دارد صفته
فودنج نهری قطر اسالیون سیسالیوس از هر یك دوازده
درم تخم کرفس بابونج خاشا از هر یك چهار درم کاشم یا
نوزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم کوفته و بیخته
باسه وزن ادویه عسل مصطفی لسرشند شربتی یکدرم
باب کرم فلافلی درد معده و شهوت کلی را نافع باشد
و بادها بشکند و طعام هضم کند صفته فلافل دار فلفل
از هر یك سی درم حماما سنبل از هر یك دو درم زنجبیل
تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن از هر یك
یکدرم کوفته و بیخته باسه مقابل ادویه عسل لسرشند
شربتی یکدرم باب (کرم) بنوشند (فلونیا) تمت الحلو و نعوت لثرا

نافع

هن
نافع باشد و گوشت مرده را ببرد صفته اقاقیا دوازده درم ا
زنده هشت درم شب یمانی شش درم کوفته و بیخته لسرکه
کهنه لسرشند و قرص سازند و در سایه خشك کنند و در
وقت حاجت استعمال کنند فتیله که رعاف باز دارد صفته
گلنار کندر اسپانا ناروا از هر یك نیم درم افیون دانگی کوفته
(بجزه) و بیخته بعصاره سرگین خر لسرشند و بجای عنکبوت بگرد
نند و در بینی نهند بعد از آنکه بینی را بگلاب (و سرکه) ششته
باشند فتیله که همین خاصیت دارد صفته مازوی سو(خته)
درمی کندر انداخته دو درم زاج سیاه چهار درم شب یمانی
شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله را از کتان بساز
ند و بدان بگردانند و در بینی نهند فتیله که همین نفع
دارد صفته کاغذ سوخته پوست تخم سوخته اقاقیا پوست
انار از هر یك دو درم کوفته و بیخته باب باذروج یا آب

لسان الحمل سرشته فتیله را بان تر سازند و در بینی نهند
فتیله که رکنند بینی ببرد صفت مر پوست انار ترس از هر یک
دو درم قصب الزریره بذر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج
قرنفل از هر یک یکدرم فتیله را در شراب تر کنند و دارها
کوفته و بیخته بدان الوده کنند و در بینی نهند فتیله که
ریش بینی را نافع باشد صفت زاج سیاه شب یمانی مازوی
محرق از هر یک سه درم زراوند طویل ششدرم کندر
دو درم مجموع کوفته و بیخته با جند درد و من اب بیزند
وبیالایند و بجوشانند تا بقوام اید و فتیله را بدان الوده
کنند و در بینی نهند فتیله که خشم را نافع بود صفت سعد
صبر سنبل کحل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با اب فودنه سرشند
و در بینی نهند بعد از انکه بینی را چند نوبت شسته باشند
و اگر شونیز را بریان کنند و یک شبانروز در

سرکه

سرکه خیسانند و با قدری روغن زیت در بینی چکانند
همین عمل کند فتیله که نافعست از جهت وجع کوش و
دریم کر از کوش امد صفت انزروت و شحم و مر بعسل
سرشته فتیله را بدان تر کنند و در کوش نهند
فتیله که کرانی کوش ببرد صفت انجیر سفید فربه
بشکافند و شحم و عسل از وجدا کنند و بوره و فرد
مانا و خردل کوفته و بیخته بدان بسرشند و فتیله
سازند و در کوش نهند خردل و لخیه کوفته در کوش
همین عمل کند فتیله که اخراج مشیمه کند و جنین مرده
بیرون ارد صفت زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف از
هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند و فرزجه
دارند فتیله که همین عمل کند صفت تخم خبازی خردل
سفید مقل ازرق از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران

صفت
بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که مانع آبستنی گردد
تخم خیار قوتی سرگین فیل خردل حب قلقل استخوان
زعرور مساوی کوفته و بیخته بمیعه سایله بسرشند
و بر پشم پاره بردارند هرگز آبستنی نشود و اگر آبستنی
بود بچه بیندازد و گفته اند هر زنی که حبه از حب القرع
بلع کند یک سال آبستنی نشود و اگر دو دانه دو سال فرزجه
که بچه مرده و زنده بیندازد صفت اشنان فارسی
عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک کوفته و بیخته
بروغن زیت استعمال نمایند فرزجه که در آبستنی معاون با
شد صفت سرگین بز کوهی مایه خرگوش از هر یک قدری
کوفته و بیخته بعسل کرم بسرشند و بر پشم پاره فرزجه
نمایند فرزجه که همین منفعت دارد صفت مایه خرگوش
دار چینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بکلام

سرشته

سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفت ما
میران چینی سورنجان صبر انزروت زبد البحر از هر یک
دانکی جگر مرغ فرزجه سازند فرزجه که همین نفع دارد
صفت میعه سایله جند بیدستر قسط بارزد جاوشیر
مقل مشک کوفته فرزجه سازند و بعد از چند روز
و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه که همین عمل
کند صفت مایه خرگوش سرگین او بعسل بسرشته بر پشم
پاره بردارند سه شب در شب چهارم مجامعت نمایند
فرزجه که بچه مرده را فرود آورد صفت مر جاوشیر خربق
سفید مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
استعمال نمایند فرزجه که حیض براند صفت اشنان عاقر
قرحا جاوشیر از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و
بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع حمل کند

مازو و حب الآس مساوی کوفته و بیخته باب گرم سرشته
فرزجه سازند و بعد از مجامعت استعمال نمایند فرزجه
که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود و ورم صلب رحم
را نرم کند صفت بابونه پیه بط افیون موم مساوی
بر ابریشم پاره بر دارند فرزجه که اورام را نافع بود صفت
کندر انزروت دم الاخوین حب الآس گل ارمنی اقاقیا
کوفته و بیخته باب لسان الحمل سرشته بر ابریشم پاره استعمال
کنند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ کند و
خوش گرداند صفت بسباسه سنبل مرزنجوش قسط کندر
صعتر اذخر گل خیری گل سرخ پوست ترنج کبریت مس مساوی
کوفته و بیخته بروغن بان سرشته و بر ابریشم پاره بر دا
رند فرزجه که همین خاصیت دارد صفت نعناع اذخر سعد
عود قرنفل از یک یک عنبر نیم درم مشک دانگی امله

نیم دانگ

رند
نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب سرشته و بر ابریشم پاره بر دا
که حکه رحم را بنشاند و از ابتدا الفنا گویند نافع بود
صفت سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب و
قدری سرکه بر ابریشم بپزند و بر ابریشم پاره بنهد بر گیرد فرزجه
که همین منفعت دارد صفت زعفران کافور از هر یک
دانگی مرداسنگ حب الغار نیم درم کوفته و بیخته بر
سفیده تخم مرغ در روغن گل سرشته و فرزجه سازند
فرزجه که حیض بر بندد صفت کلنار کندر مازو سرمه اقاقیا
شب یمانی کوفته و بیخته باب لسان الحمل سرشته و فر
زجه سازند و بر پشت عانه طلا کنند فرزجه که همین خا
صیت دارد صفت کاغذ سوخته اقاقیا کلنار عصاره لحیة
التیس گل سرخ مازو دو صلبه کتان سوخته مساوی کوفته
و بیخته بآب کرفس سرشته و استعمال نمایند فرزجه که حیض

براندم و بوزنه از هر یک چهار درم ابهل هشت درم سلاب
دو درم مویز منقی بیست درم کوفته بیخته کاو فرزجه ۱
سازند فرزجه بکر و بر صلب رحم نافع بود صفت کندر باد زرد
از هر یک دو درم زعفران جاوشیر اشق از هر یک یکدرم
مصطکی جند بید ستر میعه سایله روغن سوسن پیه بط
بابونه از هر یک سه درم صمغها را در مصیح حل سازند
و پیه را در روغن بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
بان بیامیزند و استعمال نمایند باب القاف قرص عنصل
پیاز عنصل کوچک لبشانند و در خمیر گیرند و در تنور
نهند تا پخته شود بعد از ان مغز از کرپوست شده باشد
بگیرند و در هاون بکوبند و بوزن ان کرسنه اضافه
نمایند و باقدری شراب لبیامیزند و دست را بروغن
کل چرب کنند و قرص سازند و بعد از ان استعمال

نمایند

123

نمایند قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیار است و انکه
در تریاق فاروق مستعمل است اشقر باید زیرا که
سیاه سخت زهرناک باشد و زهر ان بد بود و سفید
ضعیف و اشقر معتدل بود و جوان تنده است باید و
نشان جوانی انست که حرکتهای او قوی باشد
و سریع الحرکت بود و نشان تندرستی و قوت انست
که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ بود و
دلیر باشد و ماده باید زیرا که ماده ضعیفتر باشد و
نشان ماده کی انست که در دهان او چهار دندان
باشد که از انیش دندان کویند انهر جانبی دو
دایکی باشد و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نزدیک
بود و دنبال او دراز نباشد و این مار کیران کلبته
دم کویند و نیز باید که شکم او صلب بود زیرا که صلابت

علامت آن باشد که در تن او رطوبات فضله کمتر است
و سر پهن باید از برای آنکه سر پهن علامت قوت دماغ است
و میان در فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد
و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار باید
یا در اول تابستان گرفت تا قوی باشد و مأوای او در
میان درختان نباید خاصه درخت بلوط و آب نزدیک
نباید و آب زهای شوره نباید بلکه در صحرای پاکیزه
باید و بهتر آن باشد که در محلی که او را بگیرند بکشند
تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلوده نگردد و تشنه
و بیمار نشود و کشتن او چنان باید که مقدار چهار انگشت
از سر و دنبال بیکضرب بیندازند بتیشه تیز چنانکه
قطعا هیچ پوست بر و نماند و بیکضرب جدا شود زیرا
که زهر در دهان و جانب سر او باشد و فضلهای بد

در دنبال

در دنبال و چون کشته باشند نظر کنند اگر از و خون
بسیار رود تا در هر گاه حرکت کند نیک باشد و اگر نه
از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد و بدین کار نشاید و
آنکه شایسته او باشد شکم او بشکافند و پوست او باز
کنند و از آب صاف چند نوبت بشویند پس در آب
صاف و اندکی نمک با چند شاخ چوب شبت بجوشا
نند تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا کنند و بگذا رند
تا سرد شود و آب زرد از وی بپالایند و آن گوشت را بالچهار
یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کنند و بکوبند با آن
آب که از آن پالوده باشند بسرشند دست و بینی را بروغن
بلسان چرب سازند و اقراص سازند از هر یکی مثقالی
و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا نم نباشد و در
ظرف آبگینه نگاه دارند و باید که در محل شن افعی و

کوفتنی نافعی و قرص ساختنی بکیرند تا بوجان بدنا
نرسد قرص اندرو (خوردن) مستعمل در تریاق فاروق و این
نسخه اختیار حسین ابن اسحق است صفت دارشعشان
قصب الذریره اسارون عود بلسان فوه سلیخه مصطکی
از هر یک شش مثقال فقاح اذخر زعفران از هر یک
دوازده مثقال دارچینی (تمام) از هر یک بیست و چهار مثقال
الخولان بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی بسرشند
و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و
در سایه خشک کنند قرص قو (قنیون) مستعمل در مثرودیطوس
صفت مو بزمنی چهار درم اذخر و مر از هر یک دوازده
درم دارچینی مقل اطفال ناخن دیو سنبل الطیب
دوی سلیخه اکلیل الملک سعد از هر یک سه درم (قصب)
الذریره نه درم زعفران یکدرم فقر الیهود و دو درم کو (فند)

وبخته

و بیخته بسرشند و اقراص سازند قرص اندیکر (معا) در خلاصه اکبر
مستعمل است صفت حماما دارشعشان قسط قصب الذریره
قرنفل فلفل ابیض نانخواه از هر یک سه مثقال فوه یکمثقال
سنبل الطیب ساذج از هر یک هفت مثقال مرصافی دار
چینی مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و
بیخته بشراب صاف بسرشند و اقراص سازند قرصی یکمثقال
و در سایه خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت
دهد و نگذارند که فضول بان مندفع شود و چون بر پیشانی
طلا کنند صداع را نافع باشد و منع نزلات کنند و چون
با بازرد بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن
کنند و چون باب مرزنجوش در کوش چکانند درد بنشاند
و سیلان خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهنه
سود دارد و تبهای دیرینه را نافع بود و چون باب سداب

بپاشامند جمع زهرها و گزندهء جانوران را نافع باشد صفت
مر جند بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لفاح
از هر یک چهار درم زعفران افیون قسط کوکب الارض و از
تر طلق کوبند از هر یک پنج درم انیسون دوقو سیسالیوس
بذر البنج میعه سایله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغها
را در شراب ریحانی حل کنند داروها کوفته و بیخته بان
تر شند و اقراص سازند یکدرم در سایه خشک کنند قرص
طباشیر لین سرفه و خشونت سینه و تبهای محرقه را نافع بود
و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند صفت طباشیر سفید چهار درم
ترنجبین سه درم مغز تخم خیار بین مغز تخم کدو نشاسته
صمغ عربی خشخاش کتیرا از هر یک یکدرم بلعاب بزر
قطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر تبهای صفرایی
را نافع باشد و شکم ببندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند

صفت
گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی
از هر یک ده درم طباشیر سماق زرشک منقی از هر یک هفت
درم کوفته و بیخته بگلاب تر شند و اقراص سازند قرص
طباشیر مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال لبد
کهربا تخم حماض طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم
خشخاش بریان کرده پنج درم کوفته و بیخته بگلاب
اقراص سازند قرص طباشیر بر نسخه معمول دفع را
سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفت طباشیر گل
سرخ صندل سفید مغز تخم خیار بین کاسنی و کاهو و
خرفه از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون رفتن
از شکم باز دارد صفت کهربا بسد مروارید ناسفته تخم
خرفه از هر یک نیم درم شاخ بز کوهی سوخته پوست

کشنیز

بجنه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم خشخاش بریان کرده
خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم ودع سوخته
بذر البنج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا
اقراص سازند قرص طباشیر باندا و صفت سلیخه گل ارمنی
صمغ عربی از هر یک چهار درم گلنار اقاقیا از هر
یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب گلناد اقراص سازند
قرص زرشک کبیر ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را
نافع بود صفت عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه
از هر یک سه درم گل سرخ ترنجبین از هر یک شش درم
تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصاره
غافت لک مغسول ریوند چینی از هر یک دو درم زعفران
نیم درم کوفته و بیخته باب ترنجبین سرشته اقراص سازند
قرص زرشک زرشک مقشر پانزده درم تخم خرفه تخم کاسنی

تخم خیار

تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ بیخته درم ریوند چینی
سنبل از هر یک یکدرم بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
قرص زرشک [illegible] زرشک بیخته درم لک مغسول ریوند چینی
عصاره غافت سنبل انیسون مصطکی از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته اقراص سازند قرص زرشک [illegible] زرشک بیخته درم رب السوس
یکدرم و نیم مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی از هر
یک دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربتی دو
مثقال بسکنجبین و اب کاسنی و اب عنب الثعلب اقراص
سازند قرص [illegible] ورم و صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه
را نافع بود صفت ریوند چینی شش [illegible] لک مغسول منقی
از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافت از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته باب خالص اقراص سازند قرص خشخاش
ریش و سلینه و شش را نافع بود صفت گل سرخ صمغ عربی

از هریک چهار درم نشاسته کثیرا رب السوس از هریک
دو درم زعفران نیم درم خشخاش سفید و سیاه از هر
یک سه درم طباشیر بخته بآب خالص اقراص سازند
شربتی یک مثقال با دو مثقال شراب خشخاش قرص گل درد
معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفت قرص گل سرخ
شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب یک درم طباشیر
دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته و بیخته بمنفتح
سرشته قرص سازند قرص ورد بنحو دیگر اقوی از اول
صفت گل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث افسنتین
از هریک چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام
اذخر از هریک کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص
ورد بنحو دیگر شطر الغب و تبهای مرکبه را نافع بود و
معده قوت دهد صفت گل سرخ اصل السوس از هریک

چهار درم طباشیر سنبل افسنتین از هریک دو درم تخم
کشوث سه درم بگلاب قرص سازند قرص غافث یرقان
و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهنه را نافع باشد و سده
بگشاید صفت عصاره غافث بیست درم سنبل ده
درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته بآب صافی
سرشند و اقراص سازند قرص کاکنج قروح کلیه و
مثانه و بول الدم را نافع بود صفت مغز تخم خیار و تخم
کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی
دم الاخوین کثیرا کندر از هریک ده درم تخم کرفس
افیون یک درم بآب صافی اقراص نمایند شربتی یک درم
تا یک مثقال قرص مقل درد معده را نافع بود صفت گل سرخ
ده درم سنبل الطیب یک درم زعفران مر از هریک یک
درم قسط مغز بادام تلخ از هریک درم و نیم مصطکی دو درم

ونیم مقل سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته با وی سرشته و اقراص سازند قرص کافور
و تب گرم را سود دارد صفت زرشک منقی طباشیر گل سرخ
از هر یک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از
هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک
پنج درم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور
یک درم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی
دو درم با سکنجبین بزوری قرص کافور بر نسخه دیگر تب
دق و تب محرقه را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت
طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم تخم کاسنی
رب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز
تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت درم [illegible]
ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا اقراص

سازند

سازند قرص شبرم استسقا و تب را نافع بود صفت شبرم
هلیله زرد و ساوی کوفته و بیخته قرص سازند شر
بتی دانگی با سکنجبین [illegible] افزایند قرص لک
استسقا و طحال را سود دارد و سده بگشاید صفت لک
مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند
مدحرج حبطیانا سنبل مصطکی تخم کرفس انیسون نانخواه
اذخر ابهل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافث
از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یک درم
شربتی یک مثقال قرص افسنتین درد معده کرا از پیش طعام بدل
شود سود دارد صفت افسنتین تخم کرفس انیسون از هر دومی
یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل چند بید ستر
از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب صاف اقراص سازند
قرص افسنتین بر نسخه دیگر حمیات بلغمی و عسر البول و یرقان

معده و جگر را نافع بود و سده طحال و کبد را بگشاید

صفت افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی

کوفته و به آب خالص سرشته کنند و اقراص سازند شربتی

یک مثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافعست و سده بگشا

ید صفت پوست بیخ کبر اشق از هر یک چهار درم زرا

وند طویل دو درم تخم فنجنکشت فلفل از هر یک شش

درم اشق را در سرکه کهنه حل کنند و باقی ادویه را

کوفته و بیخته بدان سرشته کنند و اقراص سازند قرص انیسون

تب بلغمی و جگر ضعیف را نافع بود صفت انیسون افسنتین

مغز بادام تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم عصاره

غافث ساذج هندی اسارون از هر یک سه درم

مصطکی تخم کرفس از هر یک یک درم کوفته و بیخته به گلاب

سرشته کنند و اقراص سازند قرص ایارج شربتی یک درم با

طبیخ افسنتین سپرز صلب را نرم سازد صفت ایرسا

چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در

سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان سرشته کنند

و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجنکشت

سده سپرز و جگر بگشاید تخم فنجنکشت تخم کاسنی

تخم خرفه تخم مغز کدو مساوی کوفته با سکنجبین سرشته

و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فوه

طحال را نافع بود صفت فوه دوازده درم پوست بیخ کبر

ایرسا زراوند طویل از هر یک دو درم کوفته و بیخته

با سکنجبین سرشته کنند و اقراص سازند و در طبیخ افسنتین

استعمال نمایند قرص عود قی و هیضه را باز دارد صفت

عود چهار درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم

قرص عود هندی دیگر معده را قوه دهد و طعام را هضم

کندر واشنها اورد صفت قرنفل مصطکی از هر یک سه
درم فاقله سنبل بسباسه از هر یک دو درم عود خام
قرنفل پوست ترنج از هر یک نیم درم زعفران جوز بوا
زنجبیل دارفلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن
ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند قرص [illegible] قی و هیضه
باز دارد صفت کندر سه درم قرفه نیم درم کبابه چینی
قاقله از هر یک دو درم مشک و کافور دانگی
قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی یکمثقال
باده درم شراب انار منعنع قرص آس [illegible] قی و هیضه باز دارد
و خواب آرد صفت قرنفل ده درم سلیخه قرفه دارچینی از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص حب
الآس اسهال قی باز دارد صفت سماق حب الآس کرمانی
گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از هر یک دو درم

مقل

مقل یکدرم پوست انار مازو از هر یک نیم درم کوفته
و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب سبب قرصی
که قی بلغمی و سوداوی باز دارد و معده را قوت دهد صفت پوست
[illegible] گل سرخ از هر یک چهار درم عود خام
از هر یک نیم درم سلیخه نیم درم کوفته و بیخته با آب سبب
قرص سازند شربتی یکمثقال قرص [illegible] قی الدم را نافع بود
صفت [illegible] ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی
از هر یک چهار درم کثیرا گل مختوم از هر یک سه درم
دارچینی یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
یکمثقال با شراب الخشخاش قرص [illegible] قریب المنفعت است بعرض
[illegible] صفت سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول دم الا
خوین از هر یک سه درم گلنار مازو از هر یک دو درم
شاخ بز کوهی محرق اقاقیا از هر یک دو درم لادن

زعفران از هر یک سه درم بوسیا وشان یک درم و نیم
کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم
قرص الطین در جرب مثانه و بول الدم را نافع بود صفته گل مختوم
طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه مقشر تخم خرفه
خرنوب مغز تخم خیارین مساوی کوفته و بیخته بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند قرص سنبل ورم سبب جگر
و معده را نافع باشد صفته سنبل فقاح اذخر حب الجزر
ریوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران
انیسون مرسطیح فلفل از هر یک یک درم مقل مصطکی
از هر یک دو درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن
سرشته قرص سازند شربتی دو درم [illegible] درم
معده با مثلث و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند

قرصی

بلغمی
قرص کهربا ترکیب جالینوسی است سپرز صلب را بگدازد
صفته کزمازج چهار مثقال فلفل سفید اسارون اشق از
هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کرده و
داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن سرشته و اقراص
سازند شربتی دو مثقال با سکنجبین قرص کهربا با بر شخص
دیگر بول الدم را نافع بود صفته کهربا صمغ عربی
نشاسته کثیرا تخم کدو از هر یک سه درم گلنار
اقاقیا از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم بسد
خرفه قرص نشاسته همان خاصیت دارد صفته شب یمانی شاخ
گوزن محرق کهربا گل ارمنی گلنار از هر یک سه درم
صمغ عربی دو درم کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص سازند
و با شراب حب الآس بدهند قرص بزوری جرب مثانه و

نافع بود مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنجاه درم مغز
تخم کدو و تخم خطمی مغز بادام شیرین کتیرا نشاسته
رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر
یک دو درم بذر البنج یک درم کوفته و بیخته اقراص سا
زند و بشراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع بود
صفت بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار
کشنیز گل سرخ از هر یک پنج درم رب السوس گل ارمنی
نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یک مثقال سنبل نیم
درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال قرص
بنفشه بد لشخر دیگر چون با تب و سرفه قبض طبیعت باشد
نافع بود صفت بنفشه ده درم تربد سفید پنج درم رب
السوس سه درم گل سرخ پنج درم و نیم سقمونیا سه درم
مصطکی یک درم و نیم شربتی یک مثقال بجلاب دهند قرص بارتقون

سپیز

سپیز غلیظ بگدازد صفت غاریقون گل سرخ از هر یک پنج درم
طباشیر یک مثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
سه درم با گلقند قرص مجموع کرد شوار عا وضع حمل را
آسان گرداند و بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون
آرد صفت مر جاوشیر از هر یک یک درم حلتیت نیم درم
مجموع یک شربت است با آب سداب یا طبیخ حلبه دهند
و بخور ایضا همین عمل کند قرص کرفی الدم را نافع بود
صفت اقاقیا تخم گل افیون بذر البنج گل ارمنی گلنار صمغ
عربی مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند
شربتی نیم مثقال با رب به یا رب سیب قرص کهربا بد لشخر دیگر
اسهال دموی را و افراط خون بواسیر و حیض را نافع
بود صفت خشخاش کهربا مصطکی از هر یک ده درم

زعفران دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص
سازند قرص خاص معده را قوت دهد و منع اسهال باز دارد
صفة گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک بریان
کرده از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زرشک کرمانی
مصری یک مثقال کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص لک بر تبخیر دیگر صفة لک مغسول نوره تخم کرفس
عنب الثعلب از هر یک یک درم [illegible] انیسون دو وق
از هر یک مثقال تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم
کوفته و بیخته اقراص سازند قرص [illegible] سیاه [illegible]
تبهای حاره و یرقان را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفة
گل سرخ ترنجبین از هر یک پنج درم طباشیر مغز تخم خیار
از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم
کدو دو درم رب السوس یک مثقال کافور دانگی و نیم

کوفته

کوفته اقراص سازند قرص الجلنار اسهال و [illegible] را و افراط طمث
و قی الدم را نافع باشد صفة بیخ لفاح چهار درم گل سرخ
صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار
نشاسته گل ارمنی [illegible] طباشیر رب السوس از هر
یک دو درم اقاقیا یک درم و نیم کوفته و بیخته با آب مورد
قرص سازند قرص کبر اسقنقور نافع است صفة گل
سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دار
چینی افسنتین از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص
سازند قرص کهربا خاصیت دارد صفة مغز بادام
تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته
قرص سازند قرص [illegible] تخم کرفس انیسون دارچینی از
هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم
فلفل [illegible] جند بیدستر از هر یک دو درم [illegible]

خالص اقراص سازند شربتی بکمثقال کرفوافق
امتلای جگر را نافعست قطالح صبر سقوطری از جز
تمام فودنج کوهی نعناع کوهی خشک سه بتخم
کرفس کمون اسارون از هریک یکدرم افیون دانگ
و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بمثلث سرشته
قرص سازند خون شکم و ترخر و نفث الدم را نافع
باشد گل مختوم گل ارمنی قرط طباشیر
طراثیث بلوط اود کنار حب الآس از هریک دو
دو درم تخم حماض بوجی صمغ عربی گلنار از هریک
چهار درم نشاسته گل سرخ از هریک سه درم
تخم کرفس سماق مصطکی از هریک درمی ما
زو و زیره کرمانی در سرکه خیسانند و بریان کرده
از هریک مثقالی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا

قرص سازند

قرص سازند قرص سرطان دق و نفث الدم را نافع باشد صفته
گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هریک
شش درم سرطان سوخته ده درم کثیرا شادنج
مغسول از هریک پنج درم رب السوس سه درم
تخم کرفس سماق مصطکی از هریک یکدرم مازو
و زیره کرمانی در سرکه خیسانیده کوفته و بیخته
باب لسان الحمل اقراص سازند قرص حمل تخم خیارین
ده درم تخم خرفه اصل السوس از هریک چهار
درم طباشیر جلد سرطان محرق از هریک دو درم
نشاسته کثیرا از هریک یکدرم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی یکمثقال سرشته
قرص کهربا اسهال و سعال و نفث الدم را نافع بود
صفته تخم حماض بریان کرده زرشک منقی نشاسته

طباشیر حب الاس شاه بلوط از هریک پنج درم
زعفران یکدرم کل مختوم صمغ عربی از هریک
ده درم کهربا بسد از هریک سه درم کوفته و
بیخته باب خلاف حب سازند شربتی دو درم قرصی
کافلج قدیم را نافع بود صفت رب السوس صمغ عربی
نشاسته مغز تخم کدو از هریک دو مثقال
انزروت مربی ریوند چینی از هریک یکمثقال
مغز بادام سه مثقال بلعاب بزر قطونا و لعاب
مرسرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص
مسک نسخه بعد ذکر یافت معده و دل
و جگر را نافع بود صفت مصطکی قرنفل عود
دارچینی سنبل مشک جوزبوا کبابه هل
پوست ترنج فاقله از هریک مثقالی مشک
دانکی

دانکی کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند
شربتی یکمثقال قرص نسخه ثابت بن قره حب الاس تخم حماض
مقشر از هریک دو درم صمغ عربی نشاسته از هریک
یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
شربتی دو درم قرص دیابیطس به نسخه دیگر طباشیر رب السوس
از هریک دو درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه پانزده درم
کل سرخ کشنیز خشک از هریک پنج درم اقاقیا صندل سفید
کل ارمنی کلنار دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بکلاب
قرص سازند شربتی سه درم باب انار ترش صفت کندر
دم الاخوین کلنار از هریک دو درم شب یمانی دو درم و نیم
افیون دارچینی از هریک دو درم مجموع یاده قرص سازند
شربتی یکعدد باب خرفه قرص اسهال دم و دماغ را قوت دهد

قرص اثابتیجی سعدیه
طباشیر هندی رب السوس
٢م ٢٢
تخم ورد تخم کاهو تخم حماض
٧م ٧م ١م
تخم کز کل ارمنی صندل نشسته
١م ١م ١م
کلنار ترتیب تخم خرفه کافور
١م ١م ١م نیم
کندر سپید باب کاهو دقراص
سازند بقدر یکمثقال
شربت هر قرص یا ره قرص

ويرقان وخفقان حار را نافع باشد صفت گل سرخ دو درم

بسد طباشير مرواريد نا سفته صندل سفيد از هر يك يك درم

مغز تخم خيارين مغز تخم كدو از هر يك نيم درم تخم خرفه سه درم

زعفران نيم درم كوفته بلعاب بذر قطونا قرص سازند شربتي

يكمثقال با سكنجبين قرص كرب وصداع وسرسام را نافع است و تشنگي

بنشاند وخواب آورد و هذيان دفع كند صفت مغز تخم خيارين

مغز تخم كدو و تخم كاهو از هر يك ده درم رب السوس نشاسته

كثيرا افيون از هر يك سه درم كوفته باب كاهو بلعاب بذر

السوس قطونا قرص سازند شربتي يكعدد يا دو عدد قرص ذات الجنب

ده درم بنفشه دو درم نشاسته كثيرا تخم خطمي دانه از هر يك

سه درم كوفته و بيخته بلعاب بزرك و بذر قطونا و بهدانه سرشته

قرص سازند شربتي سه درم بشراب بنفشه قرص فواق معض فواق

امتلائي

امتلائي را نافع است صفت كندر پنج درم راسن فودنه سداب

تمام از هر يك سه درم صعتر نانخواه سعد از هر يك دو درم و نيم

بگلاب قرص سازند شربتي يكمثقال بطبيخ زيره قرص ٢ استسقا بماذريون

ذقي حاد را نافع باشد صفت تخم كاسني ده درم ماذريون غاريقون

عصاره غافت است از هر يك دو درم و نيم كوفته و بيخته مجموع را

ده قرص سازند و هر روز يك قرص بدهند قرص ١ استسقاء حار و فساد

جگر و سپرز را كه با سهال بود نافع بود صفت طباشير گل سرخ

گلنار زرشك سماق كزمازج تخم حماض تخم كاسني فرنجمشك

تخم خرفه از هر يك يك درم سعد فقاع اذخر انيسون سنبل

ريوند لك پوست بيخ كبر افيون از هر يك نيم درم كافور دانگي

كوفته و بيخته قرص سازند شربتي سه درم قرص افتيمون قولنج را

مستاصل نمايد صفت بليله افتيمون از هر يك ده درم سكبينج بيخ ذم

کوفته وبیخته قرص سازند وهر روز یک قرص بماء الاصول بدهند
قرصی که نافعست زحیر را که بآن ریاح وقراقر باشد وحرارت صفت
نباشد بذر البنج شبت زیانه ازهر یک پنج درهم نانخواه دو درم
ونیم افیون سه درهم تخم کرفس ده درم کوفته وبیخته اقراص سازند
شربتی یکمثقال قرص اسهال دموی اسهال دموی وغیر دموی را نافعست صفت
مازو خرنوب کزمازج کلنار ازهر یک یکجزو افیون صمغ عربی
ازهر یک نیم جزو کوفته وبیخته اقراص سازند شربتی دو درم
برب به قرص طباشیر اسهال بافراط حرارت را نافع باشد
طباشیر کل سرخ تخم کاهو تخم خرفه سماق ازهر یک نیم درم
تخم حماض یکدرم ونیم کافور دانکی باب خالص قرص
سازند شربتی یکدرم قرص اسهال باسرف را نافع باشد
حب الاس ده درهم پرسیاوشان مغز تخم خربوزه ازهر یک

پنج درم

پنج درم رب السوس صمغ عربی ازهر یک یکدرم ونیم کوفته
وبیخته اقراص سازند شربتی سه درم قرصی
که بول الدم را نافع باشد صفت مغز تخم کرفس دو درم
کوفته اقراص سازند شربتی دو درم باب خشخاش
قرص که حیض براند وتسهیل ولادت کند صفت
مر سه درم ترمس پنج درم سداب فودنه قردمانا
مشکطرامشیع فوه جلبنست جاوشیر سکبینج ازهر یک
دو درم کوفته وبیخته قرص سازند شربتی دو درم
بطبیخ ابهل قرص عشر الاذ تب ربع ووجع کبد که ترهل
نافع باشد صفت انیسون عصاره غافت ازهر یک چهار
درم اسارون ساذج هندی افسنتین تخم کرفس
سنبل مغز بادام تلخ مصطکی ازهر یک یکدرم

صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند
شربتی یکدرم باب گرم قرص منوم حار تخم شبت دو درم
زعفران بزر البنج میعه از هر یک یکدانگ افیون یک سوج
کوفته و بیخته بلعاب حلبه قرص سازند شربتی
یکمثقال قرص منوم بارد تخم کاهو خشخاش با قاقلا مقشر
تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یک طسوج
کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا قرص سازند
قرصی که نافعست از جهت افراط خون
بواسیر مقعد مرجان کهربا ودع سوخته
گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله سیاه
بلیله آمله مقشر از هر یک پنج درم تخم گندنا سه
درم مقل ده درم در آب کند تا نشسته حل
کند

کنند و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند و قرص
سازند شربتی سه درم باده درم آب آهنکری
قرصی که قی و هیضه را باز دارد و طبع ببندد
و خواب آورد مسک قرنفل از هر یک ده درم
کزمازج پوست انار مازو از هر یک پنج درم افیون
دانگی کوفته و بیخته برب به بسرشند و قرص
سازند شربتی یکدرم و نیم قرص مقعد فرنجو به
مغز بادام تلخ از هر یک یکجو و مقل را در سرکه
کهنه خیسانند سه روز متوالی زرد چوبه
و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند و بایکدیگر
نیک صلایه کنند و اقراص سازند و در وقت
حاجت باب کاسنی بسایند و طلا کنند

قرص ثلث
صداع شقیقه وسر را نافع باشد چون
بر پیشانی طلا کنند صفته افیون مصری مر
مکی لادن کافور زعفران بذر البنج پوست
بیخ لفاح از هر یک پنج درم کندر انزروت آمله
گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته وبیخته بگلاب
واب کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو
اقراص دیگر ممتاز باشد ودر وقت حاجت استعمال
نمایند اکله دهن ولثه را نافع باشد وعفونة
دفع کند صفته زرنیخ زرد وسرخ وآهک زنده و
زاج از هر یک ده درم شیب یمانی اقاقیا گلنار از
هر یک یک درم زنگار قلقطار از هر یک پنج درم کوفته
در سرکه خیسانند ویک هفته در افتاب بگذارند

وبعد از

وبعد ازان اقراص سازند ودر سایه خشک کنند
ودر وقت احتیاج دانگی ازان بلثه ودهن پاشند
ویکساعت بگذارند وبعد ازان روغن گل قدری
در دهن نگاه دارند بعد ازان که سبل جمه
باشد استعمال نماید صفته نوشادر مس سوخته از هر یک
دو درم توتیا واز ده درم کوفته وبیخته بزرده تخم
مرغ بسرشند ودر پوست تخم مرغ کنند ودر گل حکمت
گیرند ودر کوزه فخاری بگذارند تا پخته شود بعد
ان صلایه کنند استعمال نمایند که نافعست
ازجهت قرحه گوش وچرک گوش پاک کند صفته انزروت
صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر زنگار
خبث الحدید کوفته وبیخته بسرکه در گوش

چکانند بعد از انکه چند نوبت بماء اصل چکانیده
باشند و فتیله را بدان تر بسازند و باد و به مذکوره
بکردانند و در کوش نهند قطور درد کوش که از کرمی
باشد ساکن بکند صفة روغن کل و سرکه از هر یک
شش درم و باتش نرم بپزند و چندانکه سرکه برود
و روغن بماند و نیم کرم در کوش چکانند قطور که طنین
و کرانی کوش برد صفة کندر زعفران فرفیون جند بیدستر
خربق سفید مر از هر یک سه درم نطرون بوره
از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته در شراب حل کرده
قطور که کرم کوش را بکشد صفة اب برک شفتالو برک ترب
از هر یک پنج درم خربق سفید بوره ارمنی از هر یک یک درم
و نیم سقمونیا افسنتین زراوند از هر یک یک درم و نیم
کوفته

کوفته و بیخته با ابهای مذکوره بیامیزند و در افتاب
نهند تا خشک شود بعد از ان بسایند و در کوش چکانند
قطور درد کوش که از سردی باشد ساکن کرداند
صفة افیون جند بیدستر از هر یک دو درم و در دهن
بنفشه بپزند تا بقوام اید در روغن سوسن حل کنند
و نیم کرم در کوش چکانند قطور که طبرش را نافع باشد صفة
خربق سفید یکمثقال جند بیدستر یکمثقال نطرون دانکی
کوفته و بیخته با سرکه کهنه در کوش چکانند باب
سرکین اسب تازه در کوش چکانند یا اب ترب
یا عسل بجوشانند در کوش چکانند قطور که درد کو
ش را نافع باشد صفة افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم
روغن کنجد چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر

صمغ
مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند که همین خا
دارد زهره گاو تازه دو مثقال روغن خیری ده
مثقال بجوشانند تا تری زهره برود و روغن بماند
و قطره در گوش چکانند که درد گوش بارد ببرد
سیر نیمکوفته با زهره گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش
چکانند که نافعست از جهت آبی که در گوش د
باشد آب ترب و پیاز بجوشانند و اگوش چکانند در
که گرانی گوش را ببرد شحم حنظل سه درم بوره ش
ارمنی یکدرم جند بید ستر زراوند قسط فرفیون افسنتین
از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
گلولها کنند و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام
تلخ بسایند و نیم گرم در گوش چکانند که شب کوری را

بمرده

ببرد آب سداب و آب گشنیز مساوی بجوشانند
تا به نیمه آید و دو سه نوبت در گوش چکانند
که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را
نافع باشد سفیداب کندر انزروت صمغ عربی
نشاسته دم الاخوین مساوی [illegible]
زند و در وقت احتیاج یکی از آن بشیر دختر
بسایند و بچکانند که دوی و طنین و گرانی
گوش را نافع باشد شحم حنظل یکدرم بوره ار
منی نیم درم جند بید ستر زراوند مدحرج از هر یک
یکدرم عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک
دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
گلولها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام

دو قطره در گوش چکانند [illegible] استسقای
برودت معده و تبهای کهن و سرفه بلغمی و ضیق
النفس و قولنج و صرع طحال و سلعه بلغمی و بهق و ا
ختناق رحم را سود دارد و بول بگشاید [illegible] هلیله
سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک هفت درم فلفل
دار فلفل زنجبیل فلفلمویه نمک هندی سرخ نمک
هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد نمک ...
لسان العصافیر شیطرج هندی سعد خربوا قرفه
قرنفل صعتر برنک کابلی مقشر شونیز حب النیل زیره کرمانی
سابج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از هر یک پنج درم
ترید سفید صد و پنجاه درم فلوس خیار شنبر ده درم
مویز منقی نیم من شیره آمله یک من مویز و آمله را در شش
من آب

من آب بریزند تا بد و من آید و بپالایند و خیار شنبر
در آن حل کنند و سه من فانید هم در آن آب بگذا
رند و نیم من روغن کنجد بان بیامیزند و بجوشانند
تا بقوام آید و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بان
بسرشند و شربتی پنج درم با شیر شتر یا آب عنب
الثعلب [illegible] استسقای حار را نافع باشد [illegible]
مازریون مدبر غاریقون مغز پوست هلیله زرد
از هر یک پنج درم عصاره افسنتین سه درم بیخ سوسن
گل سرخ تخم کاسنی مغز تخم خربزه رب السوس از
هر یک دو درم ترنجبین فلوس خیار شنبر و فانید
بحری از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورند
و داروهای دیگر را کوفته و بیخته بان بسرشند و

شربتی دو درم تا چهار درم معجون حابس نافعست استفراغ را
که با او حرارت نباشد صفت ماذریون مدبر غاریقون
پوست هلیله زرد سکبینج از هریک پنجدرم ایرسا دو درم
ریوند چینی عصاره غافت سنبل الطیب از هریک دو
درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه
درم تا چهار درم سفوف برودت معده و شهوت کلبی
و حمیات بلغمی و سودائی و افواق بلغمی و امتلائی
و فتق و قولنج ریحی را نافع باشد و بادها بشکند
صفت زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده
درم زنجبیل سداب از هریک بیست درم بوره ارمنی
پنجدرم دار فلفل بیست مثقال عسل سه وزن ادویه
معجون سازند چنانکه رسمست شربتی یکمثقال کحل زعفران

حکه

حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافعست صفت
زعفران سنبل از هریک دو درم دار فلفل یکدرم فلفل سفید
کافور از هریک دانگی و نیم نوشادر نیم درم ماذو سه درم
کوفته و بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت دارد
صفت شادنج مغسول دو درم دم الاخوین سادج هندی
سنبل دار فلفل از هریک نیم درم ماذو یکدرم قاقله مشک
از هریک یکدانگ کافور نیم دانگ کوفته و بیخته بدان اکتحال
نمایند کحل الجواهر توتیای هندی توتیای کرمانی طباشیر
فیروزه یاقوت هرلون که باشد مرجان سرخ و سفید
سرطان بحری بعر ضب سادج هندی مامیران چینی دار
فلفل سنبل هلیله زرد آمله اشنه نمک هندی قرنفل
سرمه اصفهانی از هریک یکدرم شیاف مامیثا مار قشیشا

نقره از هریك نیم درم تصویل نموده بطریق معهود پس بمیل مس
یا زر سرخ در چشم کشند کروهی کفته اند باید که سرمه نیم
و تمام اجزای یمنی که اصل سرمه است کحل دیگر توتیای مغسول
ده درم بسد هلیله زرد صبر از هریك چهار درم فلفل نیم
درم دار فلفل یك درم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل
الجواهر بصر را قوت دهد و تیز کرداند صفت سرمه اصفهانی
هفت درم مارقشیشا پنج درم اقلیمیا طلا دوازده درم مروارید
ناسفته سه درم زعفران نیم درم سادج هندی دو درم
صلایه کرده استعمال کند و در چشم کشند کحل الجواهر
به نسخه دیگر صفت سرمه نیم درم توتیا چهار درم بسد ما
رقشیشا از هریك دو درم مروارید ناسفته هفت درم
سادج هندی یك درم مشك یکطوج صلایه کرده چنانکه .

دسم

رسمست استعمال نمایند کحل الجواهر سرمه اصفهانی توتیای
هندی از هریك ده درم مارقشیشا مرجان سرخ دهانه فرنك
عقیق سرخ طلا و نقره ماميران چینی فلفل سفید دار فلفل
اقلیمیا طلا و نقره ردی سوخته از هریك چهار درم مرجان
بحری مروارید ناسفته سادج هندی از هریك شش درم
یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توبال مس سوخته
از هریك ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنائی
نافعست از جهت ضعف بصر و شبکوری صفت مس سوخته
شادنج مغسول از هریك پنج درم زنکار بوره ارمنی صبر
سقطری سقوطری از هریك یك درم اقلیمیا دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند کحل ملوك غزنوی بصر را تیز کند و تاریکی چشم را
ببرد و دمعه و سبل را نافع باشد صفت سرمه اصفهانی

نزود
توتیای هندی مس سوخته از هریك دو درم پوست هلیله
مادج هندی فوفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران
سرطان بحری از هریك یك درم زنجبیل نیم درم کافور نیم دانك
مشك سه حبه قرنفل دو دانك صلایه کرده در چشم کشند
کحل یاقوتی بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را
سود دارد صفت شادنج مغسول سابج هندی از هریك
یك درم دارفلفل درم الاخوین از هریك نیم درم دری سوخته
مازو از هریك یك درم قاقله مشك از هریك دانگی کافور یك
طوج کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند کحلی که بیاض و آثار
قروح از چشم برد و شیرم را نافع بود صفت زبد البحر اقلیمیا نقره
سفیداب ارزیز مس سوخته از هریك چهار درم سنبل
مرواريد نا سفته از هریك دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت

بعر الضب نشاسته بسحفونیا از هریك یك درم کوفته و بیخته
استعمال کنند کحلی که نزول آب را نافع باشد صفت
زهره بز کوهی ده درم شحم حنظل یك مثقال فرفیون
نوشادر از هریك نیم مثقال سکبینج نیم درم کوفته و
بیخته باب رازیانه یا آب سداب بسرشند کحلی
که مجرب و باشد صفت استخوان خرماه سوخته دخان
کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هریك سه
درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن
کشند کحل نقشبی تاریکی چشم برد و دمعه و جرب و
حکه را نافع باشد صفت شادنج مغسول دو درم
درم الاخوین دانگی دری سوخته دارفلفل سنبل الطیب
از هریك نیم درم سادج هندی دو دانك قاقله

منند از هریک دانکی کافور نیم دانک کوفته و بیخته
استعمال نمایند صفت که صبح چشم را نکاه دارد صفت
توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم صبر سقوطری
حضض مکی از هریک یک درم کافور نیم دانک کوفته و
بیخته باب غوره یا آب سماق به بیزند و در سایه خشک
کنند و صبح و شام در چشم کشند صفت کل زرد
پاک چهار درم بکوبند و به بیزند و یکمن کاغذ و
نیمن نمک در آب کنند و بدست می مالند تا حل
شود بعد از ان کل بر سر آن کنند و یک چهاریک موی
سر آدمی بمقراض چیده و چهاریک سرکین اسب بیخته
داخل کنند و نیک بمالند و هفت روز باب تر میکنند
و بسرشند علانکاه وصله وصله و خشک کرده اند و در دقت
فقط

حاجت آنمقدار که خواهند بکوبند و باب بسرشند
استعمال نمایند باب لعاب لعوق سپستان سرفه و خشونت
حلق را نافع باشد و سینه را نرم کند و نفس را آسان
کرداند و طبع را نرم کند صفت سپستان دویست عدد
مویز منقی چهل درم فلوس خیار شنبر پانزده درم در شش
رطل آب بجوشانند تا بدو رطل رسد و بدست
بمالند و صاف کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند
و بقوام آورند لعوق زوفا ربو و سرفه کهنه را نافع باشد
و سینه و شش را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت زوفاء
خشک بیخ سوسن از هریک بیست درم در سه رطل
آب بجوشانند تا بو رطل آید صاف کنند با رطلی قند سفید
بقوام آورند لعوق صبر اطفال سرفه بلغمی را نافع بود و

وسینه را از اخلاط پاک کند صفت تخم تره تیزک ده درم
اصل السوس چهار درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم
مجموع نیم کوفته در ده رطل آب بجوشانند تا بو رطلی آید صاف
کند با یک رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق [illegible]
ربو و سعال مزمن را نافع بود سینه را از اخلاط پاک
کند و بر نفس اعانت کند صفت بزرک بریان کرده شش درم
فرمانا ده درم کوفته بعسل بسرشته و لعوق سازند
لعوق [illegible] سل و قرحه شش و سرفه حاد را نافع باشد صفت
نشاسته کثیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار
مغز تخم جلغوزه صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید
شصت مثقال کوفته و بیخته بروغن بادام و عسل سفید
بسرشند و استعمال نمایند لعوق [illegible] خشونت حلق و غلظ صوت را

نافع باشد

نافع باشد و سینه را نرم کند و نفس را ساکن کند صفت
بزرک ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم
کثیرا اصل السوس و مغز جلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک
ده درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق
بادام سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود دارد صفت
صمغ عربی کثیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز
تخم کدو و مغز بادام از هر یک پنج درم قند سفید
بیست درم کوفته و بیخته بجلاب بسرشند و بروغن بادام
چرب سازند و لعوق نمایند لعوق [illegible] سعال مزمن
را نافع باشد و فضل لزجه را از سینه دفع کند و بر نفس
یاری دهد صفت رب السوس کثیرا بادر و مغز بادام و زوفا
مساوی کوفته بعسل صاف و روغن بادام بسرشند و بلیسند

لعوق [illegible] ربو و سعال مزمن را که با رطوبات باشد نافع بود
صفته پیاز عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون زوفا
از هر یک درمی کوفته بعسل مصفی بسرشند و لعوق سازند
لعوق که سرفه خشک را نافع باشد و سینه را نرم کند صفته
رب السوس بهدانه مقشر از هر یک ده درم باقلا نشاسته
کتیرا صمغ عربی شحم حنظل تخم خطمی مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم خشخاش ده درم مغز
بادام مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را در روغن
بادام بریزند و ادویه دیگر کوفته و بیخته بان بیامیزند
و با منفتح بسرشند و لعوق سازند مغز خیارشنبر به نسخه
یحیی ابن ماسویه درد حلق و تب و تشنگی و خشونت
زبان را نافع بود صفته عناب پنجاه دانه سپستان صد دانه

تخم خطمی

تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست و پنج درم بنفشه اصل
السوس نیمکوفته از هر یک پانزده درم کتیرا نشاسته ده درم
بذر قطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند
تا بثلثی آید صاف کنند و پنج درم مغز خیارشنبر در آن مالند
و دیگر باره صاف کنند و یک رطل منفتح و سی درم فانید
داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه
بادام بلیسند لعوق خشخاش سل و قرحه امعاء و نزف دم و
سرفه بلغمی را نافع باشد صفته پوست خشخاش سفید پنجاه
درم در دو رطل آب بجوشانند تا بیک رطل آید و یک
رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام عسل آید
بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز کدو از هر یک
پنج درم کوفته بان ممزوج سازند شربتی ده درم بلیسند

لعوق خشخاش به نسخه دیگر نزله گرم رقیق را نافع باشد صفت
تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک
چهار درم مغز تخم کدو مغز بهدانه شیرین از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بگلاب بسرشند لعوق نمایند لعوق حب
القطن سینه را از اخلاط پاک کند صفت مغز بادام شیرین
دو درم مغز پنبه دانه دو درم آرد باقلا پنج درم کرسنه
و فراسیون از هر یک سه درم فانید شصت درم بگلاب
بگدازند و بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته
بان بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه لعوق
کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آب کرنب بخته
یکمن و نیم با نیمن عسل به پزند و بقوام آورند و بعد از آن مغز
حلغوزه مغز پنبه و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرگ بریان
کرده

کرده و حلبه از هر یک پنج درم مغز پسته پانزده درم
کوفته بان بسرشند شربتی پنج درم بشیر خر لعوق سیر
سرفه بلغمی را سود دارد و ماده را نضج و سینه را پاک
کند صفت سیر پاک کرده نیمن در نیمن روغن گاو به پزند
تا مهرا شود پس بکوبند و نبات بمالند و با یکمن عسل صاف
بقوام آورند لعوق جلغوزه ربو و سعال مزمن و ضیق النفس را
نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک سازد صفت مغز
حلقوزه پنج سوسن صمغ عربی کتیرا بزرک بریان کرده و
خرمای بیدانه از هر یک سی و پنج درم کوفته و بیخته
باده رطل عسل و دو رطل روغن گاو بسرشند شربتی
ملعقه لعوق صبیان چون باشیر مادر در گلوی اطفال ریزند
سرفه و خشونت سینه را نافع باشد صفت صمغ عربی فانید

از هریک چهار درم مغز بهدانه یکدرم کوفته بعسل
بسرشند لعوق که دربو وضیق النفس وسرفه بلغمی را نافع
باشد صفت بزرک بریان کرده کوفته ده درم با یکسفال
روغن بنفسه بادام وپنج درم عسل بسرشند ولعوق سازند
لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت بزرک کرسنه
مغز بادام از هریک سه درم بعسل صاف سرشته لعوق
سازند لعوق که همین خاصیت دارد صفت مغز چلغوزه
چهل درم رب السوس بیست وپنج درم بعسل بسرشند
وبلیسند طلوخ که شقیقه را نافع باشد صفت تخم کاهو
از هریک یکدرم بذر البنج کتیرا از هریک ده دانک
افیون نیم دانک کوفته وبیخته لبرکه بسرشند وبر کاغذ
کشند وبر شقیقه چسبانند درد را تسکین کند طلوخی

که همین

طلوخی که همین عمل کند صفت زعفران افیون دم الاخوین
صمغ عربی به سفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین چسبانند
طلوخی که همین عمل کند صفت تخم کاسنی تخم کاهو از هریک
ده درم مر یکدرم حضض سه درم افیون نیم درم کوفته
وبیخته بلعاب بذر قطونا سرشته بر پوده پاره کاغذ
کشند وبر صدغین چسبانند لخلخه که خواب آورد
صفت تخم گل بنج لفاح از هریک یکدرم افیون دانکی کافور
دو دانک کوفته وبیخته در ظرفی کنند وببویند لخلخه
که منع عفونت کند وصداع را نافع باشد صفت صندل
سفید سائیده کتیرا خشک گلاب وسرکه در ظرفی
کنند وببویند لبوب کبیر کرده را نرم کند وقوی
گرداند ومنی بیفزاید ونشاط آورد وباه را زیاد کند

ودل ودماغ را قوت دهد و بدن فربه کرداند و
رنگ را نیکو کرداند و اعصاب را محکم کند و در امر مجامعت
نظیر ندارد و گفته اند هرکه ده روز بدین مداومت
کند هرکز نقرس او ساقط نشود صفت مغز پسته تازه مغز
فندق مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز کردکان مغز جلقوزه
مغز حب العظم ماهی رومیان خولنجان شقاقل بهمن
سرخ بهمن سفید تودری سرخ و زرد زنجبیل کنجد
مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل الطیب
سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب القلقل تخم کزر تخم
شلغم تخم ترب تخم پیاز تخم شبت تخم هلیون لسان
العصافیر درونج عقربی زرنباد و از هر یک سه درم
جوزبوا بسباسه دار فلفل از هر یک ده درم

خصیة الثعلب نارجیل تازه مغز کنجشک خشخاش از هر یک
دو درم قضیب کاو سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک
از هر یک چهار درم مایه شیر اعرابی زعفران مصطکی
از هر یک سه مثقال عود خام دو مثقال ورق طلا سی
صد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک مثقال مشک
تبتی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود
معجون سازند لبوب صغیر منی بیفزاید و کلیه و مثانه
قوی سازد و نسیان را نافع باشد و رنگ روی را
نیکو کرداند و دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم
سازد و در امر مجامعت عظیم نافعست صفت مغز بادام
مغز کردکان حب الخضرا مغز جلقوزه مغز حب الزلم مغز
فندق مغز پسته نارجیل تازه حب فلقل خشخاش سفید

تودرین کنجد مقشر تخم جرجیر تخم پیاز تخم اشبت تخم شلغم
بهمنین زنجبیل دارفلفل کبابه چینی قرفه دارچینی شقاقل
خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه و
معجون سازند چنانکه رسم است شربتی دو درم باب
المیم مثرودیطوس قریب المنفعت است به تریاق فاروق
لیکن تریاق در دفع سموم ازین انفع است و مقدار
شربتی در امراض مذکوره زیاده از آنست صفت مع
زعفران غاریقون دارچینی زنجبیل کبر از هر یک ده درم
سنبل کندر خردل سفیلک عود بلسان اسطوخودوس — اذخر
سیسالیوس کافیطوس قنه علک البطم دارفلفل عصاره — نسخه
لحیة التیس جند بیدستر ساذج هندی میعه جاوشیر
از هر یک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه

سورنجان اسقوریدون جعده دوقو اکلیل الملک جنطیانا
دوغن بلسان حب بلسان اقراص قوفیون مقل از هر یک هفت
درم سلیخه ده درم انیسون سنبل رومی مصطکی صمغ عربی
قطراسالیون فردمانا دارزیانه افیون گل سرخ مشک ترا
مشیع از هر یک سه درم اقاقیا ماهی سقنقور زهو فاریقون
از هر یک چهار درم نیم شراب ریحانی کهنه چندانکه صمغها
دران حل کنند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود
معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند خلاصه
اکبر صرع و دوار و صداع کهنه و ارتعاشه و فالج و تشنج
بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و وسواس و رمد
بلغمی و قروح امعاء و مغص ریحی و کرده و مثانه را نافع
باشد و نفث الدم را باز دارد و چون با بلسان الحمل هند

درد معده وسپرز را نافع باشد وچون باب را زیانه نبوشند
تبهای کهنه را زایل کند ومحلل اورام بود ودفع سموم کند
وچون بر خضیب طلا کند نفوذ آورد صفت سلیخه اذخر
از هر یک یک وقیه ونیم جند بید ستر مرمکی فطراساليون
از هر یک پانزده مثقال تخم کرفس بدر وقیه سیساليوس
یکمثقال فلسطرا دارچینی اقراص اندروما میعه سایله اسارون
از هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل
هشت مثقال حماما وزعفران دارفلفل از هر یک چهار
مثقال افیون انیسون از هر یک ده مثقال عسل سه
وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست وبعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال ویک درم تا یک
مثقال معجون فلاسفه وانرا مادة الحیوة نیز گویند

هاضمه

هاضمه را قوت دهد واشتها آورد وبلغم را
دفع کند ونسیان وسلسل البول ودرد پشت ودرد
گرده واوجاع مفاصل را نافع باشد ومنی بسیار کند
وباه را برانگیزاند ودندانرا سخت کند ودل
را قوت دهد ونشاط آورد ورنک را نیکو گرداند
وبوی دهن خوش کند وپیرانرا وسرد مزاجانرا
موافق باشد صفت زنجبیل دارفلفل دارچینی آمله
بلیله شیطرج هندی زراوند مدحرج حصیة
الثعلب مغز جلغوزه عرق بابونه از هر یک پنج درم
مویز منقی سی وپنج درم عسل مصفی دو مقابل ادویه
بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم
معجون جالینوس گرده ومثانه سرد را گرم گرداند وسنگ

بکشاید صفت فلفل سیاه و سفید حماما قسط سنبل
الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس
انیسون عاقرقرحا تخم انجره تخم سداب مساوی کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال بماء الاصول
یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم این معجون را
فریادرس کویند همه دردها بنشکند صفت افیون
بذر البنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل
عاقرقرحا سورنجان قاقله دارفلفل از هر یک پنج مثقال
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از دانکی تا نیم مثقال
معجون تربلاسه قولنج صعب را در زمان بکشاید صفت
خربواقرفه ساذج هندی فلفل دارفلفل زنجبیل
برنک کابلی مقشر قرنفل از هر یک یکمثقال تخم کرفس

سنبل

سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال تربد سفید و
سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بسرشند شربتی دو درم معجون زبل که همین خاصیت
دارد صفت زبل الزبیب چهار درم تربد پنج درم تخم کرفس
انیسون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم تا چهار درم معجون تربدی قولنج بکشاید
و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن کرداند صفت و
سقمونیا ده درم قاقله کبار و صغار زنجبیل دارچینی قرفه
ناردمشک قرنفل فلفل از هر یک پنج درم شکر سرخ و
تربد سفید از هر یک صد مثقال عسل مصفی بقدر
احتیاج معجون سازند شربتی دو درم معجون لوزی
صفرا و بلغم دفع کند صفت مغز کانده مغز بادام سقمونیا

از هر یک ده درم زعفران درمی نبات بیست وپنج درم
در کلاب بکذارند و داروها کوفته بدان بپرشند
شربتی بکمثقال معجون اسود زحیر و اسهال کهن را سود
دارد صفت افیون جند بید ستر میعه بذر البنج
زعفران اسارون مر تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل
وکل ارمنی مساوی کوفته وبیخته باب مورد یا آب
به معجون حجر الیهود سنک کرده ومثانه را پاک کند.
صفت مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو
حب کاکنج از هر یک پنجدرم حجر الیهود پنجاه درم
صلایه کرده بعسل بپرشند شربتی دو درم تا سه درم
معجون عقرب سنک کرده ومثانه بریزاند وکزیده
کبی عقرب را بغایت نافع بود صفت عقرب محرق سه درم

کاکنج پنجدرم ونیم جند بید ستر چهار درم کوفته
بعسل معجون سازند شربتی دانکی باب کرفس معجون کاکنج
قرحه کرده ومثانه وبول الدم را نافع باشد صفت بذر البنج
تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم مغز جلغوزه
بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از
هر یک سه درم زعفران دو درم ونیم کاکنج بیست پنج
عدد کتیرا چهار درم کوفته بمنفتح شربتی یک درم
باجند یقون باماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند
معجون مبدل المزاج لقوه وفالج ورعشه وبرص را نافع وخدر را
باشد صفت زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط درج عسل
بلادر از هر یک ده درم سداب حلتیت زراوند
مدحرج جنطیانا شطرج هندی حب الغار جند بید ستر

[illegible]

خردل از هر یک پنج درم با عسل صاف معجون سازند
چنانکه رسمست شربتی یک مثقال معجون حب الغار بنسخه
محمد ذکریا قولنج بگشاید و استسقاء طبلی و جمیع امراض
ریحی که بان حرارت نباشد نافع بود صفت سلیخه
خشک پنج درم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز
صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل فودنه و
دارفلفل وج زوفا حب الغار جند بیدستر از
هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم
صمغها را در شراب حل سازند و داروها کوفته و
بیخته داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی دو مثقال
معجون زراوند دانرا معجون ربوبی گویند از ترکیب
محمد ذکریاست ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت
زراوند

زراوند مدحرج قردمانا فلفل کرسنه تخم سپندان
سفید مغز بادام تلخ انجره از هر یک پنج درم رب السوس
پر سیاوشان زوفا از هر یک ده درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفا معجون زوفا
مواد بارده را نافع باشد و بادها بشکنند صفت
ابهل نانخواه کندر وج دارچینی مساوی کوفته
بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سعال
نافعست سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت
مغز جلغوزه سه درم مغز پسته پنج درم مغز بادام
مقشر بزرک از هر یک ده درم فانید سی درم بطبرزد
معهود معجون سازند شربتی مقدار یک کردکان
معجون گل دو درم جگر را نافع باشد صفت گل سرخ چهار درم

پنج سوسن هفت درم ریوند چینی لک مغسول از
هر یک یکمثقال و نیم سلیخه زعفران از هر یک سه درم
و نیم زعفرانرا در سرکه حل کنند و داروها کوفته و
بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل بسرشند معجون
راحت قولنج را در ساعت بکشاید صفت فلفل
دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان
قرفه از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم عسل
صد چهل درم شربتی یکمثقال معجون وج امتلاء [illegible]
را نافع بود صفت وج کثیرا حلتیت زنجبیل رازیانه
مساوی بعسل معجون سازند معجون لؤلؤیی ترکیب جا
لینوس است هفت منفعت دارد قضیب را سخت
کند و اوعیه منی بکشاید و شهوت زیاد کند

واعصاب

و اعصاب را قوت دهد و در خون تغییر عظیم
پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد در
دل زن پیدا شود صفت مروارید ناسفته بسد
از هر یک یک درم فقاح اذخر سعد کز مازج سلیخه
دارچینی اسارون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی
کثیرا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با همچند آن عسل
بسرشند و در وقت خواب نزدیک مجامعت
یکمثقال با آب نیم گرم بیاشامند معجون دیگر که اعضای
رئیسه را قوت دهد و نشاط آورد و معده را
قوت دهد و اشتها آورد و رنگ را نیکو گرداند
و طعام را هضم کند صفت دارچینی سنبل الطیب پوست
بیرون پسته جوزبوا مغاث خولنجان بهمن سرخ و سفید

ثقاقل دواله پوست هلیله بادرنجویه کادزبان از
هریک سه درم مصطکی هل وذرنب زنجبیل قرنفل د
اسارون هندی کبابه پوست ترنج دبرنج رومی
زرنباد صندل سفید حب القلقل انیسون نعاع
بسباسه هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه زیتی
کهربا مروارید صلایه کرده مرجان ازهریک دودرم
سعد کوفی ودرق گل سرخ ازهریک چهار درم و
ماهی دربیان خصیة الثعلب تودریین ازهریک
پنجدرم مشک تبتی نیم مسقال عنبر اشهب یکمسقال
ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد قند منا
نیم من معجون سازند چنانکه رسمست معجون عطایی
تقطیر البول وسرعت انزال رانافع باشد صفت علک

تقطیر البول وسرعت انزال رانافع باشد صفت علک رومی
کندر کلنار بلوط شونیز بزر القب مسادی کوفته
وباد ومقدار عسل بسرشند معجون کندر که همان خاصیت
دارد صفت علک رومی کندر کلنار بلوط کشنیز خشک
ازهریک ده درم زیره کرمانی کرویا نانخواه ازهریک
پنجدرم پوست بلیله هلیله سیاه پوست هلیله زرد
آمله مقشر ازهریک سه درم کوفته وبیخته باسه
مقدار آن عسل بسرشند شربتی دو مسقال صباح
ومسا بنوشند غذا کباب وقلیه مناسبست معجون
بر شیره همان منفعت دارد صفت کبابه چینی دو فلفل
قرنفل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه ازهریک ده درم
بانیمن عسل معجون سازند شربتی ده درم معجون بزوری

معجون در تقویت باه بی نظیر است تخم کرند
تخم شلغم تخم ترب تخم ماهلیون تخم اسبست تخم جرجیر
مغز جلغوزه حب القلقل مغز حب الزلم بوزیدان
قسط شیرین زنجبیل تودریین لسان العصافیر بهمنین
شقاقل دارفلفل خرف حلتیث قرفه مساوی کوفته
بعسل معجون سازند شربتی سه درم در شیر تازه یا
شراب نوشیرین معجون مفرح اين معجون از مفرحات و
بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع بسیار دارد
صفت قرنفل زنجبیل سنبل دارفلفل خیربوا قاقله کبار
شطرج هندی لسان العصافیر درونج عقربی بادرنجبویه
مصطکی لسان الثور خولنجان فرنجمشک مرواريد ناسفه
صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ یاقوت

رمانی

رمانی بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم
بسباسه شش درم پوست ترنج سه درم پوست بلیله
یکدرم عنبر اشهب زعفران از هر یک یکدرم و نیم مشک
نیم درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکدرم
تا دو مثقال معجون نسیان حافظه را قوت دهد و نسیان
نافع باشد صفت بلادر افتیمون از هر یک ده درم
صبر زرد شصت مثقال غاریقون بیست و چهار مثقال
سلیخه ربع زراوند مدحرج زعفران دارچینی
از هر یک شش درم قسط سداب فلفل سفید از
هر یک هشت مثقال عسل سه چهار یک بطریق
معهود معجون سازند معجون اسطوخودوس تباهی مزاج درد
معده را سود دارد صفت قسط حاماما سنبل سلیخه

[illegible]

مصطكى از هر يك دوازده درم زراوند طويل فلفل
سياه تخم كرفس تخم شبت انيسون نانخواه ذروه كرمانى
دوقو فطراساليون كاشم اسارون افلنتين انجدان
سعفوده نعناع از هر يك چهار درم كوفته و بيخته
بعسل معجون سازند معجون تمر قولنج بكشايد صفته
زنجبيل فلفل سفيد از هر يك بيست درم ستمونيا نيم درم
خرما دانه بيرون كرده مغز بادام بركه سداب
از هر يك شصت درم خرما را در سركه خيسانند
ديكشبانه روز بكوبند دارو ها كوفته و بيخته نيم
من عسل صاف معجون سازند شربتى سه درم تا چهار
درم معجون جنطيانا صلابت سپرز و جكر و درد معده
و كرده را نافع بود و سده بكشايد صفته جنطيانا ي

درمى

درم لنكه زن باد كرم
در زشت مخالف بهرس نقله
علامتش ان با نكو نده و
صحبت سينه و ناف فرا ريد
و در ماع زن درد آيد و دهانش
ريح شود علاجش ان باشد
كه قدرى زهره كرك و روغن كنجد
بهم بيا ميزند و مرد بر ذكر
بمالند و نزديكى كنند نوع
درم زهره روباه انزروت
با سفيده تخم مرغ داخل
نموده با پاره پشم بعد از
فراغ از حيض زن بكرد
بكيرند و نزديكى كنند سيم آن

درمى فلفل سياه از هر يك ده درم قسط ساذج
مقل ريوند چينى از هر يك هفت مثقال كوفته
و بيخته با سه وزن عسل بسرشند شربتى دو درم
باب سداب معجون افسنتين درد معده و جكر كه از سردى
بود زايل كند و استسقا را نافع بود صفته انيسون و
تخم كرفس مغز بادام تلخ مساوى كوفته و با سه چندان
عسل بسرشند شربتى دو درم معجون سنبل معده و جكر را
نافع باشد صفته سنبل الطيب فقاع اذخر قصب الزريره
از هر يك چهار درم مويز منقى سليخه از هر يك يك درم
زعفران مر انيسون از هر يك يك درم فلفل سياه و
مقل از هر يك دو درم مقل و مويز را در مثلث حل
كنند و داروها كوفته و بيخته بران بيا ميزند و با عسل
معجون سازند معجون نقى سرفه و درد جكر و درد معده

وبینه را سود دارد و از صافی کند و بول براند
موبز منقی بیت و بغد دم زعفران سنبل سلیخه
دار چینی دار شیشعان از هر یک یکدرم قصب الذریره
فقاح اذخر علك البطم مقل از هر یک دو درم و نیم مر
چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند
وانچه کوفتنیست بکوبند و به بیزند و مجموع را با عسل
مصفا بسرشند شربتی یکدرم بشراب و زوفا
باب کرم بشویند و بنوشند معجون قباد المفاصل
مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهن
وضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و
تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را
دفع کند صفته جنطیانا رومی اسطوخودوس
فرد ماناجاوشیر کمافیطوس تخم سداب

فراسیون اسقوردیون میعه سایله از هر یک
پنج منقال مر زعفران قسط فلفل سفید اذخر سنبل
فرفیون پوست بیخ لفاح اشق نوذ ... از ... دو و
وورق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه
منقال قرفه هشت منقال سلیخه شانزده منقال
عصاره غافت تخم حندقوقی صمغ عربی بادام مکه
چهار درم افیون بذر البنج سفید اب ملك شش
منقال قند سفید چهار درم انچه حل کردنیست
در مثلث حل کنند و انچه کوفتنی است بکوبند
وبآن ممزوج کنند و بعسل معجون کنند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند معجون قیصر خفقان
بارد را و صرع و درد معده که از سردی باشد

ونواق امتلائي را نافع باشد وسده بگشايد
صفته جند بيدستر رب السوس سليخه ٤ قسط
تلخ فلفل سفيد وسياه افيون ميعه سائله زعفران سنبل
مكي سه درم جاوشير يك درم درونج عقربي زرنباد
مرواريد ناسفته مكي نيم درهم مشك دو دانگ
كوفته وبيخته بعسل سرشته شربتي مقابل نخودي
معجوني كه از جهة ضعف معده نافع است صفته
طباشير پوست سنگدانه مكي ٢ مثقال گل سرخ ٣ م
نعناع خشك پوست بيرون پسته پوست ترنج
پوست هليله زرد مكي مثقالي بهمن سرخ وسفيد
صندل سرخ وسفيد كشنيز خشك كرده صعتر بريان كرده
حب الآس مكي دو درم كوفته وبيخته باشراب فواكه
معجون

325
163

معجون سازند شربتي ٢ مثقال معجون نجاح مسهل سودا وبلغم
بود وامراض سوداوي وبلغمي را نافع باشد صفته هليله سياه
پوست هليله كابلي امله مقشر افتيمون مكي ده درم
بسفايج فستقي اسطوخودوس تربد مجوف مكي ٥ مثقال
غاريقون ٣ درم حجر لاجورد حجر ارمني مغسول مكي ٢ درم
سقمونيا سه درم كوفته وبيخته با صد وپنجاه درم عسل
سرشته شربتي پنج مثقال تا هفت مثقال معجون خيارشنبر
خيارشنبر مسهل صفرا وبلغم باشد صفته تربد سفيد مجوف
چهل درم بنفشه ٣ درم نمك هندي رب السوس
مكي هفت درم رازيانه بزر البنسون مصطكي از هر يك ٥ درم
سقمونيا ده درم عسل خيارشنبر صد درم [illegible] بادام [illegible] درم
قند وعسل از هر يك صد مثقال مغز خيارشنبر در عسل

وقند حل کنند و داروها کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کنند و در یکدیگر سرشند شربتی پنج مثقال
تا هفت مثقال [illegible] مسهل بلغم و صفرا باشد
مخصوص بمفاصل و عرق النساء ست
سورنجان شش مثقال پوست هلیله هفت درم
تخم کرفس نمک هندی برگ حنا زبد البحر فلفل سفید
رازیانه صعتر مکی یکمثقال گل سرخ زنجبیل
سقمونیا کثیرا حسک مکی سه درم ماهی زهره زیره
کرمانی پوست بیخ کبر شیطرج هندی بوزیدان
از هر یک دو درم تربد سفید پانزده درم روغن
بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم
شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال [illegible] درد جگر

وضعف معده را نافع بود و سده بگشاید و اورام
صلبه را تحلیل دهد [illegible] مشک و سلیخه
سنبل ساذج هندی لک منقی و بوزیدان جنطیانا
رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه تخم
کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی
قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با سه
چندان عسل معجون سازند [illegible] معده را
پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد
[illegible] صعتر و فا نانخواه نعناع شونیز زیره کرمانی
از هر یک سه مثقال حاشا و مثقال و ج بسباسه
رازیانه زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه
مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند

درد پشت و درد پای را نافع باشد و باه را
قوة دهد و معده را سوی دارد و پاک کند و موی بوادیر
سفید کند و سرعت انزال را سوی دارد صفة گل سرخ
سعد عاقرقرحا قرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران
قاقلتین جوزبوا مساوی قند و عسل مثنا صفة بقدر
احتیاج قند را در گلاب بگذارند و با عسل بقوام
آورند و داروها کوفته و بیخته با ان بسرشند جوارش غیاثی
اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ
بیفزاید و منی زیاد کند صفة زعفران عاقرقرحا
بدرالبنج فرفیون خولنجان قاقله کبار دارفلفل چند
بیدستر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل
بسرشند جوارش لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر

والی

و برص را نافع باشد و معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ را
سرخ گرداند و حرارت غریزی برافروزد و پیری را
بغایت مفید است صفة سیر پاک کرده نیم من در
یکمن آب بپزند تا مهرا شود و سه چارک عسل
سی درم روغن گاو بر سر ان ریزند و با یکدیگر
ممزوج سازند و از آتش فروگیرند و این داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند صفة قرنفل جوزبوا سه
فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار هلیله کابلی
دارچینی زنجبیل از هریک ده درم عود
خام زعفران از هریک پنج درم [illegible] مقابل
کردکان جوارش اسفندی معده را پاک کند و بلغم

وسوداوی با بهار رو دوار بلغمی و سوداوی را نافع بود صفت
هلیله سیاه هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک ۳ درم
افتیمون ۴ درم نمک هندی ۲ درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون
۴ درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند شربتی ۳ درم با آب گرم
معجون قسط اوجاع کبد و معده را نافع باشد صفت دارچینی
سلیخه قسط از هر یک سی درم افتیمون شامی انیسون ریوند
چینی تخم کرفس مکه ده درم اسارون [illegible] درم
زعفران هشت درم فقاح اذخر مر مکه بیست و چهار
درم مر را در شراب حل کنند و ادویه دیگر را کوفته
و بیخته با آن بسرشند و بعسل صاف معجون کنند معجون
فالج و لقوه و استرخا و امراض بلغمی را نافع باشد و چون بر عضو
مفلوج و مسترخی طلا کنند نافع باشد صفت افیون فرفیون

جندبیدستر

جندبیدستر دارچینی دار فلفل سنبل الطیب بابونج
زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
معجون که نقرس بلغمی را دفع کند صفت پوست هلیله زرد
سورنجان عاقرقرحا مکه ده درم فلفل سفید یکدرم و نیم
زیره کرمانی هفت درم راسن ۴ درم زنجبیل دو درم
افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو
مثقال معجون سکبینج قولنج را نافع باشد صفت سکبینج تخم کرفس
جندبیدستر از هر یک یک جزو سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در
روغن بادام [illegible] بند و سکبینج را در عسل حل کنند
و بایکدیگر بیامیزند و داروها کوفته و بیخته در آن بسرشند
شربتی ۳ مثقال معجون حلتیت عسر البول را نافع بود صفت
دوقو ریوند چینی اذخر حب بلسان افیون سلیخه
زعفران دارچینی فطراسالیون کمافیطوس از هر یک ۳ درم

مغز چلغوزه سي درم نعناع خشك نيم درم كوفته با عسل
بسرشند و بعضي بعوض شهد انار ساسن كنند شربتي
بمثقال بماء العسل معجون قرنفلي شهوات را تهييج كند
رفع كنند وصداع را نافع باشد صفت ايارج فيقرا
دوازده درم پوست هليله كابلي پوست بليله
آمله بعسل بعد از كوفتن و بيختن معجون كنند شربتي ۳ درم
با چهار درم در طبيخ فودنج معجون فودنج درد معده و جگر
و بنهاي كهن را سود دارد صفت فودنج كوهي فودنج
دشتي تخم كرفس كوهي فطراساليون سيسالیوس از هر يك
بيست درم تخم كرفس بابونه ماشا از هر يك چهار درم
كاشم پانزده درم فلفل سياه جهل و چهار درم و در بعضي
نسخها بيست و چهار درم با انگبين مصفا بسرشند معجون
مقل باد بواسير و بادهائي كه اندرون وده‌ها باشد بشكند

ملكي

و اماس مقعد كه خون آيد سود دارد صفت هليله كابلي پنجه درم مقل
پنجاه درم مقل را در آب كنند تا حل كنند و دارو ها بدان بسرشند شربتي
دو درم معجون ماسك البول كه ادرار بول را نافع باشد و سيلان
مني را باز دارد خاصه پيران را صفت اقاقيا كلنار از هر يك سه درم
صندل سرخ و سفيد عدس سرخ قصب الذريره تخم حماض صمغ عربي
طباشير از هر يك دو درم تخم مورد دو مثقال كندر يك درم سوده
و بجمله بگلاب بسرشند شربتي از وي پنج درم غذا بريان و قليه
تناول كنند معجون اقمشه اسهال بلغمي را نافع باشد صفت افيون صندل
بيد ستر ميعه سايله بذر البنج زعفران مر اسارون تخم كرفس سليخه
انيسون سنبل الطيب كل ارمني كلنار مساوي كوفته و بيخته با سه
چندان عسل بسرشند شربتي نيم درم بوب بر يا آب بسد يا آب سماق
معجون بنفشه امراض صفرائي را نافع باشد و دفع سرفه كند صفت بنفشه
مغز بادام شيرين از هر يك ده درم تخم كاسني سه درم مغز تخم خيارين

مغز تخم کدو سلیخه از هر یک پنج درم کثیرا یکدرم اصل السوس یکدرم
کوفته و بیخته بقند و گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب گرم
کرده معجون بقراط نسیان ماخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع مفاصل
و درد معده و داء الحیه و داء الثعلب و داء الفیل و تقطیر البول
و سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان
فاسدی و طحال را نافع باشد و دفع غائلت سموم کند و دل را قوت
دهد و باه را زیاد کند و حب القرع را دفع کند و سنگ گرده و مثانه
بریزد و حیض بکشاید و بوی دهن و بوی عرق خوش کند و گرانی
زبان ببرد و صداع زایل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نفع
دارد و پیران را بغایت مفید بود صفت جنطیانا قرسطانا نارمشک
تخم فرنجمشک حب الغار راوند طویل از هر یک یک مثقال انیسون
جند بیدستر حب بلسان عود بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک
یکدرم مرو درونج عقربی زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا

از هر یک

از هر یک دو درم صبر سقوطری ده درم تربد سفید بیست درم
عود خام دوازده درم جوزبوا ریوند چینی قرنفل قاقله بسباسه
اشنه سنبل الطیب زعفران اسقیل بریان کرده زرنب شیطرج هندی
افلنجه دارچینی از هر یک سه درم ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول
از هر یک پنج درم سعد حب المحلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه
پوست بلیله آمله از هر یک شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ
چرب کنند و باسه چندان عسل برسشند و در ظرف آبگینه کنند و شش
روغن در میان جو نهند شربتی از دو درم تا پنج درم مجرب که نافع است
از جهت درد معده که طعام را قی کند صفت اصول اذخر سعد از هر
یک یکدرم اشنه بلیله فلفل کندر نانخواه از هر یک نیم درم دانه مویز
کف زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانگی و نیم مصطکی عود خام
از هر یک دو دانگ قرنفل مسک از هر یک دانگی و نیم دانه مویز را بکوبند
و قدری آب اضافه نمایند و بشیرا و بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود و ادویه

دیگر را کوفته و بیخته بدان بسرشند و هر روز مقابل یک بادام تناول

فرمایند نوع دیگر اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد صفت چند

بید ستر اسارون افیون میعه سایله بذر البنج کنند بمساوی بعسل

معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم نوع دیگر این معجون

هندیان است و ترکیبی عجیب است و خواص بسیار دارد و فالج و لقوه

و صرع و رعشه و نسیان و عرق النساء و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را

نافع باشد و حفظ را زیاده کند و معده را قوت دهد و باه را زیاده

کند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و پیران را موافق باشد

صفت زعفران فلفل دار فلفل شنجرف مغسول باب لیمو صلایه کرده

کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور سنبل بسباسه قرنفل

دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم خربزه تخم کاسنی تخم خشخاش

عاقرقرحا بهمنین بلیله سیاه کهربا مرجان مروارید ناسفته لسان

العصافیر تخم کرفس مغز پنبه دانه تخم تا توره زهر که فته بریان کرده حنطیانا

مایه شتی اعرابی زنجبیل مغز سر کنجشک مغز سر خروس مغز کندر رومی

بابونه جوز بوا آمله قاقله کبار بلیله شیطرج هندی ناغواه جوز هندی

بلیون سلیخه سلبتوا از هر یک ده مثقال اشترغار مغز چلغوزه بهار

کردکان صبالنبل هندی خصیة الثعلب زرنباد درازیانه بلادر زهر

کرفته کچله زهر کرفته بریان کرده افتیمون زراوند طویل بیاد عنصل

زراوند مدحرج شاهتره از هر یک پنج مثقال عنبر خالص مشک سنبل از هر

یک یکمثقال افیون مصری چهار مثقال ورق طلا و ورق نقره از هر یک پنجاه

عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا فولاد مکلس هر صد

مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف معجون سازند و بعد از شش

ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد آن است که فولاد جوهر دار

خالی از خاک بستانند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال

کوکرد زرد صلایه با آن ضم کنند و در بوته طویل ریزند و در کوزه نهند و

آتش تند چندانکه کوکرد تمام بسوزد و دود کوکرد بر نیاید بعد از آن

بیرون آورند و خوب صلایه کنند و با پنجاه مثقال دیگر گوگرد
با و صلایه کنند و بهمان طریق در بوته ریزند و در کوزه نهند و آتش
کنند تا گوگرد تمام بسوزد پس از بوته بیرون آورند و باب صبر و سرکه
که هفت یکهفته صلایه تا نیک صلایه شود بعد از آن بسرکه بشویند تا تلخی
از او برود و پس باب بشویند تا شیرین شود و بعد از آن خشک کنند
و باب ترب صلایه کنند چندانکه چون باب بریزند بته اب فرو نرود
تا نیمروز بر بالای آب بایستد معجون خبث الحدید بسیاری بول که از سردی
بود باز دارد صفت خبث الحدید مدبر بیست درم قشور کندر کرده
سرکه خیسانیده باشند یک شبانروز پس خشک کرده و کوفته و بیخته
پنج درم طباشیر چهار درم کشنیز خشک سه درم شوکران دو درم
بلیله ساده برشته شربتی با مداد سه درم و شبانگاه سه درم بشراب
میبه معجون راسن ورم صلب کند و معده را نافع بود صفت ریوند چینی
زنجبیل راسن اشتها از هر یک یک جزو تخم کرفس رازیانه انیسون

ناغواه

ناغواه از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته عسل سه وزن ادویه بسرشند
شربتی مثل یک فندق معجون که منع مستی کند صفت شلغم بر سوخته مغز
بادام تلخ کرنب پوده کوهی ملح نبطی سداب ناغواه مساوی کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند معجون زرنباد درد معده و جگر و سپرز را سود دارد
و بادها بشکند صفت سلیخه حاما سنبل ناغواه رازیانه تخم کرفس انیسون
سیسالیوس جنطیانا سه سبست زراوند طویل مصطکی اسارون
کرویا اجزا مساوی با انگبین مصفی بسرشند معجون جوزبوا ترکیب مولانا
عماد الدین محمود جهت تقویت باه و معده و دل و دماغ و جگر و گرده
و مثانه و سرخی رنگ و زردی و فربهی بدن نیکو کند و بوی دهان
خوش کند و منافع بسیار دارد صفت بیخ چینی اعلا پنجاه مثقال مروارید
ناسفته صلایه کرده و دو مثقال شمط دو مثقال ریوند چینی افتیمون
رومی از هر یک سه مثقال سنبل هل از هر یک سه درم مصطکی عود
خام مایه شتر اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یک دو درم سمکه

ماهي
صبر آورد بیان از هر یك سه مثقال دارچینی قرنفل فلفل
زنجبیل از هر یك دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یك ده مثقال
خصیة الثعلب پنج مثقال تخم کرز تخم شلغم بهمنین جنك مرجی از هر یك سه
مثقال بوزیدان سورنجان از هر یك دو درم شقاقل دو درم
تودری سرخ تودری زرد از هر یك سه مثقال سعد کوفی دو
درم ورق منشط سه س ادویه مجموع را کوفته و بیخته کاوزبان
بادرنجبویه کل سرخ و اله از هر یك ده مثقال جوشانیده و صاف
که ده آب آن را نگاه دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه از
هر یك ده مثقال نرم بکوبند و شیره بگیرند و آن شیره را اضاف
جلاب سابق کنند و آب بر شیرین و آب انار شیرین و گلاب صاف
مناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و بادام و کشمش
و جلغوزه از هر یك ده مثقال نرم بکوبند مانند مرهم و در عسل
اندازند و زعفران را بگلاب حل کنند و بعد از آنکه سرد شود اضافه
کنند

کنند و مشك را دو حصه کنند. یك حصه را در اول داخل
کنند و یك حصه دیگر را بعد از سابر ادویه نافع بود بعضی
دیگر این اجزاء را داخل مینمایند اسارون سه مثقال ملح
مقشر بشیر پوردره ده مثقال گل مختوم صندل سفید صندل
سرخ مکد سه مثقال خشخاش سفید ترکیب ساخته باشد
ساخته در ظرف آبگینه یا ظرف پاکیزه کنند مجرب که نافع است
کسی را که عاجز باشد از ازاله بکارت معجون زنجبیل دارچینی
حصیة الثعلب شقاقل جوزبوا لسان العصافیر مصطکی زعفران
دارفلفل بوزیدان ورد احمر بهمنین تخم هلیون تخم جزر از هر یك
دو مثقال مشك و عنبر از هر یك یکمثقال حب الفلفل سه درم
لولو زاید الفکر بلیسث و پنج مثقال عسل نیم من ترکیب سازند
معجون مفرح جبی قرفه پنج مثقال خولنجان کبابه چینی قرنفل جوزبوا از
هر یك سه درم تخم فرنجمشك ورق قرنفل از هر یك سه مثقال

کاوزبان بادرنجبویه از هر یک پنجمثقال سنبل اشتر از هر یک
چهار مثقال ساوج زنجبیل دارچینی فلفل از هر یک دو مثقال و
پوست ترنج سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال خصیة الثعلب
بسباسه لسان العصافیر از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال
لعل یک مثقال مشک نیم درم مروارید کهربا بسد از هر یک یکمثقال
ورق طلا و نقره از هر یک نیم مثقال جز واعظم بیست مثقال عسل
دو وزن معجون الباه از ترکیب مولانا فخرالدین شیرازی صفت بهمنین
خولنجان از هر یک پنج درم زنجبیل سه مثقال مایه شترا عرابی شقاقل
تودری زرد تودری سفید از هر یک پنجمثقال خسک عربی ده
درم کاوزبان پنجمثقال بسباسه درحی عنبر اشهب یکدرم ورق
لکنبال صد مثقال بشیر کوسفند جوشانیده وصاف کرده عسل بقوام
آورند و دیگر بان برشته معجون سنجری آب پیاز سفید یک رطل
انگبین یک رطل هر دو را باتش نرم بجوشانند تا نیم قوام شود مثـ

یکهفته

مدت یکهفته از آن هر روز سی درم تناول کنند قضیب را
قوت دهد و منی بیفزاید معجون الحدید جهت قوت باه نافعست صفت
آبی که آهنگران آهن را دران سرد میکنند نیم من سیر پاک کرده
و در آن داخل کرده بجوشانند تا سیر پخته شود بعد از آن آب را
صاف کنند و سیر را بیندازند و فلفل و زنجبیل بسباسه لسان العصفور
قرنفل دارچینی بلیلج زرد بلیلج عود صلیب از هر یک ده مثقال درم
دارفلفل پنج درم زعفران مشک نیم درم همه را جدا جدا بکوبند و نرم
ببیزند و داخل آن آب کنند و نرم نرم آتش میکنند تا آب همه داروها را
بخود گیرد بعد دو وزن داروها و آب عسل داخل کنند و نیک جوش
داده فرو گیرند در ظرفی کنند و هر روز از آن بناشتا یکدرم تناول
نمایند نافع است معجون سنجری ترکیب شیخ ابو علی مشهور است بقرص
سنجری فواید بسیار دارد و مقوی باه است جگر و دل و معده را
قوت دهد حافظه را بیفزاید و هاضم طعام باشد و قوت بصر افزاید

وقوت سمع زياد كند ونگاه دارد صفت سنبل ده مثقال بسباسه
جوزبوا قاقله صغار زنجبيل دارچيني قرنفل زعفران بهمن سرخ عود
الصليب مصطكي نارجيل ساذج هندي از هر يك شش مثقال تخم مصف
سه مثقال تخم ماهي زهره تخم شبت نانخواه زيره كرماني انيسون تخم كرنب
از هر يك سه مثقال مغز بادام شيرين مغز پسته مغز سر گنجشك از هر يك
شش مثقال مويزج قند سفيد از هر يك سي مثقال عسل مصفى سه وزن
ادويه مقدار شربتي دو مثقال مجرب كه منفعت كند يرقان را كه با حمى
باشد صفت كزبره بسباسه سه درم ورد احمر يكدرم ونيم طباشير سفيد
يكدرم كوفته وبيخته بشراب سيب سرشته شربتي يكمثقال با ده درم شراب
مفرح كه مطبوخ مقوي قلب وباه ومعده است صفت مرواريد ناسفته
سه مثقال لعل بدخشان فيروزه نيشابوري بسد كهربا حجر اليهود
ومشك خالص از هر يك دو مثقال عود چهار مثقال پوست سبز پسته
دو مثقال پوست اترج سه مثقال قرنفل دو مثقال قاقله مقشر دارچيني

دهن دار

درونج از هر يك سه مثقال بهمنين زنجبيل خولنجان فلفل دارفلفل
از هر يك دو مثقال اسارون صندل سرخ وسفيد دواله از هر
يك سه مثقال خصية الثعلب دو مثقال شقاقل گل سرخ از هر يك
سه مثقال طباشير دو مثقال مصطكي يكمثقال قسط شيرين دو مثقال
تخم كاسني سه مثقال قرفه وعاقرقرحا از هر يك دو مثقال فرفيون
يكمثقال حاما سه مثقال بذر البنج يكمثقال تخم فرنجمشك دو مثقال
افيون زعفران از هر يك دو مثقال عسل سه وزن ادويه كه سيصد
وسي مثقال باشد مجرب راسن كه بزبان هندي بورس كويند
صفت بيش يكمثقال ونيم فلفل دو مثقال زنجبيل يكمثقال ونيم عاقرقرحا
يك مثقال عسل سه وزن ادويه وميتواند بود كه كل واحد از ادويه
يكمثقال ونيم باشد وميبايد كه هر يك كه هر يك از ادويه كوفته وبيخته
بدستور عجين كنند مجرب يقوي الباه ويطيب النفس ويسمن البدن
وينفخ الريح من المعدة ومن يرد الكلى ويزيد الحفظ صفت دارچيني اربعه

مثاقيل قسط حلو وسنبل اربعة مثقالي كركم ثلث مثقالي رازيانج و
زنجبيل ونعناع يابس وورق صعتر فودنج اليابس سليخه من كل واحد
اربعة مثقالي ساذج دارفلفل فلفل اسود اسارون بذر انجره كرويا
قرنفل خولنجان شقاقل من كل واحد اربعة مثاقيل ونصف عاقرقرحا
قاقله بذر اللفت بذر الفجل من كل واحد مثقالان سمسم المقشر لب
الفستق لب اللوز جلقوزه من كل واحد عشر مثاقيل عود هندي
ثلث مثاقيل شكر ابيض مثل الجميع عسل مصفى نصف الادويه معجون
فوايد بسيار دارد ونسخه مولانا عماد الدين محمود بهمن سرخ
بهمن سفيد از هر يك ده مثقال تودري سفيد شقاقل از هر يك
پنج مثقال خولنجان سه مثقال سورنجان ده مثقال زراوند مدحرج
زرنباد درونج عقربي از هر يك سه مثقال خصية الثعلب دو مثقال
لسان العصافير سه مثقال عاقرقرحا صونوح از هر يك دو مثقال
تخم بنجيد ده مثقال تخم ترب پنج مثقال انجره سه مثقال خشخاش سفيد ده
مثقال

مثقال بذر البنج مثقال كنجد مقشر تخم خربزه مغز تخم خيارين از هر يك
ده مثقال حب الزلم حب السمنه حب القلقل عود هندي از هر يك
سه مثقال دارچيني سنبل از هر يك پنج مثقال مصطكي سه مثقال صندل
سفيد ده مثقال زنجبيل دار فلفل قرنفل از هر يك سه مثقال
قاقله صغار
هال پنج مثقال جوز بوا ده مثقال دوالسنبله بسباسه پنج مثقال مغز
بادام شيرين پانزده مثقال مغز گردكان مغز پسته مغز فندق نارجيل
از هر يك ده مثقال مغز پنبه دانه تخم خرفه تخم كاسني ورق گل سرخ
كشنيز خشك زرشك صمغ از هر يك پنج درم املج مقشر پوست بليله
پوست هليله كابلي از هر يك پنج مثقال ده مثقال بادرنجبويه پنج مثقال
گاوزبان ده مثقال طباشير سفيد سه مثقال تخم كندنا تخم پياز از
حب النيل سه مثقال ماهي شير اعرابي پنج مثقال
هر يك پنج مثقال ريوند ده مثقال خايه خروس پنج مثقال ~~سنبل~~
مغز سر گنجشك پنج مثقال حليت يك مثقال بوزيدان سه مثقال زعفران
پنج مثقال آب انار شيرين آب امرود بلخي از هر يك صد مثقال آب سيب

ميدانج پنج مثقال ماهي

سلطانی دویست مثقال آب برشین یا صد مثقال گلاب نیم من عرق
بید مشک نیم من عرق عنبر اشهب دو مثقال مشک دو مثقال قند
سفید ونبات وعسل سه وزن [illegible] دویه معجون زبیب مصروع را
نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی پوست هلیله زرد پوست
بلیله املج مقشر اسطوخودوس از هر یک ده درم عود الصلیب
پنج درم عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه را کوفته
وبیخته با مویز کوفته معجون سازند شربتی پنج درم معجون سیسا
لیوس همین خاصیت دارد صفت سیسالیوس عاقرقرحا اسطو
خودوس از هر یک ده درم غاریقون پنج درم قسط ومامیثا
زراوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته وبیخته بسکنجبین
عنصلی بسرشند شربتی یکمثقال معجون لبان نسیان را نافع باشد
صفت کندر وج سعد از هر یک ده درم فلفل زنجبیل از هر یک
پنج درم کوفته وبیخته بسرشند بعسل وشربتی یکمثقال

معجونی

معجونی که منع مستی کند صفت شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ
کرنب فودنج کوهی ملح نبطی سداب ناخنوا مساوی کوفته بعسل
معجون سازند معجونی که سلس البول را باز دارد صفت کلنار
دو درم کندر بلوط از هر یک بیست درم سعد کرمویا از هر یک
پنج درم کوفته وبیخته بعسل معجون سازند معجون دیگر که همین خاصیت
دارد صفت شاه بلوط هفت درم کلنار دو درم دار فلفل
خصیة الثعلب از هر یک پنج درم کوفته وبیخته بعسل بسرشند
شربتی یکدرم معجونی که بادهای زنان آبستن دفع کند وحفظ
جنین نماید صفت زرنباد درونج عقربی از هر یک دو درم
مروارید ناسفته کهربا بسد از هر یک یکدرم کوفته وبیخته
با عسل معجون سازند شربتی یکمثقال معجونی که همین خاصیت
دارد صفت زرنباد درونج عقربی جند بیدستر حلتیت
مازو طباشیر از هر یک یکدرم زنجبیل دو درم قند سفید

دواز ده درم مشک نیم مثقال کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی
دو درم معجون سنا سورنجان ده درم سناء مکی پنج درم اسارون
زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هر یک دو درم کوفته وبیخته
بعسل بسرشند شربتی دو مثقال باب کرم معجون مفرح مالیخولیا
و توحش را نافع بود ودل را قوت دهد ونشاط آورد صفت
ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر یک پنج درم بسباسه پوست
ترنج قرفه تخم قرنجمشک از هر یک سه درم مشک دانگی کوفته
وبیخته بشراب شیب معجون سازند معجون معتدل دل را قوت دهد
وخفقان را نافع بود ونشاط آورد ورنگ را نیکو کرداند
وتشنگی بنشاند صفت مروارید ناسفته بسد کاوزبان عود
خام از هر یک دو درم کهربا کاسنی کشنیز خشک از هر یک
پنج درم صندل سرخ وسفید طباشیر از هر یک هشت درم
افتیمون گل سرخ از هر یک شش درم ساذج هندی زرنباد

تخم قرنجمشک بادرنجبویه خشخاش سفید بنفشه گل ارمنی
از هر یک چهار درم زعفران عنبر درونج از هر یک دو درم
کافور یک درم مشک نیم درم کوفته وبیخته بشراب شیب معجون
سازند معجون حار خفقان وضعف دل را که از سردی بود نافع
باشد صفت کاوزبان بادرنجبویه بهمنین تخم قرنجمشک از هر
یک هشت درم آمله مقشر بریان کرده بیست درم عود قماری
ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یکمثقال زعفران
یک درم بسد سوخته کهربا سوخته قرنفل زرنب کشنیز
خشک دارچینی از هر یک پنج درم عسل هلیله یک چهار یک
یاقوت زرد حلول از هر یک نیم درم درونج عقربی یک درم
ونیم مویز منقی نیم من عسل هلیله را با قند ومنقی بجوشانند
وبقوام آورند داروها کوفته وبیخته با آن بسرشند شربتی
یکمثقال مرهم ناسور آتشک شنجرف دم الاخوین سفیداب قلعی برنگ

هوه جو یه موم از هر یک دو مثقال روغن کنجد یکمثقال
مفرح یاقوتی نقل از خط خان احمد جیلانی صفته یاقوت رمانی
پنجمثقال یاقوت زرد پنجمثقال یاقوت کبود پنجمثقال لعل بدخشان
سه مثقال مروارید ناسفته پنجمثقال عقیق سرخ دو مثقال
یشب دو مثقال کهربا شمعی دو مثقال بسد محلل دو
مثقال شمط مغسول دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره
چهل عدد عود قماری پنجمثقال پادزهر حیوانی سه مثقال جدوار
مجرب ده مثقال زرنباد حلول سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال
مشک خالص سه مثقال ابریشم مقرض چهار مثقال مصطکی
دودی ده مثقال زعفران ده مثقال پوست اترج سه مثقال
پوست پسته ده مثقال دارچینی سنبل الطیب پنجمثقال بهمنین
از هر کدام پنجمثقال طباشیر پنجمثقال درونج عقربی پنجمثقال قرفه
پنجمثقال ساوج پنجمثقال تخم فرنجمشک چهار مثقال ورق بادرنجبویه
پنجمثقال

پنجمثقال تخم بادرنجبویه پنج مثقال گل سرخ سه مثقال زرشک
منقی پنجمثقال باب فواکه شیرین و قند محمودی ترکیب سازند
مفرح بارد خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفته گل
سرخ و طباشیر بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده
صندل سفید از هر یک یک درم تخم خیارین مغز کرده از هر یک
چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک منقی شش درم مروارید
ناسفته کهربا زعفران کافور از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم
نبات را در عرق بید مشک بگدازند و با پنجاه مثقال آب سیب
بقوام آورند داروها کوفته و بیخته بان بسرشند مفرح بارد نسخه
دیگر صفته مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر کهربا گاوزبان
گل ارمنی از هر یک دو درم معجون سازند چنانکه رسم است
مفرح دلگشا خفقان و ضعف دل را زایل کند و نشاط آورد
هرچه تمام تر صفته بهمن سرخ و سفید پنجدرم پوست هلیله

کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم مقرض مروارید ناسفته
از هر یک دو درم کاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هر یک ده درم کشنیز
خشک وطباشیر از هر یک سه درم بسد وکهربا وزرنباد ودرونج
رومی از هر یک یکدرم عود خام یکمثقال آب انار آب به آب حماض آب
زرشک از هر یک ده درم قند سفید وشراب بنفشه از هر یک صد
مثقال آبهارا با قند وشربت بقوام آورند وداروها کوفته وبیخته
بان بسرشند مفرح دلگشای خفقان ضعف دل را که از سردی بود
سود دارد صفته پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه کاوزبان
مغز تخم خیارین از هر یک پنجدرم بهمنین سرخ وسفید از هر یک
دو درم ونیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید کبابه مقشر
از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم ونیم تخم کرفس
یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنجمثقال نبات مصری وترنجبین
سفید از هر یک نیم من نبات وترنجبین را در گلاب حل سازند

وبقوام

وبقوام آورند وداروها کوفته وبیخته بان بسرشند مفرح دلگشای
بارد طباشیر بهمن سفید گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته
از هر یک یکمثقال صندل سفید کشنیز از هر یک دو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بیدانه دو درم زر محلول ونقره محلول
از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید یکمن
آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند مفرح یحیی به نسخه
دیگر دل وجگر ودماغ را قوت دهد ومنی بیفزاید واشتهای
طعام وجماع آورد وباه را قوت دهد صفته قرنفل کاوزبان
بادرنجبویه گل سرخ از هر یک پنجدرم قولنجان کبابه چینی قرنفل
سنبل قاقله کبار قاقله صغار جوزبوا تخم فرنجمشک مصطکی پوست
ترنج لسان العصافیر بسباسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم
مروارید ناسفته ساذج سعد کوفی عنبر اشهب از هر یک دو درم
زنجبیل دارفلفل از هر یک یکدرم خصیة الثعلب ده درم مشک

زر محلول نقره محلول از هر یک نیم درم لعل کهی با بسد از هر یک
یکدرم جزو اعظم سی مثقال عسل دو وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسم است مفرح شیری لعل و بسباسه از هر یک پنج مثقال زعفران
سه مثقال جزو اعظم ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال قند را
در گلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته با آن
بسرشند مفرح که خفقان سودائی را نافع باشد صفت سادج
سعد نانخواه دواله انیسون تخم کرفس فرنجمشک از هر یک سه درم
مشک زعفران از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم مروارید
ناسفته بسد از هر یک پنج درم عصاره افسنتین شش درم پوست
ترنج دو درم گاوزبان هفت درم کوفته و بیخته با آب افتیمون
جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربای هلیله معده را
قوت دهد و هاضمه را قوی کرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را
نافع بود و باصره را تیز کرداند و نسیان را زایل کند و جوان

نگاه

نگاه دارد صفت بلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان
آب بر سر آن ریزند که آن را بپوشاند و خاکستر پاک پنجاه درم بر
سر آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغییر دهند و هر سه
روز یکبار پس بشویند چنانکه پوستها جدا نشود و در دیک
کنند و آب صاف بر ویش ریزند و یک کف جو مقشر نیم کوفته
اضافه آن کنند و بجوشانند تا جو پخته شود پس بیرون آورند
و دیگر باره بدستور بشویند و هر هلیله را ده سوزن بزنند
و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که آنرا بپوشاند
و بیست روز بگذارند و بعد از آن بیرون آورند و آن عسل را
نگاه دارند دیگر عسل تازه بر سر آن کنند و ده روز دیگر بگذارند
و بعد از آن با عسل اول و دویم بجوشانند تا بقوام آید و اگر این
داروها داخل کنند بهتر باشد قرفه قرنفل زنجبیل جوز بوا
مصطکی عود خام از هر یک پنج مثقال مشک نیم درم زعفران یک مثقال

در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز استعمال کنند مربای
شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ تمام آورد و مثانه را سود دارد
صفت یکشبانروز شقاقل را در آب بگذارند و آن آب را بریزند
و یک روز دیگر در آب تازه خیسانند بعد از آن مقشر کنند و بجوشانند
تا نیم پخته شود آنگاه عسل صاف بر سر آن کنند و باتش هموار بجوشانند
تا بقوام اید در ظرفی کنند و بعد از چهل روز تناول فرمایند مربای
بالنگ معده را قوت دهد و فرح آورد صفت گوشت ترنج را در دیگ
کنند و باب بجوشانند تا نیم پخته شود و بیرون اورند و بفشارند
و عسل صاف بر سر آن کنند و باتش نرم بجوشانند تا نیم پخته شود
و بیرون اورند و بفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند و باتش
نرم بجوشانند تا بقوام اید و بقند خواهند هم چنین اما مربای
هلیله و بالنگ و شقاقل و جزر و کردکان بعسل بهتر باشد
و مربای تمر و آلو و به و سیب و امثال آن بقند مربای جزر باه را

قوت

قوت دهد و سینه را نرم کند و پشت را محکم کند صفت گزر نوبر را
بخراشند و پاره پاره کنند و میان آنرا بیندازند و در آب و عسل
بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون اورند و در عسل
اندازند و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از چهل
روز تناول کنند مربای زنجبیل گرده و مثانه و معده بارده را نافع
باشد و بول براند و تبهای بلغمی را سود دارد و باه را زیاده
کند صفت زنجبیل ازاد خوب را در زیر ریک کنند و بیست روز
هر روز آب بر آن ریزند بعد از آن بیرون اورند و بشویند
و ریشه ریشه کنند و باب و عسل بجوشانند تا بقوام اید
مربای کردکان معده را قوت دهد و باه را زیاده کند بستانند
کردکان تازه که هنوز صلب نشده باشد و پوست از او جدا
کنند و باب و عسل بجوشانند تا بقوام اید مربای وج قولنج ریحی و
فالج و صرع را نافع باشد وج ترکی فربه سه شبانروز در آب

بخیسانند وبعد ازان بیرون اورند ودر اب عسل بجوشانند
تا بقوام اید مربی هندوانه حرارت را کم کند وتشنکی بنشاند بستانند
پوست هندوانه وسبزی از او بتراشند وسه روز در اب واهك
بخیسانند روز چهارم در نمك اب بخیسانند ویك شبانه روز
دیکر در اب شیرین بکذارند پس بیرون آورند قدری اب و
قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون اورند و
بنهند تا اب از او برود ودیکر باره در عسل اندازند وبجوشانند
تا بقوام اید مربای کدو سینه وشش ومثانه را نافع باشد کدوی
تازه بخراشند ومغزان بیندازند وپاره پاره کنند وباب وعسل
بجوشانند تا بقوام اید مربی تمر صفرا دفع کند وتب را زایل کردانند
وحرارت مزاج را موافق باشد تمر هندی را از چوب ودانه پاك
کنند در کلاب بخیسانند یك ساعت وبعد ازان قند را بقوام
اورند وتمر بر او بریزند وچون یك جوش بزنند فرو کیرند

مربای

مربای سیب معده ودل را نافع باشد سیب را پوست باز کنند ودانه
بیرون اورند ودر اب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند
بقوام اورند مربای به صفت مربای به مثل مربای سیب درست
راه باکنند وبه نیمش معده را قوت دهد وقی وغثیان وهیضه
وفواق ودرد جکر را نافع باشد صفت اب به ترش چهار من شراب
ریحانی هشت من عسل مصفی دو من مجموع را در دیك ریزند
وزنجبیل ومصطکی قاقله کبار وصغار دارچینی کبابه قرنفل
از هر یك هفت درم زعفران سه درهم همه را نیم کوفته کنند
سوای زعفران در کیسه ریزند ودر او اندازند وبجوشانند
وزمان زمان کیسه را بمالند تا شیره تمام باز دهد وزعفران
سائیده اضافه نمایند بقوام اورند ماء العسل معده را
قوت دهد واشتها اورد وبول براند وامراض بلغمی را نافع باشد
صفت عسل یك جزو اب دو جزو بجوشانند تا ثلث برود ودو ثلث

بماند واگر مقوی خواهند دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی
زعفران هل جوز بسیار کوفته وبیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند
ماء الجبن مالیخولیا ویرقان وجرب وکلف وامراض سودا را نافع
باشد وصفرا براند وبا افتیمون مسهل سوداي باشد صفته
بز سرخ جوان صحیح البدن که چهل روز از زائیدن او گذشته باشد
چند روز کشنیز تازه یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا اردو
یا علف شاهتره تازه بدهند بعد از آن دو رطل شیر او بستانند
ودر دیگ سنگی کنند وبا آتش نرم بجوشانند وچون یک جوش
بزند رطل سکنجبین صادق الحموضه بر سر آن ریزند وبچوب
انجیر پوست کنده بجنبانند تا ببرد وپس از آتش فرو گیرند
ودر کرباس اندازند وبیاویزند تا آب از آن چکد آن آب را
بگیرند ودیگر باره بجوشانند وکف بردارند با سکنجبین صبح بنوشند
هر روز یک رطل بسه دفعه چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت

باشد

باشد بعد از نوشیدن چند گام برود ماء الاصول نقرس واوجاع
مفاصل بلغمی وسودا را نافع باشد صفته پوست بیخ کرفس پوست
بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه
تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر
زرد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه
آید وصاف کرده هر روز باده درم گل شکر بنوشند ماء الاصول
اوجاع مفاصل حاره را نافع باشد صفته عناب سبستان از هر یک
سی عدد پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
تخم کاسنی ورازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در
سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید وصاف کنند هر روز
سی درم باده درم گل قند بنوشند ماء الاصول دیگر لقوه وفالج
وصرع وجمیع امراض بلغمی وسودائی را نافع باشد وسنگ گرده
ومثانه بریزند وسده جگر وسپرز بکشاید واستسقا واوجاع

مفاصل را سود دارد صفة پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از
هر یک ده درم پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس زنیان رازیانه بیخ
اذخر از هر یک چهار درم حب بلسان اسارون دو درم سلیخه طـ
جنطیانا از هر یک دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان هزار اسفند
از هر یک سه درم مویز منقی بیست درم در دو من آب بپزند
تا بیک من آید و بپالایند شربتی سی مثقال با دو مثقال روغن
بید انجیر و پنج درم روغن بادام ماء الاصول سده جگر و سپرز را بگشاید
واستسقای بلغمی را نافع باشد صفة پوست بیخ رازیانه هفت درم
بیخ اذخر و فقاح اذخر از هر یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک
یکدرم و نیم فوه لک منقی عود بلسان از هر یک سه درم انجیر
ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیم
آید و صاف کنند هر روز چهل درم با یکدرم روغن بادام تلخ
و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند ماء البزور بادها را بکند

کند

کند و اخلاط غلیظ را دفع کند و قولنج واستسقاء طبلی را
نافع باشد صفة نانخواه کاشم زیره کرمانی کندیا صعتر شونیز
هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیک رطل آید و صاف
کنند هر صبح و شام بیست درم ازان با سه درم روغن بید انجیر
بنوشند مطبوخ هلیله اسهال صفرا کند صفة پوست هلیله زرد
شش مثقال آلو سیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهتره
و سنای مکی از هر یک پنج درم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس
بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیمه آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هر یک ده
مثقال ترنجبین صمغ طباشیر با روغن بادام چرب کرده از هر یک
پانزده مثقال دران حل کرده بنوشند مطبوخ سنای مکی هفت
درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان

حمیات حاره را نافع باشد و صفرا دفع کند

الوی سیاه از هر یك بیست عدد گل سرخ چهار درم درو سه رطل
اب بجوشانند تا به نیمه اید وصاف کرده تمر هندی وشیر خشت
از هر یك دو درم ترنجبین بیست درم دران حل کنند وبنوشند
مطبوخ افسنتین معده گرم وضعف را نافع باشد صفة افسنتین پنجدرم
گل سرخ شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم گل
افسنتین را بجوشانند وصاف کنند وتمر هندی دران حل کنند
ویکدرم ایارج فیقرا حب ساخته فرو برند واز عقب آن مطبوخ
بنوشند معجون افتیمون صفرای سوخته وبلغم و سودا را دفع کند وامراض
سودائی را نافع باشد صفة سناء مکی هفت درم گل سرخ افتیمون
چهار درم درلته بسته وپوست هلیله زرد وهلیله سیاه از هر یك
پنجدرم بسفایج فستقی واصل السوس رازیانه از هر یك دو درم
اسطوخودوس پرسیاوشان شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه
نیلوفر از هر یك سه درم صمغ منقی سپستان از هر یك سی دانه

سه رطل

سه رطل اب بجوشانند تا به نیمه اید وصاف کرده گل قند اساده
درم مغز خیارشنبر بروغن چرب کرده ترنجبین از هر یك پانزده
درم دران حل کنند وبنوشند مطبوخ شاهتره اوجاع مفاصل را نافع باشد
صفة سناء مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد وپوست بلیله
زرد از هر یك چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه
انیسون قنطوریون از هر یك دو درم پرسیاوشان گاوزبان باد
نجبویه از هر یك دو درم جوشانیده صاف کرده گل قند ده مثقال
ترنجبین بیست مثقال دران حل کرده باز خورند مرهم شادنج
بواسیر وشقاق مقعد را نافع باشد صفة شادنج مغسول گل
لحیة التیس از هر یك سه درم افتیمون نیم مثقال وچهار حب سفید
اب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام وروغن گل بادام
از هر یك ده درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن بگدازند
ودار وها کوفته وبیخته بدان ممزوج سازند وباده درم شیر دختران

در هاون نیک بمالند تا مرهم شود مرهم کافوری ترکیدن لب و مقعد
و سوزش و سوختن آتش را نافع باشد صفت مرداسنگ سفید
آب ارزیز موم سفید از هر یک پنج درم روغن بیست درم موم را در
روغن بگذارند و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون
بسایند تا هموار شود بگذارند تا خنک شود و یک سفیده تخم
مرغ و قدری کافور داخل نمایند و مرهم سازند مرهم جراحات که ناسور
کهنه شده باشد صفت لته کبود سوخته با روغن بزرک مرهم کنند
و بران جراحت نهند تا پاک شود و بعد از آن استخوان آدم را سوخته
و سائیده بران جراحت ریزند مجرب است مرهم مسهل که اورام صلبه را
مثل خنازیر و سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحت را از گوشت
زیاده و ریم پاک کند و ناسور را بصلاح آورد صفت جاوشیر زنگار
و بارزد و مر از هر یک دو درم اشق هفت درم کندر زراوند
طویل از هر یک سه درم مقل و مرداسنگ از هر یک چهار درم

موم

موم و راسنج از هر یک ده درم روغن زیت یک رطل صمغها را
در سرکه حل کنند و موم را در روغن بمالند تا مرهم شود اورام
صلبه را نرم کند و زخم را از ریم پاک کند و گوشت برویاند مرهم
باسلیقون زفت راسنج موم سفید از هر یک بیست مثقال بارزد
چهار مثقال درم روغن زیت پنجاه مثقال شحم هوه جوبیر مثقال
موم را در روغن بگذارند و باقی ادویه در آن حل کنند و مرهم سازند
مرهم حل گوشت نو برویاند و جراحتها را خشک کند صفت مرداسنگ
سنگ ده درم صلایه کرده با ده درم موم در بیست درم روغن
حل کرده و قدری سرکه مرهم سازند مرهم زنگار گوشت زاید را بخورد و ریش
شبهای کهنه را خوش کند صفت زنگار دو درم صلایه کرده با موم
علک البطم و ریناج از هر یک پنج درم در سی درم روغن زیت
گداخته و در هاون کنند و با یک درم انزروت کوفته و بیخته نیک
بمالند تا مرهم شود مرهم داخلیون اورام صلبه را نرم کند و پخته کند

صفت مرداسنگ ده درم صلایه کرده با چهار یک روغن زیت در پاتیله کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند و از آتش فرو گیرند تا سرد شود پس بگیرند لعاب حلبه و لعاب بزرک و لعاب بزر قطونا و لعاب خطمی و لعاب مرو از هر یک پنجاه درم نیم گرم کنند و بر سر آن ریزند و با آتش نرم بجوشانند و کفچه زنند تا غلیظ شود و سهل بیرون گردد

مرهم سرطانیسی بالمرهم المریم سرطان و خنازیر را نافع باشد و ورمها پخته کند صفت مرداسنگ پنج درم کندر باذرواشق موم از هر یک ده درم علک البطم و سریشم از هر یک هشت درم انجه گداختنیست در روغن زیت بگدازند و مرداسنگ صلایه کرده بر وی افشانند و مرهم سازند

مرهم توتیا جراحت قضیب را سود دارد صفت توتیا بیست درم صلایه کرده با بیست درم موم در پنجاه درم روغن گل مرهم سازند

مرهم مصری جراحت گوش را نافع باشد صفت سرکه کهنه هفت درم عسل هشت درم در یکدیگر بجوشانند تا بقوام آید و

علک البطم پنج درم
روغن زیتون نیم من
موم سی مثقال گداخته
در زیتون بگدازند

دو مثقال

دو مثقال زنگار سوده در آن افشانند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر ساخته بر گوش نهند

مرهم اسفیداج گوشت برویاند صفت سفیداب ارزیز سه درم دم الاخوین انزروت صبر کندر از هر یک دو درم موم سه درم در روغن بگدازند و داروها کوفته و بیخته با او ممزوج سازند در هاون بسایند تا مرهم شود

مرهم آهک سوختنی آتش را نافع باشد صفت مرداسنگ خبث الفضه سفیده تخم مرغ با یکدیگر مرهم سازند چنانکه رسم است

مرهم سفیداب گوشت برویاند جراحت را خشک کند حرارت را بنشاند صفت سفیداب ارزیز موم سفید از هر یک دو درم روغن بادام ده درم بطریقه معهود مرهم سازند

مرهم شنگرف سرطان و خنازیر و اورام صلبه را نافع باشد صفت مرداسنگ پنج درم کندر باذرواشق موم سفید از هر یک دو درم و علک البطم شش درم شنگرف هشت درم روغن زیتون با روغن گل سرخ پنجاه درم

بدستور مرهم سازند مرهم کلنار که نملۀ متاکل را نافع باشد صفت
مازوی سبز مرداسنگ زرنیخ و بر از هر یک یک جزو کلنار یک
مورد اساره لسان الحمل دو جزو وبا موم سفید و روغن گل
مرهم سازند چنانکه رسم است مرهم سرطان در دبنشاندن و جراحت
صندل
را بصلاح آورد صفت پوش در بندی اقاقیا از هر یک ده درم
سفید یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان محرق یکعدد
موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم
سازند مرهم معسل چرک از جراحت و دنبل پاک کند صفت عسل را
بجوشانند تا غلیظ شود و برابر آن انزروت کوفته بان ممزوج
کنند و مرهم سازند مرهمی که جراحت اشک را نافع باشد صفت
مرداسنگ
سفید اب توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم دو درم زنگار
نیم درم موم پنج درم روغن پسته درم مرهم سازند مرهم خشک
مرداسنگ مرهم توتیا عناب پخته اب کشنیز تازه با موم سفید مرهم
سازند

سازند مرهمی که بواسیر را نافع باشد صفت میعه سایله یکدرم
مقل ناده درم روغن مغز زردالو ده درم مقل و میعه را در
روغن بگدازند و مرهم سازند مرهم دیگر که همین خاصیت دارد
بلکه از آن قوی و انفع بود صفت مقل کوهان شتر مغز ساق گاو
استخوان زردالو سوخته میعه سایله سفیده تخم مرغ روغن گل سرخ
بیکدیگر ممزوج سازند و مرهم کنند مرهم دیگر که بواسیر اسود
دارد و درد ساکن کند صفت مغز ساق گاو پیه مرغ کوهان شتر روغن
گل مساوی در یکدیگر بجوشانند و قدری افیون اضافه کنند و
در هاون نیک بسایند مرهم سازند و استعمال نمایند مرهم دیگر که از
جهت بواسیر انفع است صفت پیه بط پیه ماکیان پیه بز از هر یک پنج درم
مغز ساق گاو پنجاه درم روغن مغز زردالوی تلخ و روغن مغز شفتالو
و روغن گل از هر یک دو درم میعه سایله دو مثقال مقل ازرق بیست
درم اب کند تا بقدر حاجت موم سفید پنج درم مقل را در اب کند

تا حل کنند و روغن هلیله با موم و پیه بگدازند و ما مقل محلول
در هاون با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند باب النون
نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع باشد صفته پوست هلیله زرد
ده درم آلوی سیاه سپستان عناب از هریک سی عدد تمر هندی
بیست درم تخم کاسنی سه درم مغز خیار سبز ده درم ترنجبین یا نبات ده
درم شب در پنجاه درم اب خیسانند و صباح صاف کرده بیاشامند
نقوع فواکه صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صفته آلوی سیاه عناب
سپستان از هریک سی عدد تمر هندی ده درم زردآلو ده درم
عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم شب بخیسانند
و صباح صاف کنند و بنوشند نقوع صبر صداع حار را نافع است
صفته اب کاسنی هفتاد مثقال صبر سقوطری چهار دانگ در ان
حل کنند و سه روز در افتاب نهند و شب در جای گرم نهند و
روز سیم بپالایند و بنوشند نقوع صبر بنوع دیگر صداع بلغمی را

نافع

نافع باشد صفته سعد سنبل افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس
رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هریک کفی در یک من و نیم اب بپزند
تا به نیم آید و بپالایند و بیست درم صبر در ان حل کنند و سه روز
در افتاب بگذارند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یک درم
روغن بید انجیر بنوشند نقوع صبر به نسخه دیگر صداع سودائی را نافع
است صفته افسنتین ده درم اسارون پنج درم قنطوریون
مصطکی از هریک سه درم صبر سقوطری از هریک شش درم ادویه
نیم کوفته در سه رطل آب گرم بخیسانند و سه روز در افتاب نهند
روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یک درم روغن بادام
شیرین خورند نطولی که خواب آورد و سرسام را نافع باشد صفته
بنفشه تخم کاهو از هریک پنج درم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر
پوست کدوی تر بابونه از هریک ده درم کشک جو پنجاه درم
در نیم من اب بجوشانند تا به نیمه اید و سر بیماران بدان بندند

نطولی که صداع بارد را نافع باشد صفت بابونه اکلیل الملک تمام
مرزنجوش بو نجاسف سعتر مساوی جوشانیده سر به بخار آن دارند
نطولی که صداع ریحی را نافع باشد صفت بابونه اکلیل الملک برگ
کرفس زیره کرمانی مرزنجوش صعتر شبت جوشانیده سر به بخار
آن دارند نطولی که صداع سودائی را سود دارد صفت بنفشه نیلوفر
اکلیل الملک بابونه سبوس خشک ساذج هندی قرنفل جوشانیده
سر به بخار آن بدارند نطولی که گرانی گوش را که از عقب مسهل پیدا
شده باشد و سببش بخارات بود زایل کند صفت بابونه اکلیل الملک
قیسوم از هر یک ده درم تمام مرزنجوش اذخر پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک پنج درم در ده من آب بجوشانند
تا بسه من آید و سر و گوش را ببخار آن دارند نطولی که نشان آبله را
از اعضا ببرد صفت گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ
و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم در هفت من

آب بجوشانند تا بسه من آید و بپالایند و چون از حمام بیرون
آید بر اعضا ریزد نطولی که صداع حار و بیخوابی را نافع باشد صفت
بنفشه جو نیم کوفته تخم کدو و بزرک بذر قطونا تخم خرفه پوست خشخاش
گل خشخاش بیخ لفاح خطمی کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر
به بخار آن دارند نطولی که سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون
آورد و بول براند صفت بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک
از هر یک ده درم پوست خربزه خشک پرسیاوشان تخم قلت
نیم کوفته از هر یک هفت درم اسنان اصل السوس پوست
بیخ رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج و حلبه از هر یک چهار درم بنجاسف
بنفشه از هر یک سه درم و قو برگ نیلوفر از هر یک ده مثقال
در دو من آب بجوشانند تا به نیم من آید و در آن نشینند و چون
بیرون آیند دو سه قطره روغن عقرب در احلیل چکانند نطولی
که همین خاصیت دارد صفت بابونه درمنه ترکی تمام مرزنجوش

برگ کرنب سرگین کبوتر بجوشانند و در آب آن نشینند و
ثفل آن بر عانه و حوالی آن ضماد کنند نطولی که همین منفعت دارد
صفت دیگر صعتر ترکی برگ ترب اسبیت سداب فودنج بری جاسف
سنبل مرزنجوش تمام خطمی شلغم بابونه شبت کرنب بجوشانند
تا نرم شود و ثفل آن را بر عانه ضماد کنند و در آب آن نشینند
نطولی که همین منفعت دارد صفت بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی
از هر یک پنج درم ضبک بابونه پوست خربزه اکلیل الملک برگ
کرنب از هر یک سه درم بجوشانند و در آب آن نشینند نطولی
که افراط طمث را نافع باشد صفت گل سرخ برگ مورد از هر یک
ده درم شب یمانی و مازو نیم کوفته و گلنار از هر یک پنج درم
پوست انار نیم کوفته و جوالس و کزمازج از هر یک سه درم
اقاقیا دو درم مجموع را بجوشانند و در آن نشینند و قرص کهربا
و رب مورد بنوشند نطولی که محافظت جنین کند و نگذارد

که پیش

که پیش از وقت بیرون آید صفت گل سرخ هفت درم گلنار
کزمازج از هر یک پنج درم برگ مورد خشک چهار درم
شب یمانی پوست انار و مازو از هر یک سه درم و نیم کوفته
بجوشانند و در آن نشینند نطولی که از جهت خروج مقعد نافع
باشد صفت گلنار پوست انار جفت بلوط مورد گل سرخ از
هر یک قدری نیم کوفته بجوشانند و در آن نشینند نطولی که
سده بینی بگشاید صفت لادن حب کرنب شونیز بجوشانند سر بخار
آن بدارند نفوحی که گند بینی را ببرد صفت زاج سک قرنفل
مساوی کوفته و بیخته در بینی دمند نفوحی که مسکوت را بهوش
آورد صفت کندش و ضریق سفید کوفته و بیخته اندک اندک
در بینی دمند نفوحی که صداع مزمن را نافع باشد صفت عصاره
قثاء الحمار مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند نفوخ شونیز
فلفل و شاقیا همین فایده دارد نفوحی که صرع را نافع بود صفت شحم

حنظل قثاء الحمار نوشادر کندش فلفل اسود اسطوخودوس
کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الواو وجع کرجو ۵
در دهن مصروع ریزند بهوش اید صفة حلتیت جندبیدستر
کوفته و بیخته در سکنجبین عنصلی حل کرده وجور سازند وجور که
همین خاصیت دارد صفة رازیانه انیسون زیره کرمانی جوشانیده
و صاف کرده کلقند را دران حل کنند و وجور سازند وجور
که نافع است از جهت غشی که بعد از اسهال پیدا شود صفة مشک
سک کوفته در آب بر حل کنند و در حلق چکانند وجور تا جهت
صداع اطفال نافع باشد صفة صعتر جندبیدستر زیره کرمانی
کوفته سه جو ازان در شیر حل کنند و در حلق چکانند کلوی
طفل ریزند وجور که سرفه اطفال را نافع باشد صفة رب السوس
کتیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام مقشر
فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویها کوفته روغن

بادام

بادام بان ممزوج سازند قدری ازان در دهن طفل ریزند
باب الیاء یاقوتی که خفقان و غشی را نافع است و دل را قوت
دهد و فرح آورد صفة مروارید ناسفته ششدرم بسد چهار
درم یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن صندل سرخ از
هر یک دو درم ورق طلا عقیق یمنی ساذج هندی زرنباد
درونج عقربی دوی از هر یک یکمثقال لاجورد مغسول یکمثقال
و نیم لعل کهربا نیلوفر زرشک صمغ کشنیز خشک تخم گل پوست
ترنج گاوزبان ۵ ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم مقرض
از هر یک پنج درم کافور رمانی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال
مشک تبتی نیم مثقال شیره اصل پوست بلیله کابلی گلاب شراب سیب
اب انار شیرین شراب به از هر یک بیست درم کوفتنیها را بکوبند
و بحریر بیزند و با شرابها و گلاب و اب انار بقوام آورند و معجون
سازند و بعد از چهل روز که در میان جو باشد استعمال نمایند

شربتی یکمثقال یاقوتی که خفقان و وسواس وضعف دل را نافع باشد
واعضاء رئیسه را قوت دهد و لون را صافی کند و نشاط آورد و سودا
را دفع کند صفت یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد دو گل ارمنی سنبل
الطیب سادج بهمن سرخ بادرنجبویه از هر یک دو مثقال یاقوت زرد
و کبود عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادرنجبویه
گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول دارچینی درونج
عقربی سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه یشب ابریشم مقرض
قرنفل نیلوفر صندل لینی دارچینی کبابه قاقله کبار از هر یک سه
مثقال زمرد یکمثقال و نیم تخم فرنجمشک کاوزبان طباشیر سفید
از هر یک پنج مثقال امله مقشر پوست هلیله کابلی از هر یک ده
مثقال عصاره زرشک پانزده درم مشک خالص یکمثقال و نیم
کافور نیم مثقال آب سیب آب به از هر یک یک من آب حماض نیم من
گلاب و عرق بید مشک یک من نبات مصری یک من و نیم نبات را

در گلاب

در گلاب و عرق بگذارند و به آب سیب و به بقوام آورند زیاده
و چون فرو گیرند آب حماض بران ریزند و ادویه کوفته و بیخته و
جواهر صلایه کرده بان بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی قوی التفریح
داند از غایت تفریح روحانی گویند دل و جگر را قوت دهد و
مالیخولیا و امراض سودائی را بغایت نافع است صفت مروارید
ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک از هر یک یکدرم صندلین طباشیر
زرنباد بادرنجبویه قرنفل سادج عود قماری ابریشم مقرض پوست
ترنج از هر یک ده درم کاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت عقیق
یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک
یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه درم عسل صاف کرده پنجاه
درم معجون سازند چنانکه رسم است یاقوتی معتدل ضعف دل
و وسواس سودائی را نافع باشد و دل را قوت دهد و نشاط
آورد هرچه تمام تر صفت مروارید ناسفته بادرنجبویه پوست بیرون

بیرون بسته پوست ترنج صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک سه
درم بسد بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم کهربا یشب
قرنفل ساذج هندی دارچینی از هر یک یکدرم لعل عود خام
از هر یک یکمثقال یاقوت زرد عنبر اشهب زر محلول نقره محلول
از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی طباشیر
از هر یک دو درم زرنباد کافور قیصوری از هر یک نیمدرم گاوزبان
آمله از هر یک پنجدرم عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی
و نیم شراب به بیست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب چهل
مثقال داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده و شربتها بقوام آورند
و بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی یاقوت حجر لاجورد یشب گل
مختوم سنبل قاقله کبار و صغار گل ارمنی عنبر اشهب بادزهر ماه
فروین ورق طلا ورق نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته کهربا
بسد بهمنین قرنفل درونج عقربی زرنباد سعد کبابه چینی صندل

کشنیز

کشنیز خشک پوست هلیله زرد آمله مقشر تخم کاسنی خالص از
هر یک دو مثقال بادرنجبویه پوست ترنج گاوزبان طباشیر سفید
عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال نارمشک زنجبیل ساذج
شقاقل زرشک صمغ گل نیلوفر مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال
نبات یک من و نیم اب بر واس و دو سیب و انار شیرین گلاب عرق بید مشک
عرق گاوزبان از هر یک یک چهاریک نبات را در عرقها بگدازند
و با اب میوها بقوام آورند و داروها را کوفته و بیخته و جواهر صلایه
کرده با آن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی یاقوت
زرد سرخ لعل سرخ حجر لاجورد عقیق یمنی ماه فرفین خطائی
سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یک مثقال کهربا مروارید
ناسفته بسد بهمنین قرنفل نارمشک قاقله صغار شقاقل صندل لبی
زرشک صمغ گل نیلوفر پوست هلیله کابلی مصطکی ابریشم مقرض
از هر یک سه مثقال فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک یکمثقال و نیم

یشب زرنباد سعد هندی کبابه چینی ورق گل سرخ کشنیز خشک
آمله مقشر تخم کاسنی ورق طلا و نقره از هر یک دو مثقال قرنفل مشک و
طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال قاقله کبار چهار عدد زعفران مشک
نبطی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من آب به و سیب و امرود از
هر یک نیم من گلاب و عرق بید مشک از هر یک صد درم عرق گاوزبان
ده درم آب انار عذب یکمن عسل سفید مصطفی مصفی نیم من نبات
در هر قنها بگدازند و با عسل و آب میوه ها بقوام آورند و ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بان بسرشند شربتی یک مثقال
یاقوتی نسخه شیخ ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت
نافع باشد و نشاط هرچه تمام تر بود و اعضاء رئیسه را قوت دهد
صفت یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافور از هر
یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض
و سرطان نهری عرق از هر یک یکمثقال و دانگی نقاله طلا سکلس دو دانگ

تمت

قرنفل مشک بادرنجبویه اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سفید
عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول مصطکی سلیخه دارچینی
زعفران هال قاقله کبار ماه فرفیون خطائی از هر یک مثقال انیسون
ده درم و نیم ترنجبین سنبل سادج هندی از هر یک دو درم درونج
عقربی و عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار ورق گل سرخ از
هر یک چهار درم کلاب صندل سفید صد مثقال شراب حماض

شراب سیب شراب انار شیرین از هر یک
سی مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج
بطریق معهود معجون سازند
شربتی یکمثقال بعد از
چهل روز تمام تناول
ضرور دوالله اعلم

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب بمحمد و اله الطاهرین

۳۸۹

۱۹۵

سفوف جهت ترکیب حکمت پناه

حکیم بعد از ... اسپغول بعد ... جلاب ... عود ...

تخم ... فرموده ... سنبل الطیب ... زنجبیل ...

بعد ... اجزا را جدا جدا کوفته و بیخته بعد از آن ...

... خطائی ... تا دو مثقال ... بعد از آن استعمال کنند

مقوم کف گرفته ... ادویه را داخل نموده ... چند روز ...

بعد از آن ... چند ... صفت ... معده ...

نموده ... ساز ... ده ... سبت ...

عدد ... اجزا ... کرده ... انیسون ... زیره ... مثقال

مثنا را ... نموده ... کرنبی ... درم زنجبیل نیم درم قند سفید ...

از هریک دو درم قرنفل نیم درم ... ودو دانگ ... کف نمایند عدد ...

کوفته و بیخته هر صباح یک مثقال ...

[illegible]

[illegible]

391
196

هو البديع لكشف الرحم ... [illegible]

[illegible]

هو الحكيم العليم ... [illegible]

دوائی که گوشت و خون آمدن دندان
... [illegible] سبحان الله ... [illegible]
شب ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
بگوید ... دندان بیاشند ... [illegible]
... [illegible] کنند ... دندان ... [illegible]

[illegible]

390

[illegible]

[illegible]

نسخهٔ روغنی شبیه صفا رو د حوبه اصل الوی حوب رواتک لکاح چوب کر چوب ابنوس پوست خار مغیلان پوست حنا
چوب بقم نبابد کو بیدا از هر یک دو دانگ ده مثقال قند و قیر بزرگو بیدانش شش مثقال شنجرف جوز بوا الکا هنرور
از هر یک یک مثقال و نیم هرچه دواده مثقال زاج هشت مثقال و نیم زرنیخ زرخ نیم مثقال اشق چند مثقال
پوست بلغار یک مثقال و نیم موم میان لی لی نی و حدد ارحطا از هر یک نیم مثقال ابکینه هادی بلیت مثقال
روغن کنجد هزار و دولت مثقال نه چیز اول را تا چهار روز ... با آتش نرم بجوشانند تا ربع عاند
پس صاف کرده با آب برگ نیم و روغن کنجد و باقی اجزا که شش ملایم بجوشانند تا آب برود و روغن عاند
صاف نمایند و نگاه دارند که مفید خواهد بود ان شاء الله تعالی خاصیت این روغن ایشت که زخم کارد و شمشیر
و مانند آن که تازه باشد بعد از ازاله خون فایده عام دهد و از برای درد اعضای و زخمها که
از سردی باشد و نیز از برای عقرب گزیده و مانند آن نافع بود ان شاء الله تعالی طریقه روغن صندل
سفید صندل را براده کرده با روغن بادام یا روغن کنجد خمیر کرده آن قدر که گل شود بعد از آن
او را در میان شیشه عطاری کرده که بکلی پر کرده باشند و اندکی سیم را گلوله کرده بر سر دهن
آن شیشه عطاری بگذارند و آن شیشه را رو بر نشیب گذارند در میان منقلی که ته آن سوراخ
داشته باشد و دهن آن شیشه را متصل به سوراخ کنند و ظرفی در ته آن بگذارند و پاره
آتش و خاکستر ... بر سر آن ... روغن ... روغن راحت منقول از حکیم عماد الدین
محمود زیبق چهار مثقال ... دارچینی ... حب الغار ...
اشق ... بازرد ... حلتیت سکبینج ...
هر یک ۲ مثقال مصطکی ... صابون ...
قالب موم ... بکوبند و ... بعد از آن
روغن ... بجوشانند ...
و بعد از آن ...
بکنند ... طریقه کشیدن روغن بلادر چند نوع بود یکی آنکه
ابتدا ... بلادر را بدان بکوبند تا از آن روغن ... و دیگر طریق حکیم یوسف
بگیرند بلادر ... روغن ...
بکنند ... بجوشانند ...
تا اگر روغنی زیاده باشد ...

... بگیرند و دیگری آنکه بلادر را شکسته در ته صحنی از اجاد بچینند و دسته هاون را گرم کرده بدان
زور کنند تا از آن روغنی در صحنه ظاهر شود آنرا بگیرند و در جمله این که دست و اعضا را از الایش آن
و بلادر را از رسیدن بوی آن حفظ باید کرد و اگر به دستور کنند بکوبند به غایت نرم و اندکی اندک ... بریزند
و بر ... قدری ... و شکنجه کنند روغنی با سلامت گرفته شود طریق کشیدن روغن چوب چنان
بود که بکوبند چوب نیم خشک و سر او را در گیرانند و بر روی صحنی آهنین یا مسین بچینند و طرفی بلند
روغنی از آن بر صحنه ظاهر شود آنرا با انگشت بردارند و نگاه دارند

197

395
198

394

BLANK PAGES

از جمله لمبات که در هر حال [illegible] و مانی دمع و رنج [illegible] باشد

[illegible] برکو که سلم [illegible]

در [illegible]

[illegible] ۳ ۱۴ ۳ ۱۴ ۳ ۲ ۱۴ [illegible]

۲۱۲ [illegible] مجلس [illegible]

مکنه در [illegible] حرکت [illegible]

با [illegible] ۲۶۳ ۱۷۵ [illegible]

روش کرده [illegible] مجلس [illegible] ۲۶۳ [illegible] ۲۱۲

الحرز خواهی که موقوف [illegible]

[illegible] سعد [illegible]

[illegible]

[illegible] بنفشه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] عشرت [illegible]

یا الله هر چند [illegible]

[illegible] نرگس [illegible]

لذت [illegible]

[illegible]

الذت باشد [illegible] نرگس [illegible]

[illegible]

[illegible] لذت [illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹۹ [illegible]

علاج [illegible] البول [illegible]

جانشیر کرده [illegible]

[illegible]

[illegible] کردن [illegible]

[illegible] سنگ [illegible] الیهود [illegible]

علاج [illegible] سنگ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] علاج [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۹ [illegible]

سیماب [illegible] ۱۰ [illegible]

[illegible] ۳ ۴ ۱۰ [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

399
200

[illegible]

398

[illegible]

1400 pp.

1401—

[illegible]

foliated 3/22/90 [illegible]

1200—

BLANK PAGE

OA[illegible] SIAN.

Text on fore-edge follows


قرابادین شفائی در طب

END OF REEL
PLEASE REWIND